



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# اسلام و پژوهش های روان شناختی

## دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

مدیر مسئول: دکتر محمدجواد زارعان  
مدیر اجرایی: هادی ارشادحسینی

صاحب امتیاز: دکتر محمدجواد زارعان  
سرمدبیر: دکتر محمدرضا احمدی

دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۳۹

پست الکترونیکی: [pajoohesh.ueae@gmail.com](mailto:pajoohesh.ueae@gmail.com)

صندوق پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

پایگاه اینترنتی: [ipr.ueae.ir](http://ipr.ueae.ir)

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳ کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

### اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا)

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه	آیت الله سید محمد غروی راد
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت	حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد زارعان
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه	حجة السلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی آرانی
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	حجة السلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه	حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمود نوذری
دانشگاه بقیة الله <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	دکتر علی فتحی آشتیانی
دانشگاه تهران	دکتر هادی بهرامی احسان
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا احمدی

بر اساس مصوبه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی و در طی نامه شماره ۱۲۱۲۴ به تاریخ ۱۴۰۱/۷/۹ درجه علمی دوفصلنامه از علمی - ترویجی به علمی - پژوهشی ارتقا یافت.

این دوفصلنامه در پایگاه اطلاع رسانی SID،Noormags و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.



## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

### مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارائه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسائل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشد. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

### نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

### ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، شهر، کشور و ایمیل پژوهشگر/پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- نکته: موارد فوق هم به زبان فارسی و هم لاتین بارگذاری شود.
- مقدمه: بیان مسئله، هدف، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛

• یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها (شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند. همچنین اعداد داخل جدول‌ها باید به زبان فارسی باشد و برای اعشار از نقطه (.) استفاده شود.

**نکته:** تعداد جداول متناسب با حجم مقاله باشد و فایل جداول علاوه بر متن اصلی به صورت جداگانه بارگذاری شود.

• بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آن‌ها؛  
• منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آن‌ها استفاده و به آن‌ها ارجاع شده است به ترتیب حروف الفبا. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

۱. کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی)، **عنوان کتاب**، شماره جلد، نام و نام خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.

۲. مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، سال/دوره، شماره، صفحات.

۳. پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، **عنوان پایان‌نامه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.

۴. گزارش: نام سازمان (سال انتشار)، «**نام گزارش**».

۵. اینترنت: نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.

• ضمایم (در صورت لزوم)

## نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.

۲. مقاله باید با نرم‌افزار Microsoft Word، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و به وسیله ایمیل، برای فصلنامه ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.

۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

## ملاحظات

• فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.

• اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش فصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.

• مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.

## فهرست مطالب

- ۷..... الگوی ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی  
محمد رضا رمضانی چالش تری / محمد رضا جهانگیرزاده / رامین تبرایی
- ۳۱..... تدوین بسته آموزشی انصاف برای کاهش تعارضات زناشویی بر اساس منابع اسلامی  
محمد رضا سالاری فر / حمید رفیعی هنر / حمیدرضا گل وردی یزدی
- ۵۵..... مبانی خانواده درمانی بر اساس منابع اسلامی  
مرتضی عزیزی / محمد رضا احمدی / محمد رضا سالاری فر
- ۷۹..... معنویت: چیستی، گستره و کارکردها در روان شناسی و مقایسه آن با رویکرد اسلامی  
مجید رجبی / رحیم ناروئی نصرتی / محمد رضا جهانگیرزاده
- ۱۰۳..... اشتغال مادران و تأثیر آن بر فرزندپروری تا سه سالگی  
مجتبی فرهوش / حمیدرضا حبیب اللهی / زینب عصار
- ۱۱۹..... راهکارهای نهاده سازی آخرت گرایی در جامعه اسلامی  
محمد کاویانی / قاسم مهدوی اصل



# اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ (ص ۷-۳۰)

## الگوی ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی

### Pattern of assertiveness based on Islamic sources

محمد رضا رمضانی چالش‌تری / کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، مؤسسه اخلاق و تربیت، قم، ایران.  
محمد رضا جهانگیرزاده / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام  
رامین تبرایی / دکتری روان‌شناسی عمومی، مؤسسه امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.

**Mohammad Reza Ramezani Chaleshtari** / Master of Counseling and Guidance, the Academic Institute for Ethics and Education, Qom, Iran. ramazaniam@gmail.com

**Mohammad Reza Jahangirzadeh** / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. jahangirzademr@gmail.com

**Ramin Tabaraei** / PhD in General Psychology, Imam Khomeini Institute, Qom, Iran.

#### Abstract

The purpose of this study was to "develop a model of assertiveness based on Islamic sources." The present study is a theoretical descriptive-analytical research and the data collection method is based on library studies. To evaluate the content validity quantitatively, two relative content validity coefficients (CVR) and content validity index (CVI) were used. The result of the study in religious teachings was the extraction of 17 concepts related to the components of assertiveness, which were presented to twelve religious and psychological experts. After review by experts, ten concepts were confirmed as components of assertiveness and seven concepts were removed. One of the achievements of this research is to reach a new definition of assertiveness. Identifying the differences between the religion of Islam and Western schools in the purpose and motivation of assertiveness,

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر «تدوین الگوی ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی» بوده است. پژوهش حاضر تحقیقی نظری از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات، پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است. برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده شد. نتیجه بررسی در آموزه‌های دینی، استخراج ۱۷ مفهوم مرتبط با مؤلفه‌های ابراز وجود بود که به دوازده کارشناس دینی و روان‌شناسی ارائه شد. بعد از بررسی کارشناسان، ده مفهوم به عنوان مؤلفه‌های ابراز وجود تأیید و هفت مفهوم حذف شدند. یکی از دستاوردهای این تحقیق، رسیدن به تعریفی جدید از ابراز وجود است. مشخص کردن تفاوت‌های دین اسلام با مکاتب غربی در هدف و انگیزه ابراز وجود،

positions of assertiveness, differences in defining key concepts such as rights and rights, power and strength of rights and comprehensiveness of rights in Islam is another part of research achievements.

**Keywords:** assertiveness, pattern, Islamic sources.

مواضع ابراز وجود، تفاوت در تعریف مفاهیم اصلی مثل حق و حقوق، قدرت و قوت تأمین حقوق و جامعیت تأمین حقوق در دین اسلام بخش دیگری از دستاوردهای تحقیق است. **کلید واژه‌ها:** ابراز وجود، الگو، منابع اسلامی.

### مقدمه

انسان‌ها بخش زیادی از اوقات روزانه خود را به نحوی در تماس و ارتباط با دیگران می‌گذرانند به همین دلیل کیفیت زندگی هر فرد بستگی به کیفیت ارتباط او با دیگران دارد. ارتباط مؤثر با دیگران، مهارتی است که انسان را در موقعیت ممتاز و بهتری قرار می‌دهد و دستیابی به موفقیت و رضایت را میسر می‌سازد. از این رو، مبحث روابط بین فردی و تعامل اجتماعی، توجه پژوهشگران متعدد خصوصاً روان‌شناسان و مشاوران را به خود جلب کرده است. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است، همواره در تلاش است تا مهارت‌هایی جهت تسهیل روابط میان فردی به دست بیاورد. توجه روزافزون به جرأت‌ورزی و ابراز وجود به عنوان موردی از مهارت‌های زندگی، حاکی از آشکار شدن ارزش‌ها و تأثیرات فراوان این مهارت است.

جرأت‌ورزی شامل احقاق حقوق خود، ابراز افکار و عقاید و احساسات خود به شیوه‌های مناسب و مستقیم و صادقانه است، به گونه‌ای که حقوق دیگران از بین نرود و همچنین رفتاری است که شخص را قادر می‌سازد تا به نفع خود عمل کند، بی‌هیچ‌گونه اضطرابی رفتاری متنگی به خود داشته باشد، احساسات واقعی خود را صادقانه ابراز کند و با توجه به حقوق دیگران، حق خود را به دست آورد (هارجی، ۲۰۰۵م).

آلبرتی و آمونز ابراز وجود را این‌چنین تعریف کرده‌اند: «مهارتی که انسان را قادر می‌سازد بدون اضطراب روی پای خود بایستد، احساسات و افکارمان را صادقانه و با خیالی راحت ابراز کند و بدون ضایع کردن حقوق دیگران حق خود را به دست آورد» (آلبرتی و آمونز، ۱۹۸۲م).

الگو در اینجا به معنی مجموعه نشانگان رفتاری و بنیادهای روانی آن شامل عناصر معرفتی، هیجانی، انگیزشی و منشی در نظر گرفته شده است (جهانگیرزاده، ۱۳۹۶).

بخش زیادی از الگوهای رفتاری، تابع فرهنگ هست؛ لذا ترسیم ایده آل ابراز وجود اسلامی نیازمند بررسی الگوی اسلامی است. اختلاف نظر در مصادیق و مواضع ابراز وجود، تلاش



برای پیدا کردن حد و اندازه ابراز وجود و نسبت ابراز وجود با فضایل دیگر، علت جستجوی ابراز وجود در منابع غنی اسلامی و طرح الگوی ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی است. در منابع اسلامی اصطلاح ابراز وجود به صراحت ذکر نشده؛ ولی دستور به معنا و حقیقت ابراز وجود شده است. در این تحقیق می‌توان از مفاهیمی از قبیل شجاعت، انضام، ترس، حق و حقوق، عزت نفس و کرامت نفس بهره برد، که هر یک به بخشی از مفهوم ابراز وجود اشاره دارند.

دستور دینی به عدم ظلم به دیگران (سبک سلطه گرانه) و همچنین زیر بار ظلم نرفتن (سبک سلطه پذیرانه)، بخشی از دستورات اسلامی ابراز وجودی است که شارع مقدس اجازه ظلم و همچنین انضام در مقابل ظالم را به مؤمنین نداده است. «هان! مبادا ترس از مردم مانع آن شود که کسی حق را بداند و نگوید. بدانید که برترین جهاد سخن حقی است که در برابر فرمانروای ستمگر و منحرف گفته شود» (متقی، ۱۴۱۳، ۴۳۵۸۸).

هدف اصلی این مقاله، شناسایی الگوی ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی است و شناسایی مؤلفه‌های ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی و شناسایی تفاوت‌های ابراز وجود اسلامی با ابراز وجود روان‌شناختی جزء اهداف فرعی مقاله می‌باشد. پرسش اصلی تحقیق، الگوی اسلامی ابراز وجود است و پرسش‌های فرعی مقاله عبارت‌اند از اینکه مؤلفه‌های ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی چیست؟ و ابراز وجود اسلامی با ابراز وجود روان‌شناختی چه تفاوت‌هایی دارد؟

## روش تحقیق

پژوهش حاضر تحقیقی نظری از نوع توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. در این تحقیقات با رویکرد قیاسی و با تکیه بر دانش پیشین، اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود و با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل منطقی و استدلال قیاسی گزاره‌های نظری جدید تولید و ارائه می‌گردد که این گزاره‌ها می‌توانند مبنای جدیدی برای تحقیقات تجربی قرار گیرند. ابزار پژوهش برای بخش نخست (کیفی)، کتاب، مقالات، پایان‌نامه‌ها از منابع روان‌شناسی و منابع دینی است که بخش زیادی از مطالب به صورت فیش‌برداری تکمیل و آماده شدند و ابزار پژوهش برای بخش دوم (کمی)، اجرای پرسش‌نامه و روش آماری (CVI-CVR) است.

همچنین روش جمع‌آوری داده‌ها، بر اساس گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها چهار مرحله در نظر گرفته شده است: ۱. بررسی نشانه‌ها و مؤلفه‌های ابراز وجود در منابع روان‌شناسی؛ ۲. مرور منابع دینی و تشکیل شبکه مفاهیم مرتبط با مؤلفه‌های ابراز وجود از منابع دینی؛ ۳. معنایابی مفاهیم در لغت و اصطلاحات حدیثی و اخلاقی و مشخص کردن ربط مفهوم با مؤلفه‌های ابراز وجود؛ ۴. تحلیل و تأیید کیفی مؤلفه‌های دینی ابراز وجود توسط کارشناسان دینی و روان‌شناسی و تأیید کمی آن توسط ضریب CVI-CVR.

در مرحله اول با بررسی دقیق مفهوم ابراز وجود می‌توان چهار مؤلفه اصلی در آن تعریف در نظر گرفت: ۱. گرفتن حق؛ ۲. عدم انظلام؛ ۳. عدم تعدی به حقوق دیگران؛ ۴. صداقت به معنای هماهنگی و یکی بودن درون و بیرون.

در مرحله دوم، هفده مفهوم اسلامی، مشابه با مؤلفه‌های ابراز وجود استخراج شد که این هفده مفهوم عبارت‌اند از: ۱. شجاعت؛ ۲. کرامت نفس؛ ۳. معرفت نفس؛ ۴. علم و آگاهی به حقوق؛ ۵. عدل و انصاف؛ ۶. عقل و فهم؛ ۷. آزادی و آزادگی؛ ۸. جهاد نفس؛ ۹. تعظیم دین خدا؛ ۱۰. ایمان؛ ۱۱. خوف الهی؛ ۱۲. تقلل (قناعت)؛ ۱۳. مرّوت؛ ۱۴. غنی و بی‌نیازی؛ ۱۵. صداقت؛ ۱۶. ظلم‌پذیری؛ ۱۷. قیام به حق.

در مرحله سوم، این هفده مفهوم با تعریف لغوی و استناد اسلامی آن (اعم از آیات و روایات) و وجه شباهت آن با مؤلفه‌های ابراز وجود به کارشناسان ارائه شد و از ایشان خواسته شد که طبق مقیاس لیکرت<sup>۱</sup> به اندازه قرابت این مفاهیم اسلامی به مفهوم ابراز وجود در مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ نمره داده شود (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) که کارشناسان در مرحله چهارم به ده تا از این مفاهیم نمره زیاد و خیلی زیاد دادند و هفت مفهوم نمره متوسط به پایین گرفتند. مفاهیمی که نمره زیاد و خیلی زیاد گرفتند به عنوان مؤلفه‌های ابراز وجود در نظر گرفته شدند و سپس ضریب (CVI-CVR) نیز برای تأیید کمی گرفته شد. هفت مفهوم دیگر که مورد تأیید کیفی کارشناسان قرار نگرفتند و ضریب کمی آنها از استاندارد پایین‌تر بود، حذف شدند.

1. Likert.

## یافته‌ها

مفاهیم تأیید شده عبارت‌اند از: ۱. شجاعت؛ ۲. کرامت نفس؛ ۳. علم و آگاهی؛ ۴. عدل و انصاف؛ ۵. عقل؛ ۶. ایمان؛ ۷. صداقت؛ ۸. غنی و بی‌نیازی؛ ۹. قیام به حق؛ ۱۰. عدم انظلام. مفاهیم ردّ شده عبارت‌اند از: ۱. معرفت نفس؛ ۲. جهاد با نفس؛ ۳. تعظیم دین خدا؛ ۴. مرّوت؛ ۵. خوف الهی؛ ۶. آزادی و آزادگی؛ ۷. تقلّل و قناعت.

برای وضوح مطلب، یافته‌های پژوهش و مؤلفه‌های تأیید شده تبیین می‌شود.

**شجاعت:** شجاعت یک صفت مهم و اساسی برای حرکت در زمان روبه‌رو شدن با سختی‌ها، مشکلات و دوراهی‌ها است؛ مانند جهاد در راه خدا، گفتن حق ولو اینکه به ضرر خود و اطرافیان باشد، ابراز عقاید و نظرات خود در مقابل سلطان و حاکم ستمگر و گرفتن حق و حقوق از دشمن و غاصب. شجاعت باعث می‌شود با وجود خطر و ترس درونی، از حرکت نایستد و بر ترس خود غلبه کند.

حقیقت ابراز وجود، گرفتن حق و حقوق خود، عدم تعدی به حقوق دیگران و عدم انفعال در مقابل غاصبین حق و حقوق خود و ابراز نظرات و احساسات به صورت صادقانه و صریح است. با تأمل در حقیقت و معنای ابراز وجود، نزدیکی زیادی به مفهوم شجاعت دیده می‌شود و چهار شاخصه اصلی ابراز وجود در مفهوم شجاعت وجود دارد. به این بیان که با بودن شجاعت، انسان برای گرفتن حق خود مانعی مثل ترس ندارد و اجازه تعدی به حقوق خود را نخواهد داد (به درستی که مردان شجاع با طبیعت شجاعشان جهاد می‌کردند و از انسان‌هایی که می‌شناختند یا نمی‌شناختند دفاع می‌کردند) و انسان شجاع در ابراز احساسات و افکار خود نیز ترسی ندارد (مهابت و بزرگی شخصی شما را از گفتار به حق منع نکند. آگاه باشید که بزرگ‌ترین جهاد، گفتن کلمه حق نزد حاکم زورگو و ظالم می‌باشد.) و به صورت صادقانه آنها را ابراز خواهد کرد (اگر اشیا از همدیگر جدا می‌شدند، همانا درستی و راستی با شجاعت یک جا جمع می‌شدند و ترس با دروغ)؛ لذا شجاعت یک امر زیر بنایی و درونی برای یک رفتار بیرونی است و در صورت نبود شجاعت ابراز وجودی به معنای واقعی و صحیح آن اتفاق نخواهد افتاد.

**کرامت نفس:** انسانی که ارزشی در خود احساس نکند، با انفعال و تعدی به دنبال کسب ارزش‌ها سوق داده می‌شود تا بتواند ارزشی برای خود بیافریند. ادراک ارزشمندی خود، عاملی است که مانع تذلل و خواری انسان می‌شود و انسان ارزشمند دیگران را نیز همانند خود، ارزشمند می‌بیند؛ لذا به خود اجازه تعدی به حقوق دیگری را نمی‌دهد و همچنین اجازه

تعددی دیگران به حق خود را نمی‌دهد. «بزرگ دار نفس را از هر پستی، ولو تو را به رغبتی بکشاند؛ چون که آنچه از دست می‌دهی به اندازه بذل نفس تو نمی‌باشد و عباد دیگری نشو در حالی که خدا تو را آزاد آفریده است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۷۷).

در این روایت هشدار می‌دهد که در صورت عدم توجه به ارزش انسانی خود، هم تن به خواری‌ها می‌دهی و هم اینکه با تن دادن به خواری، به بندگی غیر، مبتلا خواهی شد و در این صورت انسان منفعل خواهد شد.

پست دیدن خود عاملی است که انسان را به سمت دروغ سوق می‌دهد. «هیچ دروغگویی، دروغ نمی‌گوید مگر به خاطر پستی و خواری درونی‌اش» (متقی، ۱۴۱۳، ۸۲۳۱).

انسانی که خود را ارزشمند می‌داند، برای رسیدن به مطامع دنیایی یا فریب دیگران دست به کارهای پست نمی‌زند و نفس خود را ارزشمندتر و عزیزتر از هر مطامع دنیایی می‌بیند. کرامت نفس وابسته به شناخت خود و توجه دائمی به حقیقت وجود انسانی است و به معنی ادراک ارزشمندی خود است. انسان با وجود توجه به ارزشمندی خود، به چیزهایی که این ارزشمندی را تحت الشعاع قرار بدهد دقت و حساسیت بیشتری نشان خواهد داد. یکی از دلایل تن دادن به پستی و خواری‌ها و امور ناچیز، به دست آوردن ارزش و احترام است و انسان تصور می‌کند با داشتن یا متصل شدن به آن امر، نزد مردم ارزش کسب خواهد کرد؛ یعنی در حقیقت خود را فاقد ارزش ذاتی می‌بیند و دنبال کسب ارزش می‌افتد، در صورتی که انسان متوجه به کرامت ذاتی، خود را دارای ارزش می‌بیند؛ لذا انسان ارزشمند توجه می‌کند که این ارزشمندی را از دست ندهد و از مسیر درست آن ارزش وجودی خود را بیشتر کند. با توجه به اینکه کرامت نفس از جنس شناخت و توجه می‌باشد، می‌توان آن را یک مؤلفه شناختی در نظر گرفت.

### علم و آگاهی از حقوق خود و دیگران: کسی که به دنبال گرفتن حق یا مواظبت بر عدم

تعددی به حقوق دیگران و عدم انفعال در مقابل متعدیان باشد، نیاز دارد در مرحله اول از حق و حقوق خود و دیگران شناخت پیدا کند.

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: «آگاه‌ترین انسان‌ها به حقوق دیگران به جا آورنده‌ترین شخص در حقوق دیگران می‌باشد و همچنین این شخص شأن و جایگاه بزرگی نزد خدای متعال پیدا خواهد کرد».

در دین مبین اسلام از تمام اموری که انسان را خوار و ذلیل می‌کنند نهی شده و بر رعایت اموری که عزت‌آفرین می‌باشد، زیاد سفارش شده است. یکی از امور ذلت‌آور، جهل می‌باشد

که طبق سفارشات مؤکد دینی باید برای از بین بردن آن تلاش کرد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «نادانی، خواری است» (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۱، ص ۶۷). جهل زمینه تعدی به حقوق دیگران و همچنین انفعال در مقابل تعدی دیگران را به دنبال می آورد.

**عدل و انصاف (مقابل مفهوم ظلم و تعدی):** عدل، معانی گوناگونی دارد که منظور از عدل در اینجا، عدل اجتماعی است که به معنای رعایت حقوق دیگران و دادن حق به صاحب حق است.

قوه عدل مانند عقل، به مثابه یک نیروی بازدارنده از تعدی به حقوق دیگران عمل می کند و با آمدن عدالت در وجود آدمی، می توان گفت که او دیگر ظلم به دیگری نخواهد کرد. انصاف در حکم کردن هم چه در جایگاه حاکمیتی و چه در جایگاه فردی انسان از نشانه ها و برکات عدالت می باشند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «عدل، انصاف در حکم کردن و دوری از ظلم است». «ای پسر من خودت را میزان قرار بده و آن چه برای خودت دوست داری برای دیگری نیز دوست بدار و آنچه مکروه میدانی برای خودت، برای دیگری هم مکروه بدان و همان طور که دوست نداری ظلم به خودت را، به دیگران ظلم نکن (رضی، ۱۳۸۷ (للسبیحی صالح)، ص ۳۹۷).

مهم ترین کار برای رسیدن به ملکه و صفت عدالت این است که همیشه در نگاه به دیگری و مسائل اجتماعی و فردی نگاه منصفانه ای به دیگران داشته باشیم. با قرار دادن خود در جایگاه دیگری انسان از ظلم به دیگری مصون می ماند. آنچه برای خود می پسندی برای دیگری نیز بیسندی. همان طور که من دوست دارم به حقوقم برسم، دیگری نیز همین میل و خواسته را دارد و همان طور که من از ظلم دیگران کراهت دارم، دیگران نیز همین کراهت را دارند.

از آنجایی که عدل، عامل برانگیزاننده برای رفتار ابراز وجودی است که تعدی به حقوق نکنیم و رفتار ما رفتار صادقانه باشد، می توان آن را جزء مؤلفه انگیزشی به حساب آورد.

**عقل:** شناخت عاقل بودن افراد و اندازه گیری عقل انسان از مسائلی است که به آن در منابع دینی توجه شده است. عقل، امری فرا مادی می باشد که نمی شود آن را با میزان های مادی اندازه گرفت؛ لذا برای شناخت اندازه عقل افراد، ما را به رفتارها و نمودهای بیرونی افراد متوجه ساخته اند. هر قدر انسانی در رعایت حقوق دیگران حساس تر و مراقب تر باشد نشان دهنده کمال عقل و هر قدر اهمال در رعایت حقوق دیگران بکند نشان دهنده ضعف عقل در شخص می باشد.

امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «اذیت نکردن از به کمال رسیدن عقل انسان است» (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۱، ص ۴۸).

ملاک و نشانه دومی که برای شناخت عقل انسان معرفی شده، صدق و راستی در رفتار و گفتار می‌باشد. انسان عاقل و فهمیده کسی است که صداقت در وجود او متجلی باشد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «ثمره و نتیجه عقل در انسان، صداقت و راستگویی است» (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۳۲۸).

پس در اینجا به دو مؤلفه ابراز وجود در عقل اشاره شده است: یک: عدم تعدی به حقوق دیگران و دوم: صداقت و یکرنگی، که این دو نشانه، عقل را به مفهوم ابراز وجود نزدیک کرده است.

**ایمان به خدای متعال (کیفر و پاداش اخروی):** ایمان ارتباط نزدیکی با ابراز وجود دارد. در حقیقت ایمان با چهار شاخصه ابراز وجود ارتباط مستقیم دارد. ایمان باعث می‌شود انسان به حقوق دیگران تعدی نکند و جنبه بازدارنده نفسانی و درونی دارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «نشانه ایمان شخص این است که زمانی که نفعی در کار است صداقت و راستی را بر دروغ ترجیح دهد و علم تو بر همل تو برتری ای نداشته باشد و زمانی که می‌خواهی در مورد دیگری صحبت کنی خدا را در نظر بگیری» (رضی، ۱۳۸۷ (للصبحی صالح)، ص ۵۵۶).

صفت ایمان باعث می‌شود انسان در مقابل تعدی، منفعل نباشد و برای گرفتن حقوق اقدام کند و ایمان، نقش ویژه‌ای در رفتار صادقانه دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «رأس ایمان، صداقت است» (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۵۲۲).

وجه تسمیه مؤمن و ایمان نیز به خاطر همین موضوع است که مردم و آن شخص را بر جان و مال خود امین می‌دانند و انسان‌ها از ظلم و تعدی او در امنیت می‌باشند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «آیا می‌خواهید شما را آگاه کنم که چرا به انسان مؤمن، مؤمن گفته می‌شود؟ به خاطر این بود مردم بر جان و مالشان از جانب او» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۶۰، ح ۳).

مؤمن وجودی سراسر صداقت دارد و در خلقت مؤمن دروغ و خیانت سرشته نشده؛ یعنی طبیعت اولیه مؤمن بر دروغ نیست و ارتباطی با وجود مؤمن ندارد؛ مگر اینکه از جرگه ایمان خارج شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «سرشت مؤمن با هر چیزی مخلوط شده الا خیانت و دروغ» (منذری و عماره، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۹۵، ح ۲۲).

پس با این توضیحات مختصر مشخص شد که ایمان با مؤلفه‌های ابراز وجود ارتباط بالایی دارد و تمام مؤلفه‌های ابراز وجود در مفهوم ایمان وجود دارند.

**غنی و بی‌نیازی:** از آثار غنی در متون دینی، آزاد شدن از حرص و طمع است. انسان طمع‌کار یا حریص مثل انسان اسیر است. انسان اسیر در دست دشمن، یک شخصیت منفعل می‌باشد و نمی‌تواند خودش، مستقلاً تصمیم بگیرد.

حضرت ابا عبدالله علیه السلام فرمودند: «بالاترین غنی، اسیر نبودن در صفت حرص است» (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۳، ص ۷۷۰).

صفت حرص و طمع انسان را در مقابل دیگران به انفعال و خواری می‌کشانند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «بدترین بنده، بنده‌ای است که طمعی داشته باشد که او را به خواری بکشاند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۱۳۵، ح ۴۷).

در دل غنی و بی‌نیاز، امید و یقین به نزدیک بودن و رسیدن به خواسته‌ها و در دل طماع و حریص، ترس از نرسیدن و از دست دادن نهفته است؛ لذا انسان بی‌نیاز، تمایلی به تعدی به حقوق دیگران ندارد؛ چون روحیه بی‌نیازی او را کفایت می‌کند و در حقیقت انسان بی‌نیاز خود را غرق در ثروت‌های روحی و معنوی می‌بیند.

مهم‌ترین بخش وجودی انسان بی‌نیاز، بخش درونی او است که همان ارضای روح بلند خود می‌باشد؛ لذا برای رسیدن به آرزوها و خواسته‌های خود اگر آن خواسته را باعزت نفس خود سازگار ببیند، اقدام می‌کند؛ ولی اگر رسیدن به خواسته‌ها متوقف بر از دست دادن عزت نفس باشد، به هیچ وجهی اقدامی نخواهد کرد و تن به ذلت و خواری نخواهد داد.

امام حسین علیه السلام فرمودند: «غنی و بی‌نیازی‌ای که تو را از ظلم نگه دارد، بهتر است از فقری که تو را بر گناه وادار می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۹، ص ۵۲۷).

در آخر روایت اشاره شده است که یکی از عوامل تعدی به حقوق دیگران فقر است. انسان فقیر بدون غنای نفسانی، همیشه در خود احساس نیاز و خلأ می‌کند و برای رفع نیاز خود، ممکن است دست به تعدی به حقوق دیگران بزند؛ ولی انسان غنی به خاطر ثروتمند دیدن خود، تعدی به حقوق دیگران نخواهد کرد.

با این توضیحات روشن شد که صفت غنی ارتباط نزدیکی با ابراز وجود دارد. انسان بی‌نیاز در حقیقت سه شاخصه ابراز وجود را دارد. یکی اینکه در مقابل متعدّیان و ستمگران انفعال ندارد و اسیر دست دیگران نخواهد شد و به بندگی غیر در نمی‌آید و دوم اینکه انسان غنی، به خاطر بی‌نیازی درونی، نیازی به تعدی به حقوق دیگران ندارد و هماهنگی درون و بیرون در او به وضوح دیده می‌شود. همان‌طور که در درون، حس بی‌نیازی را دارد، در بیرون هم همین بی‌نیازی را ابراز می‌کند.

غنی از جنس شناخت می‌باشد. غنی امری وجودی باید معنی شود (درک ثروتمند بودن خود) نه عدمی (عدم میل و اشتیاق). به معنی صحیح‌تر غنی، ادراک برخورداری یا دارایی و ثروت است که با این ادراک، تلاش برای به دست آوردن مادیات به هر قیمتی، بی‌معنی خواهد شد؛ لذا غنی یک مؤلفه شناختی می‌باشد.

**عدم ظلم‌پذیری:** عدم ظلم‌پذیری یا عدم انظلام در حقیقت شاخصه اصلی ابراز وجود است که در مقابل تعدی دیگران عقب ننشیند و با استقامت در راه حق، بتوان بر تعدی دیگران غلبه کرد و به حقوق خود رسید. این روحیه مؤمنین است و دیگر انسان‌ها به خصوص دشمنان دین و مؤمنین با دیدن روحیه قوی و بدون انفعال مؤمنین، به خود اجازه تعدی را نخواهند داد و یک اقدام پیشگیرانه است که این روحیه، جرأت اقدام علیه مؤمنین را نمی‌دهد.

در دستورات دینی تأکید زیادی برای عدم ظلم به دیگری و انظلام شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پناه ببرید به خدای متعال از ندادی و تنگدستی و از اینکه ظلم بکنید یا مورد ظلم واقع بشوید» (نهج الفصاحه، ص ۲۰۸، ح ۲۷۸).

در متون دینی، پذیرفتن ظلم، و انفعال در مقابل ظلم مذمت شدید شده است. کسی که مقابل تعدی و تجاوز دیگری نایستد در حدی است که خداوند متعال او را دشمن خود فرض کرده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند متعال مبعوض می‌دارد مردی را که بیگانه‌ای وارد خانه او شود و او با بیگانه نمی‌جنگد» (متقی، ۱۴۱۳، ۷۰۷۴).

خداوند متعال به مؤمنین، اجازه نمی‌دهد که در مقابل تعدی دیگران منفعل باشند و خدای تعالی راه تسلطی بر مؤمنین قرار نداده مگر اینکه خودشان بخواهند و منفعل شوند. با این توضیحات، عدم ظلم‌پذیری به عنوان یک مؤلفه رفتاری در نظر گرفته می‌شود. **قیام به حق:** خدای تعالی به انسان‌ها اجازه قیام برای حقوق را داده است و حتی بالاتر از اجازه، دستور برای قیام به حق در متون دینی ما آمده است. از ما خواسته‌اند ترس از عواقب قیام باعث نشود که برای گرفتن حقوق خود سست شویم و قیام برای حق را رها کنیم. امام صادق علیه السلام فرمودند: «برای حق قیام کن و از آنچه بر تو می‌رسد بیمناک مباش» (مفید، ص ۲۳۰).

همچنین عدم قیام برای گرفتن حقوق، مذمت شده است: «ترک حقوق خواری است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۳۶۰).

آن قدر این صفت مهم است که خدای تعالی خود را قائم به قسط معرفی کرده است.



قائم به قسط کسی است که توجه و حساسیت خاصی بر روی حق و حقوق دارد. اجازه تعدی به دیگران نمی‌دهد و خودش نیز به بندگان خود ظلم و تعدی نمی‌کند. قیام به حق وظیفه‌ای است که مؤمنین نباید از آن غفلت ورزند و نباید در مقابل ظلم‌ها و تعدی‌ها ساکت ماند چون شرّ و شرور از سکوت در مقابل تعدی و ظلم‌ها، ایجاد و گسترش پیدا می‌کند.

درست است که مؤمنین موظف به رعایت حقوق دیگران هستند؛ ولی رعایت حقوق دیگران مانعی برای اجرای حقوق بر انسان‌ها نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «مراعات حق دیگری شما را از اقامه حق بر او منع نکند» (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۷۵۴).

با این توضیحات داده شده، قیام به حق را می‌توان مؤلفه رفتاری در نظر گرفت. **صداقت:** با توجه به تعریف لغتی و اصطلاحی می‌توان صدق را این‌طور تعریف کرد: هماهنگی درون و بیرون انسان. وقتی انسان بتواند درون خود را کاملاً بشناسد و درک کند چه افکاری دارد، الآن چه احساسی دارد و همین افکار و احساسات را در بیرون بروز دهد به یکرنگی و هماهنگی این دو، صداقت گفته می‌شود و اگر تضاد بیرون و درون اتفاق افتاد، می‌شود نام آن را کذب و دروغ گذاشت. این هماهنگی درون و بیرون یکی از شاخصه‌های اصلی ابراز وجود است که برای بیان افکار و احساسات کاربرد زیادی دارد.

در آیات روایات اشاره به تأثیرات صدق و کذب در اجتماع نیز شده است که از آثار صدق، عزت و بزرگی و احترام بین افراد جامعه است و کذب مایه خواری و ذلت بین مردم است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «راستگو، محترم و ارجمند است، و دروغگو، بی‌حرمت و خوار» (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۳۴۰۹). بنابراین انسان دروغگو با دروغگویی، زمینه انضام خود را فراهم خواهد کرد و همچنین با این صفت به حقوق دیگران نیز تعدی خواهد کرد.

صداقت یک مؤلفه رفتاری است که نمود آن در خارج و در رفتار انسان مشاهده می‌شود. **الگوی اسلامی ابراز وجود:** با توضیحات ارائه شده می‌توان گفت، ابراز وجود اسلامی دارای دو منبع و پایگاه بزرگ به نام عقل و ایمان است که تمام مؤلفه‌های دیگر (هشت مؤلفه دیگر)، نشأت گرفته از ایمان و عقل است. هر عمل صالح و رفتار صحیحی به عقل و ایمان مرتبط است که البته این ارتباط یک ارتباط دو سویه است که هم ایمان باعث حرکت به سمت کارهای صالح می‌شود و هم عمل صالح باعث ازدیاد و تقویت ایمان خواهد شد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «به واسطه ایمان به کارهای صالح و به واسطه کارهای صالح به ایمان راهنمایی می‌شود و با ایمان علم، آباد می‌شود» (رضی، ۱۳۸۷، خطبه ۱۵۶).

قدرت ایمان آن قدر بالاست که فضایل اخلاقی، بر وجود خطر ترجیح داده می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «ایمان چیزی است که مقدم بداری راستی را زمانی که راستی به تو ضرر می‌رساند، در حالی که دروغ به تو سود می‌رساند» (رضی، ۱۳۸۷، حکمت ۴۵۸).

عقل، پشتوانه ایمان است و قرابت بسیار نزدیکی بین ایمان و عقل وجود دارد. آن قدر ارتباط بالایی وجود دارد که می‌شود انسان عاقل را مؤمن خواند و انسان عاقل را مؤمن خطاب کرد. ریشه و پشتوانه ایمان هر انسانی، عقل اوست؛ لذا اگر انسانی درجه ایمان او بالا بود قطعاً درجه عقل او نیز بالاست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «برای هر چیزی پایه و ستونی است و ستون انسان مؤمن عقل اوست و عبادت پروردگار به اندازه عقل اوست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۶).

ثمرات اجتماعی و فردی زیادی برای عقل گفته شده است و صداقت که شاخصه اصلی ابراز وجود می‌باشد از جمله آثار عقل است. امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «انسان عاقل دروغ نمی‌گوید اگر چه به طرف آن کشیده شود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۹).

از نشانه انسان عاقل همین بس که به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «ناقص‌ترین عقل انسان‌ها از کسی است که به زیر دست خود ظلم کند و در صورت عذرخواهی دیگری، عذر او را نپذیرد» (محمد بن مکی، ص ۳۱).

انسان‌های عاقل در مقابل حاکمان ستمگر، با استقامت می‌ایستند و ترسی به خود راه نمی‌دهند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ناقص‌ترین انسان‌ها از جهت عقلی، انسانی است که بیشترین ترس را از حاکم داشته باشد و پیروی‌کننده‌ترین مردم از حاکم باشد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۵۰).

اگر مفاهیم بر اساس مؤلفه‌های شناختی، هیجانی و رفتاری دسته‌بندی شود، ایمان و عقل دو منبع و پایگاه رفتار ابراز وجودی است. عدل و انصاف، مؤلفه انگیزشی برای رفتار ابراز وجودی است. کراهت از مورد ظلم واقع شدن، یکی از دلایل برای ظلم نکردن به دیگری می‌شود. سه مؤلفه شناختی ابراز وجود عبارت‌اند از: ۱. علم و آگاهی به حقوق خود و دیگران؛ ۲. کرامت نفس به معنی ادراک ارزشمندی؛ ۳. غنی و بی‌نیازی به معنای ادراک برخورداری و دارایی و صفت شجاعت، مؤلفه هیجانی ابراز وجود می‌باشد. همچنین صداقت، عدم انظلام و قیام به حق، سه مؤلفه رفتاری ابراز وجود می‌باشد.

### شکل کلی مؤلفه‌های ابراز وجود اسلامی

ایمان		عقل	پایگاه و منبع ابراز وجود
عدل و انصاف			مؤلفه انگیزشی
علم و آگاهی به حقوق	غنی و بی‌نیازی	کرامت نفس	مؤلفه‌های شناختی
شجاعت			مؤلفه هیجانی
قیام به حق	عدم انضلام	صداقت	مؤلفه‌های رفتاری

مشخصه آمار توصیفی درجه‌بندی میزان قرابت مفاهیم دینی با مفهوم روان‌شناختی ابراز وجود: از بین هفده مفهوم استخراج شده، ده مفهوم به تأیید کیفی کارشناسان رسید و کارشناسان تأیید کردند که این ده مفهوم ارتباط بسیار نزدیکی با مؤلفه‌های ابراز وجود دارند و این مفاهیم می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های ابراز وجود اسلامی در نظر گرفته شوند و برای تأیید کمی مؤلفه‌ها از ضریب CVI-CVR استفاده شد که در جدول زیر نمرات مؤلفه‌ها به دست آمده است.

از هفده مؤلفه، پنج مؤلفه (شجاعت، انصاف، صداقت، قیام به حق، عدم ظلم‌پذیری) نمره CVI آنها صد شد و کامل‌ترین نمره را داشتند و کمترین نمره CVI را مفهوم خوف‌الهی کسب کرد.

ردیف	مؤلفه	میانگین	CVR	CVI
۱	شجاعت	۵۸.۴	۱۰۰٪	۱۰۰٪
۲	معرفت نفس	۰۸.۳	۳۳٪	۶۶٪
۳	کرامت نفس	۲۵.۴	۶۶٪	۹۱٪
۴	علم و آگاهی	۲۵.۴	۶۶٪	۹۱٪
۵	عدل و انصاف	۴۱.۴	۵۰٪	۱۰۰٪
۶	عقل و فهم	۹۱.۳	۵۰٪	۸۳٪
۷	آزادی و آزادگی	۵۸.۳	۱۶٪	۷۵٪
۸	جهاد با نفس	۵.۳	۰٪	۷۵٪

ردیف	مؤلفه	میانگین	CVR	CVI
۹	تعظیم دین خدا	۵.۳	۰/.	۷۵/.
۱۰	ایمان	۰۸.۴	۵۰/.	۹۱/.
۱۱	خوف الهی	۴۱.۳	۰/.	۵۸/.
۱۲	تقلل (قناعت)	۱۶.۳	۳۳/.	۷۵/.
۱۳	مرؤت	۶۶.۳	۱۶/.	۷۵/.
۱۴	غنی و بی‌نیازی	۷۵.۳	۵۰/.	۸۳/.
۱۵	عدم ظلم‌پذیری	۵.۴	۸۳/.	۱۰۰/.
۱۶	قیام به حق	۵۸.۴	۸۳/.	۱۰۰/.
۱۷	صداقت	۵۸.۴	۸۳/.	۱۰۰/.

### بحث و نتیجه‌گیری

حدّ و حدود ابراز وجود در مقابل والدین و رهبران الهی، ارتباط با جنس مخالف و عدم تغافل از صفات کمالی در ارتباط بین فردی مثل حلم، گذشت، ایثار و... از ویژگی‌های این تحقیق است. عقل و ایمان دو منبع اساسی ابراز وجود اسلامی می‌باشد. اگر روی دیگر مفاهیم در آموزش ابراز وجود کار شود و روی ایمان و عقل کار نشود و انسان رفتاری انجام دهد نمی‌توان آن رفتار را ابراز وجود اسلامی نامید.

عقل و ایمان به انسان قدرت و نیروی ابراز وجود می‌دهد و با وجود این دو منبع و پایگاه بزرگ، ابراز وجود هم‌پشتوانه شناختی دارد و هم‌پشتوانه رفتاری که در انجام آن هیچ تردیدی نکند. صفت انصاف به انسان اجازه نمی‌دهد که ظلمی را ببیند و ساکت و منفعل بماند و همین‌طور نیز به خود اجازه تعدی نمی‌دهد. با وجود انصاف در وجود انسان، برای رفتار ابراز وجود انگیزه پیدا می‌کند و برای آن اقدام می‌کند و شجاعت، راه را برای اقدام علیه تعدی و بیان افکار و احساسات به صورت صادقانه هموار می‌سازد و با وجود شجاعت، ترس و اضطراب از انسان جدا می‌شود و در حقیقت با علم و آگاهی از حقوق و ادراک ارزشمندی و دارایی، شناخت صحیحی از خود و حقوق خود پیدا خواهد کرد و با این شناخت‌های ارزشمند، انسان به سمت صداقت، عدم انظلام، قیام به حق حرکت خواهد کرد.

تفاوت‌های ابراز وجود دینی با ابراز وجود روان‌شناسی: تفاوت‌های ابراز وجود اسلامی

با روان‌شناسی در پنج موضوع از جمله اهداف و انگیزه‌های ابراز وجود، مواضع ابراز وجود (تعمیم یا تخصیص رفتار ابراز وجود)، تعریف حق و حقوق، قوت تأمین حقوق و جامعیت و گستردگی رسیدن به حقوق، بررسی شده است که به آنها اشاره خواهد شد.

**هدف و انگیزه ابراز وجود:** آموزه‌های اعتقادی و رفتاری دین مبین اسلام هدفی به جز تربیت و رشد اخلاقی مؤمنین و مسلمانان ندارد. (چنان چه حضرت رسول ﷺ فرمودند: «همانا من مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق را کامل کنم». بعثت انبیا و در رأس پیامبران، پیامبر گرامی اسلام چیزی به جز کرامت اخلاقی نبوده است. ابراز وجود دینی راهی برای تربیت نفوس است، هم خودم تربیت شوم و هم اینکه طرف مقابل من هم بتواند رذایل اخلاقی خود را اصلاح کند. هم از جنبه الگویی تأثیر بپذیرد و هم اینکه اگر صفات رذیله در او قوی شده است با برخورد بیرونی متعادل شود.

در حقیقت تلاش دین برای تربیت تمام انسان‌ها برای رسیدن به امت واحده است که هرکسی دیگری را با خود یکی بیندازد، غم دیگری را غم خود و شادی دیگری را، شادی خود فرض کند. فرقی نمی‌کند این مسلمان در کجای عالم زندگی می‌کند، با چه زبانی صحبت می‌کند و با چه رنگ پوستی است. در این جامعه واحده همه یک هدف دارند و همه برای یک هدف تلاش می‌کنند و آن رسیدن به جامعه توحیدی یا حیات طیبه است که این انتظار همه است. «هر کس عمل صالح انجام دهد، چه مرد و چه زن، در حالی که ایمان داشته باشد، ما او را به عیش طیب زنده می‌داریم، و مزدشان را بهتر از آنچه می‌کردند پاداش می‌دهیم» (نحل، ۹۷). غرض از دین این است که مردم خدای سبحان را یا بدون وساطت کسی - در مذهب حق - یا به واسطه شفیعان و شرکا - در مذهب باطل و شرک - پرستند؛ چون سعادت انسانی و حیات طیبه او در آن است. حیات طیبه‌ای که انسان جز رسیدن به آن، هدف نهایی دیگری ندارد، حیاتی که آدمی جز به وسیله نفسی پاک از پلیدی‌های تعلقات مادی و تمتعات بی‌قید و شرط حیوانی، به آن نمی‌رسد، و چون این دعوت محتاج بود به اینکه جزء دستورات خود اصلاح نفس و تطهیر آن را هم مندرج نماید، تا گرونده به دعوت و آن کسی که دین او را در دامن خود می‌پروراند مستعد برای پذیرفتن و ملبس به خیر و سعادت شود، از این‌رو مسئله تهذیب نفس جزء برنامه دین شده است (علامه طباطبایی، *تفسیر المیزان*).

در متون دینی، زیاد دیده می‌شود که مسلمانی برای شکایت از مسلمان دیگر به محضر رسول گرامی اسلام ﷺ و یا ائمه طاهرین می‌آید و حضرات معصومین علیهم‌السلام به برخی از مسلمان‌ها دستور به حق خواهی و گرفتن حقوق می‌دهند و به برخی دیگر دستور به گذشت و

ایثار و برخورد کریمانه به آن شخص می‌دهند که در غالب سفارشات دینی، دستور به ایثار و گذشت بیشتر به چشم می‌خورد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه بر دشمن قدرت یافتی، گذشت از او را شکرانه چیره آمدنت بروی قرار ده» (تهج البلاغه، حکمت (۱)).

ولی در فرهنگ غربی دستور به ایثار و گذشت خیلی کمتر به چشم می‌خورد و انسان‌ها طوری تربیت شده‌اند که برای هر خطایی باید ابراز وجود کرده، حَقّ خواهی کنند. تفاوت در دستورات معصومین علیهم السلام در مورد حق خواهی یا گذشت و ایثار به مسلمان‌ها، نشان‌دهنده این است که هدف از این راهکارها، تربیت افراد است نه صرف گرفتن حق و گرفتن اینک همیشه مواظب جلوگیری از تعدی به حقوق دیگران باشد. در سیره معصومین علیهم السلام به وفور دیده شده که از حقوق شخصی خود گذشته‌اند با اینکه بدترین رفتارها را در مقابل آنها انجام داده‌اند و قدرت بر مقابله و دفع تعدی دیگران را نیز داشته‌اند. جسارت‌ها به ایشان، هیچ‌کدام باعث نشده که با داشتن توانایی تنبیه، بحث حق خواهی و مقابله با آنها را مطرح کنند بلکه رفتار آنها بیشتر جنبه تربیتی داشته است تا شخص مورد نظر از رفتار خود پشیمان شود و اقدام به اصلاح و تربیت خود کند که در اکثر موارد این اتفاق افتاده و حتی غیرمسلمان را به دین اسلام کشانده است و مسلمان خطاکار را عارف کرده است.

مؤید این برداشت دینی در متون دینی هم آمده است که ملاک خدای متعال در اعطای فقر و ثروت به انسان‌ها، حفظ ایمان آنها است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند عز و جل می‌فرماید: به راستی برخی از بنده‌های مؤمنم بنده‌هایی باشند که درست نشود برایشان امر دینشان جز با توانگری و وسعت در زندگی و تندرستی، من آنها را بیازمایم به توانگری و وسعت در زندگی و صحت بدن و امر دینشان درست شود و برخی از بنده‌های مؤمنم بنده‌هایی باشند که درست نشود امر دینشان جز با نداری و مستمندی و بیماری در تنشان. من آنها را بیازمایم و گرفتار کنم به نداری و مستمندی و بیماری و امر دینشان درست شود» (کلینی، ۱۳۶۵ق، ترجمه کمره‌ای، ج ۴، ص ۱۹۳).

همان‌طور که ملاک اولیه خدای متعال حفظ ایمان است، ملاک معصومین برای سفارش‌های رفتاری و تربیتی‌شان حفظ و رشد اخلاق فردی و اجتماعی است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «برای خردمند در هر کاری پرورش نفس است» (آمدی، ۱۳۷۳، ۷۳۳۹).

تحلیل این‌گونه است که در جاهایی که دستور به گرفتن حقوق آمده، آن شخص برای رشد اخلاقی و شخصیتی خود، نیاز به نترسیدن دارد، بنابراین دستور به اقدام کردن می‌شود تا این راهکار او را به سمت فضیلت شجاعت هدایت کند و در آنجایی که دستور به گذشت

داده شده است، شخص قادر به دریافت حقوق بوده؛ ولی برای دفع و رفع رذایل اخلاقی مثل خودخواهی، تکبر و غرور و بخله دستور به گذشت داده شده است تا انسان از صفات رذیله خارج شود.

پس ملاک، هدف و انگیزه در ابراز وجود دینی با روان‌شناختی تفاوت بسیاری دارد و در ابراز وجود دینی از بُعد تربیتی و رشد شخصیتی به آن نگاه شده است بر خلاف ابراز وجود روان‌شناسی که بیشتر جنبه حقوقی دارد.

**تفاوت در مواضع ابراز وجود (تعمیم یا تخصیص رفتار ابراز وجود):** ابراز وجود روان‌شناسی، به ما یاد می‌دهد که برای رسیدن به حق خود و ابراز افکار و احساسات خود اقدام کنید و به اصطلاح، خودی نشان بدهید و چیزی مانع شما برای این رفتار نشود. حاکم در این رفتار انسان عقل و قراردادهای اجتماعی آن جامعه است و می‌تواند مقابل هر کسی صلاح دانست بایستد و حق خود را بگیرد و اجازه تعدی ندهد در صورتی که در دین مبین اسلام برای هر رفتاری مجوز شرعی و عقلی نیست و اعمال رفتار ابراز وجودی ممنوع شده است. انسان مؤمن نمی‌تواند مقابل هر کسی خواست بایستد یا احساسات و افکار خود را به طور مستقیم بیان کند. در دین اسلام خط قرمزها، محدودیت‌ها یا تکالیفی وجود دارد که در مکاتب غربی ضد آن یافت می‌شود.

این اختلاف به خاطر اختلاف در منشأ حق است که در بحث بعدی در مورد آن توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

در ارتباط والدین با فرزندان امکان بروز اختلاف نظر یا عدم تمایل به رفتار دلخواه والدین وجود دارد؛ ولی تکلیف مؤمن در دین احترام کامل به والدین است.

«پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند (چنانچه تو را به ستوه آورند) به آنان اُف مگوی و بر آنان (بانگ مزین و) پرخاش مکن، و به آنان سخنی نرم و شایسته (و بزرگووارانه) بگو و برای هر دو از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود آر و بگو: پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده» (اسراء، ۲۳-۲۴).

انسان مؤمن می‌تواند نظرات و احساسات خود را بیان کند تا جایی که بی‌احترامی به والدین نشود و در تعارضات افکاری و رفتاری، نظر والدین مقدم خواهد شد مگر در معصیت که این هم در دین استثنا شده است.

در دین مبین اسلام بیان نظرات و احساسات به صورت مطلق مجاز نیست و تخصیص‌هایی

وجود دارد؛ مثلاً در ارتباط با غیرمحارم مجاز به هر ابراز وجودی نیست، همچنین در مقابل امامان معصوم علیهم‌السلام نمی‌توان هر ابراز وجودی داشته و این موضع، جای انقیاد محض است. دین مبین اسلام به مؤمنین و مسلمین اجازه نداده که هر چیزی و هر کاری تمایل داشتند در عمل به آن جامه عمل بپوشانند؛ چون بسیاری از تمایلات درونی ناقض حقوق دیگران است. به عنوان نمونه، خانمی که تمایل دارد با لباسی خاص در اجتماع رفت‌وآمد کند، این آزادی و صداقت در عمل، مخرب حقوق دیگر مؤمنین در جامعه است. همچنین در جامعه دینی نگاه کردن هم قواعدی دارد که در جامعه دینی باید به درستی اجرا شود.

«به مردان مؤمن بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی خود را حفظ کنند و به زنان با ایمان بگو چشم از نگاه به مردان اجنبی فروبندند و فرج (عورت)‌های خویش را حفظ کنند و زینت خویش را جز آنچه پیداست آشکار ن سازند و نیز دستور بده تا اطراف سرپوش‌های خود را بر گریبان و سینه‌های خود انداخته، آن را بپوشانند و هنگام راه رفتن پا‌های خود را بر زمین ن‌کوبند تا زینت‌های پنهانی‌شان معلوم شود» (نور، ۳۰-۳۱).

پس تفاوت بسیار زیادی در ابراز وجود دینی با روان‌شناسی از حیث موضع ابراز وجود دیده می‌شود که در دین قابل اغماض و نادیده گرفتن نمی‌باشد.

**تفاوت ماهوی در تعریف حق و حقوق:** اختلاف در مبانی، غالباً ناشی از اختلاف در منابع است و این تفاوت سیر تفکر انسان را متحول می‌سازد، از این رو به ندرت اتفاق می‌افتد که در صورت اختلاف منابع، در مبانی وحدت نظر و اندیشه حاصل شود. بنابراین، مبانی اعتقادی که از عقل و وحی و متون دینی سرچشمه می‌گیرد با عقیده‌ای که در تجربه و عقل‌ابزاری ریشه دارد نمی‌تواند یکسان باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

بنابراین ابراز وجودی که از منبع تجربه و ابزار بشری نشأت می‌گیرد با ابراز وجود دینی که از وحی و عقل سلیم برداشت می‌شود تفاوت بسیاری دارد و در بسیاری از موارد تضاد و تقابل وجود دارد.

### قوت دین اسلام در تأمین حقوق

**الف. گره زدن حقوق با تکالیف:** فرق است میان ذی حق بودن و نقد شدن فواید آن؛ اثبات استحقاق یک حق لازم است؛ اما در بهره‌مندی از آن کافی نیست. حق را باید به دست آورد و برای به دست آوردن آن تلاش کرد و استیفای هر حقی راه مخصوص به خود دارد. راه به دست آوردن حق و نقد کردن فواید آن، همان چیزی است که از آن به عنوان وظایف و تکالیف



یاد می‌شود. اگر حق را باید به دست آورد بهترین راه آن، تکلیف است. در اینجا قوانین و برنامه‌ها معنا می‌یابند و باید و نبایدها در دین تفسیر می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

«بایدها»، راه‌های تأمین حقوق و «نبایدها» نشان موانع و آفات به شمار می‌روند، پس حقوق بدون تکالیف در حدّ ادّعا و بی‌مصدق است. تأمین حقوق راه‌هایی دارد که باید شناخت، از برخی امور باید پرهیز کرد تا حقوق انسان به مخاطره نیفتد و به کارهایی باید پرداخت تا آن حقوق، به دست آمده و نقد شوند و انسان مستحق، از فواید آن بهره‌مند گردد. با این بیان پیوند میان تکوین و تشریح و کیفیت تعامل میان آن دو روشن می‌شود. منشأ حق از سنخ تکوین و «بود و نبود» است و خود تکلیف از سنخ تشریح و «باید و نباید»، چنان‌که خود حق از قبیل تشریح و باید و نباید است و منشأ تکلیف از سنخ تکوین و بود و نبود. چگونگی و کیفیت ارتباط میان آنها و نوع تعامل میان آن دو از مسائل مهم و حساس حقوقی است. بنابراین، تشریح قانون، شکوفایی تکوین است و برای شکوفایی و بالندگی تکوین و نقد کردن استعدادهای نهفته آنکه همگی حق اوست، نیازمند برنامه و قانون است که در بردارنده بایدها و نبایدهاست و به واسطه تشریح بازگو می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

دین مجموعه‌ای از قوانین است، دین‌آفرین همان انسان و جهان‌آفرین است و انسان‌آفرین به حقیقت و جایگاه انسان و مصالح او آگاه است؛ بنابراین برنامه‌هایی را برای تأمین حقوق، منافع و مصالح بشر تدوین و در مجموعه‌ای به نام دین ارائه کرده است تا بشر به حقوق خود دست یابد. بخش عمده دین که مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست، برای تأمین و حفظ حقوق انسانی است؛ بایدها راه‌های تأمین حقوق و نبایدها نشان‌دهنده موانع آفات تأمین حقوق هستند. شخصی از امام باقر علیه السلام سؤال می‌کند که چرا چیزهایی مانند خمر، مردار، خون و گوشت خوک حرام شده‌اند؟ امام علیه السلام می‌فرمایند: «حلال و حرام و باید و نباید بر اساس رغبت خداوند به حلال‌ها و نفرت او از حرام‌ها نیست. خداوند بشر را آفریده است و می‌داند چه چیزی مایه قوام بدن وی و به مصلحت اوست»، با این دیدگاه همه تکالیف به حقوق بر می‌گردند. در حقیقت احساس مشقت در مقابل تکلیف و مابین دانستن آن با حقوق انسانی به نوعی، به تن‌پروری و هوای نفسانی و جهل و خودبینی برمی‌گردد، وگرنه نقض در فلسفه آفرینش پیش می‌آید که انسان‌آفرین در حالی که انسان را اشرف کائنات آفریده، با تعالیم خود خواسته باشد حقوق وی را نادیده انگارد (جوادی آملی، مرتضی، ۱۳۹۰).

ب. توجه غالب به انگیزه‌های درونی برای احقاق حقوق: در روان‌شناسی مسئله‌ای به‌نام انگیزه‌های بیرونی و درونی برای ایجاد و تقویت رفتار وجود دارد که در آنجا بحث

می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که برای ایجاد و تقویت رفتار، انگیزه درونی قدرت بیشتری برای تولید رفتار دارد که همین مسئله برای ابراز وجود نیز صادق است چون از جنس رفتار است. برخلاف مکاتب غربی که سعی و تلاششان برای مقابله بیرونی با تعدی و استفاده از منابع بیرونی برای رسیدن به حقوق است، دین مبین اسلام، خلاف غربی‌ها رعایت حق را از درون انسان شروع می‌کند و انگیزه اصلی برای رعایت حقوق، توجه به حرمت انسان و مخلوقات الهی به خاطر ارتباط داشتن با خالق و محبت داشتن به مخلوقات الهی و شوق رسیدن به جامعه آرمانی امت واحده، رسیدن به حیات طیبه است؛ ولی در مکاتب غربی، انسان‌ها از ترس موانع بیرونی اقدام به رعایت حقوق و عدم تعدی به حقوق خواهند کرد و در صورت نبود این مانع اقدام به تعدی و ظلم خواهند کرد.

در دین اسلام انگیزه‌های درونی‌ای باعث امتثال تکلیف مکلف و رسیدن ذی حق به حَقّش با مفاهیم ایمان و اخلاص معرفی شده‌اند. آن عامل مهم و کارساز که هم در اقدام و قیام ذی حق، سهم تعیین کننده دارد و هم در امتثال مکلفان به تأدیه حقوق دیگران اثرگذار است و هم در تعاون داخلی و مساعدت درون شهری یا کشوری یا امتی سهم بسزایی را ایفا می‌کند، دو چیز است؛ ۱. ایمان به خداوند متعال؛ ۲. اخلاص در آن ایمان که توانایی گره زدن حقوق و تکالیف را داراست. وگرنه حَقّ گسیخته از تکلیف و تکلیف جدا شده از حق هرگز تعهد متقابل خود را عمل نخواهد کرد، از این رو امیرالمؤمنین، علی علیه السلام فرمودند: «صیانت از حقوق مسلمانان و اجرای آن را با توحید و اخلاص استوار کرد» (رضی، ۱۳۸۷، خطبه ۱۶۷).

ایمان با اخلاص، نور درونی و حافظ دائمی و نگهدارنده قطعی است و بدون آن حَقّ و تکلیف به هم گره نمی‌خورد یا بعد از مدتی کوتاه نقض می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰). از همین جهت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: «از جمله حقوق لازم الهی بر بندگان، این است که آنان یکدیگر را در اقامه حق یاری کنند» (رضی، ۱۳۸۷، خطبه ۲۱۶).

البته این حق، اعم از حق خدا و حق خلق است. پس دو عامل اساسی در تحقق حقوق شخصی و اجتماعی و انجام تکالیف فردی و عمومی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند؛ یکی اعتقاد به وحدانیت الهی است و دیگر اخلاص در عمل؛ یعنی کنار زدن همه خودخواهی‌ها و منیت‌ها و تکیه زدن به قدرت واحدی که منشأ تمام قدرتهاست و انجام عمل در راستای جلب رضایت او و تقدم خشنودی حق بر خلق (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

**جامعیت حقوق در دین اسلام و نقص آن در مکاتب غربی:** منشأ حق از نگاه غالب اندیشمندان غرب، همان قراردادهای اجتماعی است. بسیاری از آنها اعتقاد دارند که

شکل‌گیری جامعه بر مبنای قراردادهای اجتماعی بوده و همه حقوق انسان‌ها بر اساس همین قوانین تأمین می‌شود. منظور از قراردادهای اجتماعی، مجموعه قوانینی است که حاکمان یا قوای مقتنه آن را تنظیم و تدوین کرده باشند چنان‌که یکی از صاحب‌نظران به نام توماس هابز (۱۵۸۸م) بر این نکته تصریح دارد که همه حقوق از حاکم سرچشمه می‌گیرد و هیچ حقوق الهی و طبیعی وجود ندارد. وضع طبیعی انسان وضع جنگ است که آدمیان بی‌خردانه رفتار می‌کنند و برای کنترل آنان لازم است حاکم مطلق باشد (برونوفسکی، ۱۳۹۳، ص ۲۸۳).

بر فرض صحت این نظر، سؤال این است که آیا همه حقوق انسانی از طریق قرارداد اجتماعی تأمین می‌شود و آیا مقررات اجتماعی از جامعیت لازم برخوردارند؟ پاسخ این پرسش‌ها از نگاه قراردادگرایان اجتماعی مثبت است، چون حق از نظر ایشان امتیازی است که قانون به انسان اعطا کرده است، اما این دیدگاه با مبانی اسلام سازگار نیست؛ زیرا حقیقت انسان مسبوق به فراطبیعت و ملحق به آن است؛ یعنی انسان گذشته از جنبه بدنی و مادی، روح اصیل و مجردی دارد که نه از خاک است و نه به خاک برمی‌گردد.

«و یاد کن هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری از گل خشک که برگرفته از لجنی متعفن و تیره رنگ است، می‌آفرینم. پس چون او را درست و نیکو گردانم و از روح خود در او بدمم، برای او سجده‌کنان بیفتید. پس همه فرشتگان بدون استثنا سجده کردند» (حجر، ۲۸-۳۰).

همه عقاید، اخلاق، احکام و حقوق او سازنده هویت تکاملی اوست، تمام قوانین او باید بر اصول اولی آفرینش وی تکیه کند و به مرجع نهایی او بعد از مرگ بازگردد.

**تعریف جدید از ابراز وجود:** مهارتی است که به پشتوانه عقل و ایمان، با انگیزه انصاف با توجه به ارزشمندی و دارایی خود و شناخت حق و حقوق خود و دیگران، با شجاعت برای حق به صورت صادقانه قیام کند و در مقابل ظلم سر فرود نیاورد.

## منابع

### • قرآن کریم.

- آلبرتی، رابرت و امانز، مایکل (۱۳۷۴)، *روان‌شناسی ابراز وجود*، تهران: علمی.
- ابراهیمیان، پروانه (۱۳۹۱)، *بررسی تأثیر آموزش ابراز وجود بر سازگاری دانش‌آموزان دختر و پسر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (استاد راهنما: دکتر مهدی دهستانی، استاد مشاور: دکتر محسن ذوالفقار).
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، ۱ جلد، قم: جامعه مدرسین.

- الوانی، مهدی (۱۳۸۵)، *مدیریت عمومی*، چاپ سی و یکم، تهران: نی.
- براندن، ناتانیل (۱۳۷۱)، *روان‌شناسی و حرمت نفس*، ترجمه: جمال هاشمی، تهران: شرکت سهامی انتشار تهران.
- بقایی مقدم، گلناز (۱۳۸۸)، *بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر کنترل خشم و خودپنداری نوجوانان با ناتوانی جسمی*. حرکتی شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- بهرامی، فاطمه (۱۳۷۵)، *مقایسه روش‌های جرأت‌آموزی به دانش‌آموزان کم‌جرأت دختر دبیرستانی با شیوه‌های مشاوره گروهی و مشاوره فردی در شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهرامی، فاطمه (۱۳۷۵)، *مقایسه روش‌های جرأت‌آموزی به دانش‌آموزان کم‌جرأت دختر دبیرستانی با شیوه مشاوره گروهی و مشاوره فردی در شهر اصفهان*، سال تحصیلی ۷۵-۷۴، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهرامی، فرهاد (۱۳۷۴)، *مقایسه روش‌های آموزش رفتار خودابرازی به دانش‌آموزان کم‌جرأت دختر دبیرستانی با شیوه‌های مشاوره گروهی و مشاوره فردی در شهر اصفهان سال ۷۵-۷۴*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- بولتون، رابرت (۱۳۸۱)، *روان‌شناسی روابط انسانی (مهارت‌های مردمی)*، ترجمه: حمیدرضا سهرابی و افسانه حیات روشنایی، تهران: رشد.
- پروچاسکا، اوچمیز و نورکراس، جان سی (۱۳۸۱)، *نظریه‌های روان‌درمانی*، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران: رشد.
- جلالی، محمدرضا (۱۳۷۶)، *بررسی اثر روش‌های درمانی و آموزشی سرمشق‌پذیری و تمرین سرمشق‌پذیری و آرمیدگی عضلانی در درمان رفتارهای غیرجرأت‌ورزانه*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- جوادی آملی، مرتضی (۱۳۹۰)، *حق و تکلیف در اسلام*، قم: مرکز نشر اسراء.
- رحیمیان بوگر، اسحاق؛ شاره، حسین؛ حبیبی عسگرآباد، مجتبی و بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر شیوه‌های جرأت‌ورزی بر سازگاری اجتماعی»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- سروش، محمد (۱۳۸۹)، *اثربخشی آموزش گروهی ایمن‌سازی در برابر استرس بر میزان اضطراب امتحان*، *سبک اسناد و پرخاشگری کلامی نوجوانان دختر شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی (چاپ نشده)، دانشگاه اصفهان.
- سلیمانی، راحله نژاد (۱۳۹۰)، *مقایسه اثربخشی دو شیوه گروه‌درمانی شناختی-رفتاری و واقعیت‌درمانی بر جرأت‌ورزی دختران دبیرستانی کم‌جرأت شهر سرخس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه

علامه طباطبایی.

- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۷)، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی. قم: الهادی.
- عابدی، علی (۱۳۷۸)، *تأثیر آموزش ابراز وجود بر رفتار خود ابرازی دانش آموزان مقطع دبیرستان شهرستان نائین*، اصفهان: دانشگاه آزاد.
- عباس‌نیا، محمد (۱۳۷۸)، *تأثیر آموزش جرأت‌ورزی و عزت‌نفس پسران کم‌جرأت (به شیوه شناختی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فنسترهایم، هربرت و وبائر، جین (۱۳۷۸)، *آموزش قاطعیت*، ترجمه: عباس چینی، تهران: البرز.
- قربانی، نیما (۱۳۸۰)، *مهندسی رفتار ارتباطی*، تهران: سینه‌سرخ.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ق)، *اصول کافی*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- گنجی، حمزه (۱۳۸۰)، *ارزشیابی شخصیتی*، تهران: ساوالان.
- مایکنبام، دونالد (۱۳۷۶)، *آموزش ایمن‌سازی در مقابل استرس*، ترجمه: سیروس مبینی، تهران: مؤسسه انتشارات رشد.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- هارچی، ا.، ساندرز، ک. و دیکسون، د (۱۳۸۴)، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی*، ترجمه: مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی، تهران: رشد.
- هارچی، اون؛ ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید (۱۳۸۴)، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات بین فردی*، ترجمه: خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران: رشد.
- Azaïs, F. granger, B. Debray, Q. Ducroix, C. (1999). Cognitive and emotional approach to assertiveness, L'Encéphale, Vol. 25, Iss. 4, 353-357.
- Deluty, Robert H. (1981). Assertiveness in children: Some research considerations. Journal of Clinical Child Psychology, Vol. 10, Iss. 3, 149-155.
- Lin, Y. Shiah, S. Chang, Y C. Lai, T. Wang, K Y. Chou, K R. (2004). Evaluation of an assertiveness training program on nursing and medical students' assertiveness, self-esteem, and interpersonal communication satisfaction. Nursing Education Today, Vol. 24, Iss. 8, 656-665.
- Ames D. Pushing up to a point: Assertiveness and effectiveness in leadership and interpersonal dynamics. Research in Organizational Behavior. 2009; 29: 111-33.
- Stake, J. E. , DeVille, C. J. , & Pennell, C. L. (1990) The effects of assertive

training on the performance self-esteem of adolescent girls. *Journal of Youth and Adolescence*.

- Michel, F. (2008). *Assert Yourself*. Perth, Western Australia: Centre for Clinical Intervention.
- Back, R & Back, K. (1986). *Assertiveness at Work – A Practical guide to Handling Awkward Situations* McGraw Hill, London.
- gambrell, E. D. & Richey, L. A. (1975). An assertion inventory for use in assessment and research *Behavior Therapy*, 6, 550-561.
- Linehan, M. (1979). Structured cognitive-behavioural treatment of assertion problems. In Kendall Hollon, *Cognitive Behavioural Interventions* (pp205-240). Academic Press.
- Adam Rita, C. S. (2010). The effects of gestalt and cognitive- behavioral therapy group intervention on the assertiveness and self-esteem of women with physical disabilities facing abuse. Doctoral dissertation, Wayne State University.
- Bowman, D. & Leakey, T. (2009). The power of gestalt therapy in accessing the transpersonal: Working with physical difference and disability. *gestalt Review*, 10 (1), 42-59.
- Martinez, E. (2002). Effectiveness of operationalized gestalt therapy role-playing in the treatment of phobic behaviors. *gestalt Review*, 6 (2), 148-166.

# اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ (ص ۳۱-۵۳)

## تدوین بسته آموزشی انصاف برای کاهش تعارضات زناشویی بر اساس منابع اسلامی

### Development of a fairness education package to reduce marital conflicts based on Islamic sources

محمد رضا سالاری فر / دکتری روان‌شناسی، استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.  
حمید رفیعی هنر / دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، استادیار پژوهشگاه اخلاق و معنویت، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.  
حمیدرضا گل‌وردی یزدی / راهنمایی و مشاوره با رویکرد اسلامی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.

**Mohammad Reza Salarifar** / Faculty Member, Department of Psychology, Research Institute and University, Qom, Iran.  
msalarifar@rihu.ac.ir

**Hamid Rafiei Honar** / PhD in Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Assistant Professor, Institute of Ethics and Spirituality, Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.

Hamidrafi2@gmail.com

**Hamidreza golverdi Yazdi** / guidance and counseling with an Islamic approach, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran.  
h.go313@chmail.ir

#### Abstract

The purpose of this study is to develop a fairness training package to reduce marital conflicts based on Islamic sources. The research method is qualitative content analysis. Among Islamic sources and authentic religious and hadith books, 7 components of self-identification were extracted, the ability to assume self-balancing, selfishness, selfishness, altruism, other precedence, and meeting reasonable and legitimate expectations for justice. Then, using the conceptual analysis method, the components of fairness are analyzed and using quantitative methods, the validity of the content of the educational package is examined. Therefore, to evaluate the validity of the

#### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تدوین بسته آموزشی انصاف برای کاهش تعارضات زناشویی بر اساس منابع اسلامی با روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی است. از میان منابع اسلامی و کتب معتبر دینی و حدیثی، ۷ مؤلفه: یکسان‌انگاری خود-دیگری، توانایی فرض خودمیزان‌گری، خوددگر پسندی امور، خوددگر ناپسندی امور، دگر دوستی، دگر تقدم‌گری و برآوردن انتظارات معقول و مشروع، برای انصاف استخراج گردید. سپس با استفاده از روش تحلیل مفهومی به تحلیل مؤلفه‌های انصاف پرداخته و با استفاده از روش‌های کمی به بررسی اعتبار محتوای بسته آموزشی پرداخته شده است؛ لذا برای بررسی روایی مؤلفه‌ها، به

components, along with their sources, a form was prepared using CVI and CVR index. That form was exposed to the opinions and opinions of experts with doctoral degrees in psychology and guidance and counseling. The results showed that the four components of self-identification were confirmed, the ability to assume self-scaling, self-satisfaction of things, self-dislike of things. Based on Islamic sources, for each of the components, techniques were developed as the content of educational package sessions with the aim of reducing marital conflicts. Experts evaluated the content of the training package; Using CVI index, all techniques were confirmed.

**Keywords:** fairness, family, educational package, marital conflicts.

همراه منابع آنها با استفاده از شاخص CVI و CVR فرمی آماده گردید. آن فرم در معرض آرا و نظر کارشناسان دارای مدرک دکترا در رشته روان‌شناسی و رشته راهنمایی و مشاوره، قرار گرفت. نتایج نشان داد که ۴ مؤلفه: یکسان‌انگاری خود-دیگری، توانایی فرض خودمیزان‌گری، خوددگر‌پسندی امور، خوددگر ناپسندی امور، تأیید گردید. بر اساس منابع اسلامی برای هر یک از مؤلفه‌ها تکنیک‌هایی به‌عنوان محتوای جلسات بسته آموزشی با هدف کاهش تعارضات زناشویی تدوین گردید. کارشناسان، محتوای بسته آموزشی را ارزیابی نمودند که با استفاده از شاخص CVI، تمامی تکنیک‌ها تأیید گردید.

**کلید واژه‌ها:** انصاف، خانواده، بسته آموزشی، تعارضات زناشویی.

## مقدمه

خانواده با پیمان ازدواج، پایه‌گذاری می‌شود و زن و شوهر، ستون اصلی حیاتی‌ترین نهاد اجتماع، یعنی خانواده، را تشکیل می‌دهند. هر قدر روابط میان همسران بهتر، سالم‌تر و پرجاذبه‌تر باشد، زندگی شیرین‌تر و با صفاتر می‌شود (فاطمی نیک و همکاران، ۱۳۹۶). مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده، عاملی بسیار تأثیرگذار در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده است (خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۳). سلامت و اقتدار عاطفی و منطقی خانواده در گرو برخورداری اعضا از بصیرت و نیز آگاهی‌های لازم برای سازندگی و پیشگیری از درگیری‌ها و کج‌روی‌ها است (فاطمی نیک و همکاران، ۱۳۹۶، به نقل از حسینی، ۱۳۹۱). در حالی که ازدواج یکی از شایع‌ترین روابط است، اما آمارها نشان می‌دهد نگهداری این رابطه، بسیار مشکل است. در طول رشد این رابطه، زوج‌ها ممکن است با تعارض‌هایی مواجه شوند که ثبات ازدواج، آنها را می‌آزماید (همان).

تعارض زناشویی نوعی عدم توافق مداوم و معنادار بین دو همسر است که حداقل توسط یکی از آنها گزارش شود. منظور از معنادار، تأثیر این مسئله بر عملکرد همسران و منظور از



مداوم اشاره به اختلافاتی است که به مرور زمان از بین نمی‌رود (قلیلی و همکاران، ۱۳۸۶، به نقل از هالفورد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

تعارض، بخش اجتناب‌ناپذیر هستی انسان است. خواه در زندگی شخصی، خواه در زندگی جمعی، هر زمان و هر جا که افراد به صورت گروهی باشند احتمال رخداد تعارض وجود دارد. در واقع داشتن شیوه‌های حل تعارض سازنده مانع مؤثری در برابر تعارض‌های منحل‌کننده خانواده است و حتی می‌تواند به حل بهتر مسائل پیش‌روی زوج‌ها کمک کند (حسینی، ۱۳۹۳، به نقل از بیرامی، هاشمی و خسروشاهی، ۱۳۹۲). همسرانی که دچار تعارض می‌شوند، در واقع زوجینی هستند که چیزی را که یکی می‌خواهد، دیگری نمی‌خواهد. هرگاه این تعارض به صورت مخرب درآید رنجش و خصومت موجود، نسبت به شخص مخاطب، باعث کاهش اعتماد، اطمینان، دوستی، همکاری و صمیمیت آنها می‌شود (عابدی، شعاع کاظمی، به نقل از برومن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). چنین وضعیتی می‌تواند همسران را به بروز رفتارهایی وادار کند که نوعی بازی روان‌شناختی مخرب است که باید آن را شناخت و با رفتارهای مناسب اصلاح کرد و به اصطلاح آن را تحلیل و بازسازی نمود (همان، به نقل از هاستون<sup>۳</sup> و ملز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴م).

با توجه به رویکرد اسلامی، راه رسیدن به سعادت حقیقی، بدون داشتن «اخلاق الهی» و «شیوه‌های سالم به منظور رشد و تکامل انسانی» امکان‌پذیر نیست. آنچه امروز در یک زندگی زناشویی به آن نیاز می‌باشد؛ تبیین کاربردی اصول و مبانی تربیت دینی و ارائه آن به شکلی متناسب با ساختار و سبک زندگی رایج به منظور کاربردی آن است که از سوی خداوند متعال فرستاده شده است و قرآن کریم، بهترین مرجع و سیره پیامبران و امامان علیهم‌السلام مناسب‌ترین الگو در این زمینه است (طباطبایی، ۱۳۷۴).

کیفیت و بقای رابطه زناشویی به وجود عناصری بستگی دارد که باعث استحکام و تداوم این رابطه و ایجاد تفاهم می‌شود. یکی از عواملی که بر کیفیت و بقای رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد، این مسئله است که زوجین انصاف را در رابطه با یکدیگر احساس کنند. انصاف یک عامل مهم در روابط سالم است و اهمیت آن در ازدواج به اندازه‌ای است که در سازگاری زناشویی و احساس حمایت اجتماعی در زوجین و تقویت احساس صمیمیت و کاهش خیانت

1. Halford, W. K.

2. Broman, C. L.

3. Huston, T. L.

4. Melz, H.

زناشویی اثر می‌گذارد (فرامرزی، ۱۳۸۸، به نقل از پری<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴م). انصاف زوجین، یکی از متغیرهای تعیین کننده خشنودی آنان از رابطه است (خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۳). برخی از مطالعات نشان می‌دهد ادراک انصاف بر اساس بهبود کلی روند زندگی می‌تواند احتمالاً به عنوان عامل مؤثر بر رضایت زناشویی در مراحل اولیه رابطه زوج‌ها باشد (عزیزپور، صفرزاده، ۱۳۹۵، به نقل از تراپمن<sup>۲</sup> و هاتفیلد<sup>۳</sup>، ۱۹۸۳م).

نکته مهمی که در مورد انصاف است؛ پیچیدگی و ابهام در تعریف آن می‌باشد. به همین جهت، شاختر<sup>۴</sup> یکی از حقوق دانان برجسته بین‌المللی گفته است: «هیچ مفهومی در حقوق، بیشتر از مفهوم انصاف در برابر تعریف دقیق، مقاومت نمی‌کند». ویرامانتری<sup>۵</sup> نیز به نقل از یک محقق در تعریف انصاف بیان می‌کند که «انصاف، مسئله پیچیده پر رمز و راز درون یک معماست» (امینی، ۱۳۹۵). با وجود این پیچیدگی در بیان انصاف، باید به این واقعیت اذعان کرد که انصاف، عدالت را به ارمغان می‌آورد.

انصاف یعنی چیزی را نصف کردن یا به نصف رساندن؛ در روابط اجتماعی یعنی سود و زیان را میان خود و دیگران نصف کردن و در مقام داوری، حقوق طرفین دعوا را به طور برابر رعایت کردن. انصاف از روح گذشت و احترام به حقوق دیگران ناشی می‌شود و شخص منصف کسی است که برای دیگران حقوق برابر قائل باشد و مزایای زندگی را میان خود و مردم تقسیم کند (مهدوی کنی، ۱۳۷۲). انصاف از جمله مفاهیم اخلاقی است که شایستگی تعمیم در هر شرایطی را دارد و افراد می‌توانند در ساده‌ترین امور زندگی خود به اخلاق مبتنی بر انصاف توجه داشته و پیامدهای مطلوب آن را تجربه کنند (قرایی و همکاران، ۱۳۹۳).

بر اساس روایات، انصاف از مهمترین خصوصیات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام به حساب می‌آید؛ و مراعات آن موجب می‌شود که شخص شباهت به آن بزرگواران پیدا نماید. رعایت انصاف موجب انسجام و الفت در خانواده می‌شود؛ لذا اگر فردی به دنبال یک خانواده متعادل و منسجم باشد باید آن را به عنوان یک فرهنگ در زندگی اجرا کند. انصاف موجب می‌گردد بین اعضای خانواده، رفتار الفت‌آمیز ایجاد شود و خشم خداوند را فرو نشانند و

1. Perry, J. C.

2. Traupmann, G.

3. Hatfield, E.

4. Schachter, S.

5. Weeramantry, C. G.

عامل افزایش رزق و روزی گردد؛ دل‌ها را به یکدیگر گره زند؛ موجب محبت و راحتی می‌گردد و اختلافات را از بین می‌برد و همبستگی ایجاد می‌کند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۶، ص ۲۱).

آموزه انصاف در برنامه‌های اسلام، چه به صورت ایجابی آن (برای دیگران آن را بپسند که برای خود می‌پسندی) و چه در قالب سلبی آن (آنچه را برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم نپسند)، ناظر بر رفتارهای فردی و اجتماعی انسان است که از یک سو، باور و ایمان واقعی او را نشان می‌دهد که در قالب یک عمل نیک و فضیلت‌بخش بروز پیدا خواهد کرد و از سوی دیگر موقعیت انسان را در زندگی دنیوی و اخروی ارج می‌بخشد؛ به گونه‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: «کسی که با مردم با انصاف برخورد کند، خداوند بر عزت او می‌افزاید»، یا رسول الله صلی الله علیه و آله به عرب بادیه‌نشینانی که به دنبال عملی بود تا او را بهشتی کند، توصیه کرد: «هرگونه دوست داری مردم با تو رفتار کنند، تو با آنها رفتار کن و هرچه را ناخوش داری مردم با تو کنند، با آنها مکن». (قرائی سلطان آبادی، ۱۳۹۴، به نقل از کلینی، ۱۴۰۷ ق).

نکته مهم دیگر؛ آموزش خانواده از ابعاد مختلفی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. بخش مهمی از آن به آموزش زوج‌ها به‌ویژه در جهت سازگاری با یکدیگر و احساس رضایتمندی تمرکز دارد؛ زیرا تعامل زناشویی سالم کلید فرآیند خانواده مطلوب است (بارکر، ۱۹۸۶ م؛ ترجمه دهقانی و دهقانی، ۱۳۸۸). بنابراین ضروری است که با آموزش‌های لازم به زوجین، سطح اطلاعات آنان را درباره زندگی زناشویی افزایش داده و با شناخت و درک درستی از خود و آنچه در روابطشان رخ می‌دهد، آشنا شوند. آموزش می‌تواند یک اقدام اساسی در زوج‌درمانی باشد و به ایجاد خانواده مطلوب کمک نماید.

عدم شناخت دقیق و درست انصاف به خودمحوری می‌انجامد؛ رفتار خودمحورانه نیز موجب خروج از حق و ورود به ستم و بی‌عدالتی است و سبب دوری خانواده از امنیت، آسایش و آرامش است. از این‌رو انصاف در اسلام که دین حق‌محور است از جایگاه بالایی برخوردار است.

آموزش انصاف برای اصلاح سبک‌های حل تعارض و برای از بین بردن احساس بی‌عدالتی در روابط زوجین در راستای افزایش صمیمیت زناشویی از اهمیت زیادی برخوردار است. انصاف از مؤلفه‌هایی همچون رعایت قوانین، شرکت صادقانه در رقابت‌ها، صداقت و لو اینکه به ضرر فرد باشد، عدم مقایسه رفتار و استعداد و غیره، خودداری از برچسب‌های

منفی، خودداری از مقایسه جنسیتی، خودداری از پیش‌داوری، عدم زیاده‌خواهی، رعایت اصول اخلاقی تشکیل می‌شود.

با مروری بر پیشینه پژوهش‌های انجام شده در زمینه خانواده و زندگی زناشویی، با موضوع انصاف مرور متون و منابع موجود و مرتبط مشخص می‌شود، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. در برخی از این پژوهش‌ها به دنبال بررسی میزان تأثیر ادراک انصاف بر صمیمیت و کیفیت زندگی زناشویی زوجین می‌باشند. خجسته‌مهر، فرامرزی و رجبی (۱۳۹۱) با موضوع «بررسی نقش ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی»، سهرابی و امانی (۱۳۹۰) با موضوع «رضایت زناشویی و انصاف: واکنش به بی‌انصافی در بازی اولتیماتوم»، خجسته‌مهر و شکرکن (۱۳۹۳) با موضوع «نظریه انصاف و نقد آن: گامی در توسعه روابط مطلوب در دنیای کار و روابط زناشویی در جامعه ایران»، خجسته‌مهر، نوکاریزی و شیرالی‌نیا (۱۳۹۳) با موضوع «آیا دیدگاه فهمی، برابرنگری و رفتارهای فداکارانه شوهران ادراک انصاف زنان را پیش‌بینی می‌کند؟»، خجسته‌مهر، احمدی قوزلوجه، سودانی و شیرالی‌نیا (۱۳۹۴) با موضوع «اثر بخشی درمان بافت‌نگر انصاف محور بر صمیمیت عاطفی و کیفیت زناشویی زوجین»، در پژوهش‌های خود به این به این نتیجه رسیدند رعایت انصاف و همچنین ادراک آن در بین زوجین اثر مثبت قوی بر صمیمیت عاطفی و کیفیت زندگی زناشویی زوجین دارد و بین این دو همبستگی وجود دارد.

با توجه به زحماتی که در موضوع ایجاد رضامندی در بین زوجین و کاهش تعارضات زناشویی با استفاده از خصلت انصاف، از سوی پژوهشگران صورت گرفته است، همچنان کمبودهایی در این زمینه وجود دارد. یکی از کمبودها، عدم آموزش انصاف ورزی به زوجین است. در فضای جلسات مشاوره زوجین‌درمانی در جهت کاهش تعارضات و همچنین عملیاتی نمودن رعایت انصاف توسط همسران، نیاز به آموزش است، تا آنان ضمن آگاهی و درک آثار و برکات خصلت اخلاقی انصاف از دیدگاه دین مقدس اسلام، آن را به صورت عملی در زندگی خویش بکار ببرند، و اثر مثبت قوی آن را در جهت ایجاد آرامش، اعتماد و اطمینان، محبت، احترام، توجه به نیازهای یکدیگر و برآورده کردن آنها، افزایش شناخت از همسر، استفاده از کلمات و عبارات پسندیده، توجه به حالات و روابط غیرکلامی، اهمیت دادن به تعاملات عاطفی و روابط جنسی همسران، پرهیز از بدگمانی و به صورت کلی، کاهش تعارضات زناشویی، احساس نمایند.

از سوی دیگر در این پژوهش‌ها، از آموزه‌های اسلامی در جهت آموزش زوجین با موضوع

انصاف، یا بی‌بهره بوده و یا اینکه بهره کمی برده شده است. با توجه به غنای تعالیم اسلامی در زمینه‌های مختلف زندگی و از جمله زندگی زناشویی، و با توجه به آثار و برکات خصلت انصاف و پذیرش آن از سوی فطرت‌های پاک انسانی، پژوهش حاضر درصدد تدوین بسته آموزشی برای کاهش تعارضات زناشویی بر اساس منابع اسلامی بوده است.

### روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ رویکرد کیفی و کمی، مشتمل بر دو روش تحلیل مفهومی-محتوایی و توصیفی است. روش تحلیل مفهومی-محتوایی، روش تحقیقی برای گرفتن نتایج معتبر و قابل تکرار از داده‌های استخراج شده از متن است. تحلیل محتوا «هر فنی است که به کمک آن، ویژگی‌های خاص پیام‌ها را به طور نظام یافته و عینی مورد شناسایی قرار می‌دهند» (رضوانی، ۱۳۸۹). برخی محققین، تحلیل محتوا را هر رویه نظام‌مندی که به منظور بررسی محتوای اطلاعات ضبط شده باشد؛ تعریف می‌کنند (همان).

محقق با استفاده از کتب و منابع دینی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است. در ابتدا به مطالعه و بررسی پیشینه نظری و پژوهشی مرتبط با موضوع انصاف و زندگی زناشویی بر مبنای تعالیم اسلام پرداخته است. در جهت تدوین بسته آموزشی از دیدگاه اسلام، از قرآن کریم و تفاسیر موجود و کتاب‌های معتبر دینی و حدیثی همچون *نهج البلاغه*، *صحیفه سجادیه*، *بحار الانوار*، *وسائل الشیعه*، *کافی*، *مستدرک الوسایل*، *تحف العقول*، *غرر الحکم* و *درر الکلم* و *میزان الحکمه* استفاده شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل مفهومی به تحلیل مؤلفه‌های انصاف پرداخته و سپس با استفاده از روش‌های کمی به بررسی محتوای بسته آموزشی پرداخته شده است.

برای ارزیابی روایی محتوای بسته آموزشی انصاف برای کاهش تعارضات زناشویی از منابع اسلامی، از شاخص CVI و CVR استفاده شده است. برای بررسی روایی مؤلفه‌های انصاف و همچنین روایی محتوای جلسات آموزشی انصاف برای کاهش تعارضات زناشویی، از قضاوت و داوری کارشناسان رشته روان‌شناسی و مشاوره، استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش دو نوع فرم تنظیم شد؛ یکی با موضوع «بررسی روایی مؤلفه‌های انصاف» و دیگری با موضوع «بررسی روایی محتوایی بسته آموزشی انصاف برای کاهش تعارضات

زناشویی بر اساس منابع اسلامی»، که این دو فرم به ترتیب در دو نوبت زمانی به اعضای هیئت علمی مؤسسه امام خمینی علیه السلام قم و همچنین اعضای هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم توزیع گردید و پس از تکمیل از آنها اخذ گردید. همه این متخصصین دارای مدرک دکتری در رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره هستند. در نوبت اول که بررسی روایی مؤلفه‌های انصاف بود؛ از اظهار نظر ۱۲ نفر از کارشناسان استفاده شد. در نوبت دوم که بررسی روایی محتوایی بسته آموزشی انصاف برای کاهش تعارضات زناشویی بر اساس منابع اسلامی بود؛ از اظهار نظر ۱۱ نفر از متخصصین بهره برده شد.

محقق در ابتدا به دنبال یافتن مؤلفه‌های انصاف بود تا بتواند به مفهوم صحیح از این خصلت نیکو دست پیدا کند، سپس برای کاهش تعارضات زناشویی بسته آموزشی انصاف را از میان منابع اسلامی تدوین نماید، تا با آموزش زوجین، تعارضاتشان را کاهش دهد؛ لذا بعد از یافتن مؤلفه‌های انصاف از منابع اسلامی، آنها را در معرض اظهار نظر کارشناسان قرار داد. بعد از آن، از میان مؤلفه‌های مورد تأیید کارشناسان، بسته آموزشی تدوین شد. در ادامه بسته آموزشی تدوین شده در معرض اظهار نظر کارشناسان قرار گرفت. نتایج این دو اظهار نظر به شرح ذیل می‌باشد:

ابتدا با بررسی منابع اسلامی ۷ مؤلفه برای موضوع انصاف استخراج شد؛ سپس برای بررسی روایی آن مؤلفه‌ها به همراه منابعشان از دیدگاه اسلام، در قالب میزان تطبیق مؤلفه‌ها با آموزه‌های اسلامی (CVI) و میزان ضرورت این مؤلفه‌ها برای موضوع انصاف اسلامی (CVR)، در معرض اظهار نظر کارشناسان قرار داده شد. برای بهره بردن از نظرات کارشناسان، فرم مربوط در اختیار ۱۲ نفر از اساتید و محققان، که همگی از اعضای هیئت علمی دو مرکز؛ مؤسسه امام خمینی علیه السلام قم و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم؛ با مدرک دکترا در رشته روان‌شناسی و مشاوره بودند، قرار گرفت. نتایج نظر کارشناسان در جدول ذیل منعکس شده است:

## جدول نتایج نظر کارشناسان در مورد مؤلفه‌های انصاف

نتیجه (تأیید / رد)	میزان ضرورت مؤلفه‌ها برای انصاف اسلامی (CVR)	میزان تطبیق مؤلفه‌های انصاف با آموزه‌های اسلامی (CVI)	مؤلفه‌های انصاف اسلامی
تأیید	۰٫۸۳	۰٫۸۳	یکسان‌انگاری خود-دیگری
تأیید	۰٫۶۶	۰٫۸۳	توانایی فرض خود میزان‌گری
تأیید	۰٫۸۳	۰٫۹۱	خوددگر پسندی امور
تأیید	۰٫۸۳	۰٫۹۱	خوددگر ناپسندی امور
رد	۰٫۵	۰٫۵۸	دگر دوستی
رد	۰٫۱۶	۰٫۵	دگر تقدیم‌گری
رد	۰٫۱۶	۰٫۶۶	برآوردن انتظارات معقول و مشروع

با توجه به جدول فوق از میان ۷ مؤلفه استخراج شده، ۴ مؤلفه یکسان‌انگاری خود-دیگری، توانایی فرض خود میزان‌گری، خوددگر پسندی امور و خوددگر ناپسندی امور، مورد تأیید کارشناسان واقع گردید. ۳ مؤلفه دگر دوستی، دگر تقدیم‌گری و برآوردن انتظارات معقول و مشروع، از نظر کارشناسان به عنوان مؤلفه انصاف تأیید نگردید؛ لذا رد شد.

با توجه به نتایج فوق می‌توان انصاف را این‌گونه تعریف نمود: «توانایی خود میزان‌گری؛ که در آن انسان با فرض یکسان بودن خود و دیگری در منافع و مضار، خود را جای دیگری فرض می‌کند؛ و برای او دوست می‌دارد، همان چیزی که برای خود دوست می‌دارد و برای او کراهت می‌دارد، همانی که برای خود کراهت می‌دارد. تداوم استفاده از این توانایی به صورت یک فضیلت اخلاقی نمایان می‌شود».

**شرح و تفسیر مربوط به بررسی روایی محتوای بسته آموزشی انصاف:** با مشخص شدن وضعیت مؤلفه‌های انصاف، بسته آموزشی انصاف برای کاهش تعارضات زناشویی از منابع اسلامی طراحی شد. در آغاز، منطق تنظیم جلسات آموزشی بدین شکل طراحی شد؛ که محتوای جلسات در ۱۲ جلسه ۱۵ ساعته، در سه فاز به معرض آموزش قرار داده شود.

فاز اول: آشنایی زوجین با مفهوم انصاف و حقوق یکدیگر؛ فاز دوم: ایجاد و تقویت توانایی فرض خودمیزان‌گری در زوجین؛ فاز سوم: عملیاتی نمودن خوددگر پسندی‌ها و خود دگر ناپسندی‌های امور در بین زوجین.

برای هر فاز مطابق با مؤلفه‌های تأیید شده، مهارت‌ها و تکنیک‌هایی ارائه گردید. سپس برای بررسی روایی محتوای بسته آموزشی به همراه منابعشان از دیدگاه اسلام، در قالب میزان ارتباط محتوای جلسات با مؤلفه‌های انصاف اسلامی (CVI) و میزان ارتباط مؤلفه‌ها یا تکنیک‌های انصاف برای کاهش تعارضات زناشویی (CVI)، در معرض اظهار نظر کارشناسان قرار داده شد. برای بهره بردن از نظرات کارشناسان، فرم مربوط در اختیار ۱۱ نفر از اساتید و محققان، که همگی از اعضای هیئت علمی دو مرکز؛ مؤسسه امام خمینی (ره) قم و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم؛ با مدرک دکترا در رشته روان‌شناسی و مشاوره بودند، قرار گرفت. نتایج نظر کارشناسان در جدول ذیل منعکس شده است:

جدول نتایج نظر کارشناسان در مورد محتوای بسته آموزشی انصاف

نتیجه (تأیید/رد)	میزان ارتباط محتوای جلسه با مؤلفه‌های انصاف اسلامی (CVI)	میزان ارتباط مؤلفه / تکنیک با کاهش تعارضات زناشویی (CVI)	مؤلفه‌های و تکنیک‌های انصاف اسلامی
تأیید		۱	یکسان‌انگاری خود-دیگری
تأیید	۱	۰٫۹	شناخت تفاوت‌های میان فردی
تأیید	۱	۱	شناخت حقوق یکدیگر
تأیید	۰٫۸۷	۰٫۹	شناخت انتظارات و توقعات
تأیید		۱	توانایی فرض خودمیزان‌گری
تأیید	۱	۱	همدلی
تأیید	۱	۱	ایثار و حسن نوع‌دوستی
تأیید	۱	۱	حسن ظن و عدم پیش‌داوری
تأیید		۱	خوددگر پسندی امور
تأیید	۱	۱	ابراز محبت
تأیید	۱	۱	مهارت‌های رفتاری



تأیید	۱	۱	عفو و گذشت
تأیید	۱	۱	تقسیم کارهای منزل
تأیید	۱	۰/۹	مهارت‌های اقتصادی
تأیید	۱	۰/۹	روابط جنسی
تأیید	۱	۱	نشاط و شادی در زندگی
تأیید		۱	خوددگر ناپسندی امور
تأیید	۱	۱	خشم
تأیید	۱	۱	عدم عذرخواهی به جهت ارتکاب خطا و اشتباه
تأیید	۱	۱	مقایسه شدن با دیگران
تأیید	۰/۸۸	۰/۸۱	دخالت بستگان در زندگی

با توجه به جدول فوق، طبق نظر کارشناسان، تمامی مؤلفه‌ها و تکنیک‌ها با کاهش تعارضات زناشویی در ارتباط هستند و همچنین تمامی محتوای جلسات با مؤلفه‌های انصاف اسلامی در ارتباط می‌باشند.

**تفسیر داده‌ها بر اساس استخراج مؤلفه‌های انصاف:** چهار مؤلفه‌ای که روایی آن از نظر کارشناسان تأیید گردید، شامل؛ یکسان‌انگاری خود-دیگری، توانایی فرض خودمیزان‌گری، خوددگر پسندی امور و خوددگر ناپسندی امور است. بنابراین این چهار مؤلفه مبنای تدوین تعداد و سرفصل محتوای جلسات بسته آموزشی قرار گرفت. در اینجا به توضیح چهار مؤلفه مورد تأیید، پرداخته می‌شود:

**یکسان‌انگاری خود-دیگری:** یعنی انسان سهم برابر برای دیگران در مقایسه با خویشتن، قائل شود. در این مؤلفه تنها فرد با شناسایی موقعیت یکسان یا مشابه برای دیگران در مقایسه با خود، می‌تواند رفتار منصفانه نسبت به دیگران داشته باشد. این یک مؤلفه شناختی می‌باشد. تا زمانی که نتواند به یکسان‌انگاری باور داشته باشد، به رفتار منصفانه نیز نائل نمی‌شود. در حقیقت این شناخت، یکی از مقدمات رفتار منصفانه است. مساوات در حقوق و تکالیف جنبه شخصی ندارد، بلکه در سایه خدمت متقابل قابلیت ظهور پیدا می‌کند و تنها وجود یک تقابل صحیح و ترکیب موزون از روابط، موازنه اجتماعی پدید آمده و مساوات محقق می‌شود و این توازن که در سایه تعیین وظایف حاصل می‌شود

نه تنها به حفظ منافع فرد بلکه با هدف تشکیل و استحکام نظام خانوادگی و نهایتاً پیشبرد اهداف حقوقی اجتماع است (احمدیه، ۱۳۷۸).

در آیات قرآن، یکسان‌انگاری مورد توجه ویژه قرار داده شده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چرا که) اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند» (نساء، ۱۳۵). بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید، که از حق منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

شبیه به همین موضوع در مورد سخن گفتن هم آمده است: «چون سخن می‌گویید؛ با انصاف بگویید، گرچه درباره خویشان باشد» (انعام، ۱۵۲). مفهوم آیه این‌گونه می‌شود که اگر یکسان‌انگاری بین خویشان و دیگران در سخن گفتن نباشد از مسیر عدالت و انصاف خارج می‌شوید.

یکسان‌انگاری در بیان علامه طباطبائی رحمته‌الله در ذیل آیه ۱۵ سوره شوری «و من مأمور شده‌ام بین شما عدالت برقرار کنم»، یعنی همه را به یک چشم ببینم، قوی را بر ضعیف و غنی را بر فقیر و کبیر را بر صغیر مقدم ندارم، و سفید را بر سیاه و عرب را بر غیرعرب و هاشمی را یا قرشی را بر غیر آنان برتری ندهم. پس در حقیقت دعوت متوجه به عموم مردم است و مردم همگی در برابر آن مساویند (طباطبائی، ۱۴۰۲، ترجمه موسوی، ۱۳۷۴).

در روایات باب انصاف به مؤلفه یکسان‌انگاری خود-دیگری اشاره شده است:

مرحوم دشتی (۱۳۷۹) ضمن دسته‌بندی فرازهای *نهج البلاغه*، در باب موضوع انصاف به این فراز اشاره می‌نماید: امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه برای خود دوستداری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند. ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود. نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند. آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار. و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی. و آنچه نمی‌دانی نگو، گرچه آنچه را می‌دانی اندک است. آنچه را دوست نداری به تو نسبت دهند، درباره دیگران مگو» (نهج البلاغه، ص ۵۲۷).

در این روایت امر شده تا انسان خویشتن را ترازوی بین خود و دیگران قرار دهد. لازمه این مطلب؛ برابر دانستن دیگران با خود می‌باشد و دیگران را یکسان، هم‌تا و همسان خود بداند. **توانایی فرض خود میزان‌گری:** یعنی اینکه فرد اساساً باید این توانایی را داشته باشد

که بتواند خود را جای دیگری در همه امور اعم از امور خوشایند و ناخوشایند قرار دهد. بدین منظور لازم است حتماً فرد در دوره‌های تحول شناختی خود از خودمیان بینی خارج شده باشد تا بتواند به چنین توانایی برسد. این مؤلفه، یک مؤلفه رفتاری است. یکی از نقش‌های اساسی انصاف کمک به رشد تخیل اخلاقی است که به نیکی در توصیه‌های دینی دیده می‌شود؛

امیرالمؤمنین علیه السلام «اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ» (نهج البلاغه، ص ۵۲۷). توصیه «اجْعَلْ نَفْسَكَ» و تعبیری دیگری از این دست در روایات دینی، به بهترین شکل این توانایی فرض خود میزان‌گری را در شخص بر می‌انگیزد.

پذیرش سهم برابر برای دیگران در مقایسه با خود تنها با دخالت نیروی تخیل امکان‌پذیر است که فرد مطمئن شود اگر خود او جای دیگران قرار می‌داشت، آیا از آنها توقع همان کاری را داشت که خودش همان کار را نسبت به آنها انجام می‌داد یا نه (قرائی سلطان آبادی و توکلی، ۱۳۹۴).

در واقع، اخلاقی رفتار کردن، مستلزم نوع خاصی از تخیل است و کسی که فاقد آن باشد، نمی‌تواند به گونه‌ای آگاهانه رفتاری اخلاقی داشته باشد و اگر هم بر اساس قواعد اخلاقی عمل کند، این کار به گونه‌ای مکانیکی و صوری خواهد بود. رفتار اخلاقی در قبال دیگران هنگامی آغاز می‌شود که شخص فاعل بتواند به پیامدهای رفتار خود بر پیرامون خویش توجه کند و چون این پیامدها هنوز فعلیت نیافته‌اند، باید بتوان آنها را تخیل کند و در ذهن خود بیافریند. به همین سبب، غالباً نقطه عزیمت تفکر اخلاقی، همین تخیل است. بسیاری از ردایل، به این دلیل رخ می‌دهند که شخص اساساً تصویری از پیامد رفتار خود ندارد و نمی‌تواند در ذهن خود تصویری از لوازم رفتار خود را تخیل کند (اسلامی، ۱۳۸۶).

تولستوی<sup>۱</sup> بر نقش تخیل در رفتار اخلاقی اشاره دارد؛ «اگر ما خویش را به جای دیگران قرار می‌دادیم، آنگاه در بسیاری مواقع از احساس تنفیری که از آنان داریم رها می‌شدیم، و اگر دیگران را به جای خویش قرار می‌دادیم، آن‌گاه در بسیاری مواقع از غرور خود می‌کاستیم» (همان).

توانایی تخیل در رفتار اخلاقی دارای اهمیت است. به همین سبب در تعلیم و تربیت اخلاقی توجه به این نکته اهمیتی خاص می‌یابد و چه بسا یکی از حکمت‌های زبان کتاب‌های آسمانی، به ویژه قرآن کریم، همین باشد (همان).

**خود دگرپسندی امور:** یعنی اینکه فرد منصف امور مورد پسند خود را برای دیگران نیز می‌پسندد. این مؤلفه یک مؤلفه عاطفی انگیزشی است. این مؤلفه تعلیم این نکته را متذکر می‌شود که اگر شخص منصف در جای شخص دیگری بود، خواستار چه رفتاری با خود می‌شد. حال همان رفتاری که انتظار انجام دادنش را داشته، خود نسبت به دیگران انجام دهد. در واقع این مؤلفه تعلیم همدلی به دیگران و آموختن قواعد عام و بی‌طرفانه قضاوت کردن است (اسلامی، ۱۳۸۶).

مؤید این مؤلفه را می‌توان در روایات دید که امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «ای شیخ بیسند برای مردم آنچه برای خودپسندی و بیاور برای مردم آنچه دوست داری برای تو آورند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۲۵). امام صادق علیه السلام: «دوست دارید برای مردم آنچه برای خود دوست دارید» (همان).

امام باقر علیه السلام فرمودند: «خدای تعالی وحی کرد به آدم که من همه خوبی را در چهار کلمه برایت گرد آورم؛ یکی برای من و یکی برای خودت و یکی میان من و تو و یکی میان تو و مردم و آنچه میان تو و مردم است اینکه بیسندی برای مردم آنچه برای خود پسندی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۲۵).

**خود دگرناپسندی امور:** یعنی اینکه فرد منصف امور مورد ناپسند خود را برای دیگران نیز نمی‌پسندد. این مؤلفه یک مؤلفه عاطفی انگیزشی است. این مؤلفه که به صورت یک قاعده است؛ بر حکیمان یونان نیز شناخته شده بود و موافقان و مخالفان بر درستی آن اتفاق نظر داشتند. ایزوکرآتس، شاگرد سقراط و رقیب افلاطون، گفته است: «نسبت به دیگران کاری را انجام مده که اگر نسبت به تو انجام دهند، آزرده شوی» (اسلامی، ۱۳۸۶).

در آیات و روایات به این مؤلفه اشاره شده است. در آیه ۱۰۸ سوره انعام به خوددگر ناپسندی این‌گونه اشاره شده است. چون هتک حرمت و ناسزا گفتن به خداوند متعال، ناپسند مسلمین است، بنابراین به مسلمانان امر شده که به معبودهای کفار ناسزا نگویند؛ «به معبود کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها نیز از روی ظلم و جهل، خدا را دشنام دهند» (انعام، ۱۰۸).

این آیه یکی از ادب‌های دینی را خاطر نشان می‌سازد که با رعایت آن، احترام مقدسات جامعه دینی محفوظ مانده و دست خوش اهانت و ناسزا و یا سخریه نمی‌شود، چون این معنا غریزه انسانی است که از حریم مقدسات خود دفاع نموده با کسانی که به حریم مقدساتش تجاوز کنند به مقابله برخیزد و چه بسا شدت خشم او را به فحش و ناسزای به مقدسات

آنان وادار سازد، چون ممکن بود مسلمین به منظور دفاع از حریم پروردگار، بت‌های مشرکین را هدف دشنام خود قرار داده؛ در نتیجه عصبیت جاهلیت، مشرکین را نیز وادار سازد که حریم مقدس خدای متعال را مورد هتک قرار دهند؛ لذا به آنان دستور می‌دهد که به خدایان مشرکین ناسزا نگویند، چون اگر ناسزا بگویند و آنان هم در مقام معارضه به مثل به ساحت قدس ربوبی توهین کنند در حقیقت خود مؤمنین باعث هتک حرمت و جسارت به مقام کبریایی خداوند شده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۳۴).

در آیات دیگر کسانی که ناپسند خود را برای دیگران می‌پسندند، مورد مذمت و نکوهش قرار می‌دهد. «وای بر کم‌فروشان؛ آنان که وقتی برای خود پیمان می‌کنند، حق خود را به طور کامل می‌گیرند؛ اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمان یا وزن کنند، کم می‌گذارند» (مطففین، ۳-۱). مضمون مجموع دو آیه یک مذمت است و آن این است که مطففین حق را برای خود رعایت می‌کنند؛ ولی برای دیگران رعایت نمی‌کنند. به عبارتی دیگر حق را برای دیگران آن‌طور که برای خود رعایت می‌کنند رعایت نمی‌نمایند، و این خود باعث تباهی اجتماع انسانی است که اساس آن بر تعادل حقوق متقابل است، و اگر این تعادل از بین برود و فاسد شود، همه چیز فاسد می‌شود (همان، ج ۲۰، ص ۳۷۹).

در روایات اسلامی نمونه‌های فراوانی وجود دارد که به مؤلفه خوددگر ناپسندی اشاره شده است؛ که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: «در ادب نفست همین بس که آنچه را از غیر خود ناپسند می‌شماری؛ از آن دوری کنی» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۴۱۲).

این تفسیر چهار مؤلفه‌ای بود که مورد تأیید کارشناسان واقع شد و سه مؤلفه که از نظر کارشناسان مردود شد، شامل: دگردوستی، دگر تقدّم‌گری و برآوردن انتظارات معقول و مشروع است. شرح و تفسیر نحوه چینش و انتخاب سرفصل‌های جلسات آموزشی انصاف: مهارت‌های ارائه شده در تدوین این بسته آموزشی، از خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی که در پرسش‌نامه انریچ آمده، استفاده شده است. در این پرسش‌نامه از ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده است، که شامل: تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندپروری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبانه، و جهت‌گیری مذهبی می‌باشد.

این مهارت‌ها بر اساس سازگاری با مؤلفه‌های تأیید شده انصاف، از منابع دینی استخراج گردید. آموزش مهارت شناخت تفاوت‌های میان فردی، شناخت حقوق زوجین نسبت به

یکدیگر، شناخت توقعات و انتظارات واقع‌بینانه و اصلاح نگرش‌ها نسبت به خود و همسر، همچنین افزایش بینش و نگرش یکسان‌انگاری خود-دیگری می‌تواند بر مقیاس‌های تحریف آرمانی، مسائل شخصیتی و حل تعارض اثر بگذارد. از طرفی این آموزش همراه با توصیه‌های رفتاری در زمینه وظایف و نقش هر یک از زوجین در زندگی زناشویی؛ همچون تقسیم کارهای منزل و تربیت فرزندان، مهارت عفو و گذشت و مهارت کنترل مقایسه رفتار، استعداد، خلق و خُلق همسر با دیگران؛ می‌تواند بر نقش‌های مساوات‌طلبانه اثر گذار باشد. آموزه‌ها و تعالیم دینی در زمینه چگونگی برقراری ارتباط صحیح و اصول آن؛ همچون همدلی نمودن با همسر، ایثار و حس نوع‌دوستی، حسن ظن به همسر و عدم پیش‌داوری، ابراز محبت به او و مهارت‌های رفتاری، مهارت کنترل خشم و عذرخواهی به جهت ارتکاب خطا و اشتباه، اثری مثبت بر عامل ارتباطی در زوجین داشته و افزایش دانش و بینش نسبت به مسائل جنسی می‌تواند بر روابط جنسی زوجین مؤثر باشد.

همچنین دیدگاه اسلام در زمینه مسائل مالی و جهادگونه بودن تلاش مرد برای تأمین معاش و از طرف دیگر، تدبیر و قناعت زن در مسائل اقتصادی (نقش مرد در کسب درآمد و نقش زن در کنترل هزینه‌ها)، می‌تواند اثری مثبت بر مدیریت مالی زوجین داشته باشد. از طرف دیگر، طرح مباحث مربوط به شادی و نشاط و نیز نحوه برقراری ارتباط با دیگران می‌تواند بر خرده مقیاس‌های خانواده و دوستان و اوقات فراغت مؤثر باشد.

برای حضور و مشارکت پویای شرکت‌کنندگان در جلسات آموزشی انصاف و مهارت‌های مرتبط با آن، لازم دانسته شد با ارائه نمونه‌هایی از منابع معتبر دینی و تمرین‌های مختلف در حیطه موضوع انصاف و ابزار بازخورد‌گیری از جلسات؛ استفاده گردد. همچنین با استفاده از تکالیف ارائه شده در هر جلسه با محتوای تأکید شده بر آموزه‌های همان جلسه، خصوصاً با تمرکز بر روابط زوجین و در اکثر مواقع با مشارکت هر دو نفر از زوجین باعث تثبیت این مفاهیم به‌طور اصولی‌تر در شرکت‌کنندگان گردد و علاوه بر این، ماهیت آموزه‌های دینی انصاف به گونه‌ای است که در اکثر موقعیت‌های ارتباطی قابلیت کاربردی دارد و احتمالاً این امر سبب دوام و پایداری بیشتر آنها می‌گردد.

به‌طور کلی، بر اساس یافته‌های دیگر پژوهش‌ها و تأثیری که دین و همچنین انصاف به‌عنوان اینکه یکی از آموزه‌های دینی می‌باشد؛ در رفتار و عملکرد افراد دارد، و نیز با توجه به هویت دینی مردم کشور ما، می‌توان با یادآوری آیات قرآن و احادیث پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام - که سرشار از توصیه‌های کارآمد و متناسب با عصر حاضر، درباره اساسی‌ترین

مسائل خانواده است - مجموعه‌ای کامل به زوجین عرضه کرد تا پاسخگوی همه نیازهای فردی، اجتماعی، روانی و عاطفی، جسمانی و معنوی آنها باشد و به بهبود رضایت زناشویی زوجین منجر گردد و به تبع تعارضات آنان را کاهش دهد.

**ویژگی‌های بسته آموزشی انصاف بر اساس منابع اسلامی:** قبل از بیان محتوای بسته آموزشی انصاف بر اساس منابع اسلامی لازم است، نحوه اجرای جلسات آموزشی که شامل: شرایط شرکت‌کنندگان، مدت زمان اجرای بسته آموزشی، مدت زمان برگزاری هر جلسه، اهداف و نحوه برنامه‌ریزی برای هر جلسه، روش ارائه تکلیف و بازخوردگرفتن از شرکت‌کنندگان مطالبی ارائه می‌شود. سپس به بیان محتوای جلسات اشاره گردد.

**نحوه اجرای جلسات آموزشی انصاف:** ابتدا لازم است زوجینی که واجد شرایط لازم برای شرکت در جلسات آموزشی، می‌باشند، ثبت نام شوند و از آنها تعهد بر شرکت در تمامی جلسات و انجام تکالیف گرفته شود. لازم است مدت زمان کل دوره آموزشی، تعداد جلسات و مدت زمان هر جلسه به اطلاع شرکت‌کنندگان رسیده شود. شرکت‌کنندگان بر اساس شرایط ذیل می‌توانند در جلسات آموزشی ثبت نام کنند که عبارت‌اند از: کلیه زوجینی که دارای تعارضات زناشویی می‌باشند، خواه در آستانه طلاق باشند یا اینکه هنوز به فکر طلاق نیفتاده‌اند، کلیه زوجینی که خواهان تقویت رضامندی از زندگی زناشویی می‌باشند، تمامی زوجینی که تازه زندگی زناشویی را تشکیل داده‌اند.

افرادی که شرایط شرکت در این جلسات آموزشی را ندارند، عبارت‌اند از: زوجینی که هر دو یا یکی از آنها علاقه‌ای به خصلت انصاف ندارند یا اینکه هنوز در دوره‌های تحول‌شناختی از خودمیان‌بینی خارج نشده و به توانایی فرض خود - همان دیگری نرسیده‌اند، زوجینی که همزمان در یک دوره آموزشی یا زوج‌درمانی دیگری مشغول می‌باشند، زوجینی که حداقل یکی از آنها مبتلا به اختلال بارز شخصیتی، اختلال سایکوتیک، اختلال دو قطبی باشد.

جلسات آموزشی انصاف برای کاهش تعارضات زناشویی، در قالب ۱۲ جلسه ۱٫۵ ساعته به تواتر یک جلسه در هفته تنظیم شده است. جلسات آموزشی در سه فاز طراحی شده است هر فاز اهدافی را به دنبال دارد:

فاز اول: آماده‌سازی زوجین با دوره آموزشی و اهداف آن، آشنایی آنها با مفهوم انصاف و اهمیت آن، آشنایی مختصر آنان با حقوق یکدیگر؛ با توجه به اینکه توجه به حقوق دیگری در انصاف از نکات مهم می‌باشد.

فاز دوم: آموزشی مهارت‌هایی که به ایجاد و تقویت توانایی فرض خودمیزان‌گری منجر می‌شود.

فاز سوم: آموزش مهارت‌ها و تکنیک‌هایی که به عملیاتی نمودن دو مؤلفه خوددگرپسندی و خوددگرناپسندی منجر می‌شود.

در هر جلسه باید مطابق با مطالب مطروحه، تکالیفی را ارائه نمود که با موضوع انصاف سازگاری دارد. ضمناً لازم است هر زوج گزارشی از انجام تکالیف ارائه دهند.

نحوه انجام تکلیف باید بدین صورت باشد که اگر در مورد مهارتی سخن گفته می‌شود، هر یک از زوجین مصادیق آن مهارت که خودش آن را می‌پسندد، را در دفترچه‌ای یادداشت کند و سعی نماید آن امور را در طول هفته نسبت به همسرش اجرا نماید. در صورتی که در مواردی شک دارد که آیا آن مورد، از پسندهای همسرش است یا خیر؟، آن را از همسرش سؤال کند، تا نظر او را در مورد این مصداق جویا شود. اگر موردی خلاف پسند او بود، آن را اصلاح نماید. این تکلیف منجر به شناخت پسندها و ناپسندهای یکدیگر نیز می‌شود.

باید از هر زوج نسبت به احساسی که در طول هفته با آموزشی که در جلسه قبل دیده است، بازخورد گرفته شود، تا بدین وسیله هم تشویقی باشد برای شرکت در جلسات و هم در صورت ضعف مطالب، اصلاحات صورت پذیرد.

### معرفی اجمالی محتوای جلسات آموزشی انصاف جدول معرفی ساختار و محتوای طرح‌نمای جلسات آموزشی انصاف

عنوان جلسه	هدف و تکنیک	تکالیف و فعالیت‌ها
جلسه اول: آمادگی و توجیه زوجین، آشناسازی با مفهوم انصاف	<b>هدف:</b> معرفی قوانین جلسات، آشناسازی شرکت‌کنندگان با اهداف و قواعد جلسات <b>تکنیک:</b> ایجاد انگیزه برای رعایت نمودن انصاف در زندگی. و فرمول‌بندی آن در قالب مؤلفه‌های انصاف	-----
جلسه دوم: آشناسازی زوجین با تفاوت‌ها، شباهت‌ها و حقوق زن و مرد	<b>هدف:</b> هشیار کردن و توجه دادن زوجین به اینکه زن و مرد در بسیاری از امور یکسان هستند و تفاوت‌ها مانع از یکسان‌انگاری خود-دیگری نمی‌شود. <b>تکنیک:</b> آشناسازی زوجین با شباهت‌ها و تفاوت‌های زن و مرد، تعیین حقوق و وظایف هر یک از زوجین در برابر یکدیگر و اینکه با شناخت حقوق می‌شود به یکسان‌انگاری رسید. کنترل انتظارات و توقعات از یکدیگر.	هر یک از زوجین انتظارات معقول و غیرمعقول خود را در دفترچه‌ای یادداشت نمایند و با توجه به اینکه انتظارات غیرمعقول ناپسند همسرش می‌باشد، سعی در اصلاح آنها داشته باشند.



تکالیف و فعالیت‌ها	هدف و تکنیک	عنوان جلسه
<p>هریک از زوجین در مورد هر یک از موضوعات همدلی، ایثار، حسن ظن و عدم پیش داوری به طور جداگانه تفکر نماید؛ نحوه همدلی، ایثار، حسن ظن و عدم پیش داوری که می‌پسندد تا همسرش نسبت به او بنماید را در دفترچه‌ای یادداشت نماید سپس آن یادداشت‌ها را به صورت عملی نسبت به همسرش اجرا کند. + یادداشت گزارش تأثیر این کار در زندگی‌اش.</p>	<p><b>هدف:</b> بیدارسازی وجدان اخلاقی در بین زوجین و تقویت توانایی فرض خودمیزان‌گری. <b>تکنیک:</b> آموزش مهارت‌های ارتباط کلامی و غیرکلامی، چشم پوشی از نیازهای خود و توجه به همسر و نیازهایش، تقویت بینش مثبت‌نگری.</p>	<p><b>جلسه سوم و چهارم:</b> آشناسازی زوجین با موضوع همدلی، ایثار، حسن ظن و عدم پیش داوری</p>
<p>هر یک از زوجین نحوه محبتی که می‌پسندد تا همسرش نسبت به او بنماید را در دفترچه‌ای یادداشت نماید سپس آن یادداشت‌ها را به صورت عملی نسبت به همسرش اجرا کند. + یادداشت گزارش تأثیر این کار در زندگی‌اش.</p>	<p><b>هدف:</b> عملیاتی نمودن قوه فرض خودمیزان‌گری. <b>تکنیک:</b> توجه و همدلی نمودن زوجین به یکدیگر، استحکام بنیان زندگی زوجین.</p>	<p><b>جلسه پنجم:</b> عملیاتی نمودن قوه فرض خودمیزان‌گری</p>
<p>هر یک از زوجین ابتدا نحوه مهارت‌های رفتاری (خوش خلقی، خوش‌گویی و خوش‌رویی) که می‌پسندد تا همسرش نسبت به او بنماید را در دفترچه‌ای یادداشت نماید سپس آن یادداشت‌ها را به صورت عملی نسبت به همسرش اجرا کند. + یادداشت گزارش تأثیر این کار در زندگی‌اش.</p>	<p><b>هدف:</b> ایجاد پایداری و رضامندی در زندگی زناشویی و تعامل مثبت و سازنده بین زوجین. <b>تکنیک:</b> آموزش مهارت‌های رفتاری.</p>	<p><b>جلسه ششم:</b> مهارت‌های رفتاری</p>
<p>هر یک از زوجین نحوه عفو و گذشتی که می‌پسندد، تا همسرش نسبت به او بنماید را در دفترچه‌ای یادداشت نماید سپس آن یادداشت‌ها را به صورت عملی نسبت به همسرش اجرا کند. + یادداشت گزارش تأثیر این کار در زندگی‌اش.</p>	<p><b>هدف:</b> ایجاد کامیابی و شادکامی در زندگی زناشویی. <b>تکنیک:</b> آموزش نحوه عفو و گذشت و از یاد بردن خطای دیگری</p>	<p><b>جلسه هفتم:</b> عفو و گذشت</p>
<p>هر یک از زوجین مساوات در تقسیم کارهای منزل و تربیت فرزند و . . که می‌پسندد، تا همسرش نسبت به او انجام دهد را در دفترچه‌ای یادداشت نماید سپس آن یادداشت‌ها را به صورت عملی نسبت به همسرش اجرا کند. + یادداشت گزارش تأثیر این کار در زندگی‌اش.</p>	<p><b>هدف:</b> تعیین نقش‌ها و وظایف هر یک از زوجین و ایجاد جاذبه در زندگی. <b>تکنیک:</b> آموزش نحوه تقسیم کارهای منزل.</p>	<p><b>جلسه هشتم:</b> مساوات و تقسیم کارهای منزل و تربیت فرزند</p>

عنوان جلسه	هدف و تکنیک	تکالیف و فعالیت‌ها
جلسه نهم: مهارت‌های اقتصادی	<b>هدف:</b> مساوات در درآمدها و هزینه‌های زندگی. <b>تکنیک:</b> تشویق مرد در جهت توسعه در زندگی، تشویق زن در جهت قناعت در زندگی.	مرد خود را جای همسرش فرض نماید و آن‌گونه که می‌پسندد، تا همسرش کسب درآمد نماید و در زندگی توسعه دهد، را در دفترچه‌ای یادداشت نماید سپس آن یادداشت‌ها را به صورت عملی اجرا کند، زن نیز؛ خود را جای همسرش فرض نماید و آن‌گونه که می‌پسندد، تا همسرش کنترل هزینه‌ها نماید و قناعت در زندگی داشته باشد، را در دفترچه‌ای یادداشت نماید سپس آن یادداشت‌ها را به صورت عملی اجرا کند. + یادداشت گزارش تأثیر این کار در زندگی‌اش.
جلسه دهم: مساوات در برقراری روابط جنسی و ایجاد شادی در زندگی	<b>هدف:</b> مساوات در روابط جنسی و نشاط در زندگی. <b>تکنیک:</b> توجه دادن زوجین به آنچه همسرش در روابط جنسی می‌پسندد و اینکه اهمیت بدهد به نظافت، آراستگی، زیبایی و...، توجه زوجین به ایجاد نشاط و شادی برای یکدیگر.	توصیه به زوجین در عملی نمودن وظایف جنسی خود نسبت به همسرش، و هر یک از زوجین در مورد نظافت، آراستگی و همچنین ایجاد نشاط در زندگی که می‌پسندد، تا همسرش نسبت به او انجام دهد را در دفترچه‌ای یادداشت نماید سپس آن یادداشت‌ها را به صورت عملی نسبت به همسرش اجرا کند. + یادداشت گزارش تأثیر این کار در زندگی‌اش.
جلسه یازدهم: مؤلفه‌های خوددگر ناپسندی و تکنیک مهارت‌های کنترل خشم، عذرخواهی به جهت ارتکاب خطا.	<b>هدف:</b> تقویت انصاف زوجین در هنگام خشم، تقویت انصاف زوجین در هنگام سرزدن خطا و اشتباه از سوی خود. <b>تکنیک:</b> آموزش مهارت‌های کنترل خشم.	هر یک از زوجین رفتار خشمگینی که نمی‌پسندد، تا همسرش نسبت به او انجام دهد را در دفترچه‌ای یادداشت نماید سپس سعی نماید که آن رفتار را نسبت به همسرش ترک کند. + یادداشت گزارش تأثیر این کار در زندگی‌اش.
جلسه دوازدهم: کنترل مقایسه، و نحوه ارتباط با بستگان	<b>هدف:</b> توجه زوجین به مدیریت کنترل مقایسه رفتار، استعداد، خلق و خُلق همسر با دیگران، عدم تأثیرپذیری زوجین از بستگانشان. <b>تکنیک:</b> توجه دادن زوجین به ویژگی‌های مثبت همسر خود.	هر یک از زوجین رفتار، استعداد، خلق و خُلقش که نمی‌پسندد، تا همسرش نسبت به دیگران مقایسه نماید؛ را در دفترچه‌ای یادداشت نماید سپس سعی نماید که آن رفتار را نسبت به همسرش ترک کند. + یادداشت گزارش تأثیر این کار در زندگی‌اش.

### محدودیت‌های پژوهش

از آنجا که هدف پژوهش حاضر صرفاً تدوین بسته آموزشی انصاف برای کاهش تعارضات زناشویی بر اساس منابع اسلامی می‌باشد؛ در نوع خود تازه و بدیع است. متأسفانه در مورد مفهوم انصاف اسلامی و خصوصاً در رویکرد اخلاقی آن چندان کار تحقیقاتی دقیقی صورت نگرفته است.

بستر جلسات آموزشی انصاف می‌تواند برخی از خلأها را حداقل در زندگی زناشویی، جبران نماید. با این حال این پژوهش همانند بسیاری از پژوهش‌های دیگر با محدودیت‌هایی مواجه بوده است.

سلسله اسناد روایاتی که مبنای شکل‌گیری و تدوین محتوای جلسات آموزشی انصاف شده‌اند مورد بررسی قرار نگرفته است. البته سعی شده در تدوین بسته آموزشی، علاوه بر آیات قرآن کریم، از منابع دست اول روایی استفاده شود.

با توجه به اینکه هدف این پژوهش صرفاً تدوین بسته آموزشی انصاف بود؛ بسیاری از معایب کار با اجرای بسته آموزشی، خود را نمایان می‌نماید؛ لذا عدم اجرا محاسن و معایب را مخفی نموده است. امید است در آینده خود پژوهشگر یا افراد دیگر با اجرای این بسته آموزشی این خلأ را برطرف نمایند.

تمام یافته‌های نظری محتوای جلسات آموزشی انصاف، به جهت محدود بودن روایات باب انصاف، لزوماً از منطوق صریح موضوع انصاف نبوده، بلکه در بسیاری از موارد از مفهوم و لوازم انصاف استفاده شده است.

### پیشنهاد‌های پژوهش

به مجریان این بسته آموزشی پیشنهاد می‌شود:

با در نظر گرفتن این نکته که پیشگیری بهتر از درمان است، پیشنهاد می‌شود در جهت کاهش آمار طلاق و اختلافات زوجین و همچنین افزایش رضامندی آنان، جلسات آموزشی انصاف برای افرادی که در شرف تشکیل زندگی می‌باشند، با الزام دستگاه‌های مرتبط با خانواده، به اجرا درآید.

استفاده مجریان از پرسش‌نامه‌های رضایت زناشویی قبل از برگزاری جلسات و در اثنای دوره آموزشی، می‌تواند علایق زوجین به شرکت در این دوره آموزشی بیشتر نماید.

## منابع

- **قرآن کریم.**
- **صحیفه سجادیه** (۱۴۱۸ق). قم: الهادی.
- أحمد بن فارس بن زکریاء القزوینی الرازی، أبو الحسین (۱۳۹۹ق)، **مقاییس اللغة**، ج ۵، بیروت: دارالفکر.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول**، ترجمه: بهراد جعفری (۱۳۸۰)، تهران: اسلامیه.
- احمدی، سید جواد (۱۳۹۱). «معیار عدالت توزیعی و نسبت آن با انصاف و برابری با تأکید بر اخلاق حکومتی امام علی علیه السلام»، **فصلنامه علمی-پژوهشنامه اخلاق**، سال پنجم، شماره ۱۸، ص ۵۳-۷۶.
- احمدیه، مریم (۱۳۷۸)، «خانواده، معروف، مساوات»، **مطالعات راهبردی زنان**، شماره ۶، ص ۹۹-۱۰۶.
- اسلامی، سید حسین (۱۳۸۶)، «قاعده زرین در حدیث و اخلاق»، **علوم حدیث**، سال دوازدهم، شماره ۴۵ و ۴۶، ص ۳-۵.
- امانی، احمد و لطافتی بریس، رامین (۱۳۹۲)، «اثر بخشی آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین»، **مشاوره کاربردی**، شماره ۶، ص ۱۷-۳۶.
- امانی‌پور، مونا (۱۳۸۹)، **انصاف در قرآن و حدیث**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- امینی، ابراهیم (۱۳۷۸)، **همسر داری**، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- امینی، اعظم (۱۳۹۵)، «بازاندیشی رابطه انصاف و حقوق»، **پژوهش حقوق خصوصی**، سال پنجم، شماره ۱۶، ص ۳۱-۵۶.
- بارکر، فیلیپ، **خانواده درمانی پایه**، ترجمه: محسن دهقانی و زهره دهقانی (۱۳۸۸)، تهران: رشد.
- باقرزاده، رضوان؛ میرعباسی، سید باقر و کدخدایی، عباسعلی (۱۳۸۸)، **مفهوم و جایگاه انصاف در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، رشته حقوق بین‌الملل.
- بهاری، رزاق (۱۳۸۹)، **روان‌شناسی خودگویی و نقش آن در تعارضات زناشویی**، تهران: تزکیه.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۱)، **رضایت زناشویی**، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، **غررالحکم و دررالکلم**، قم: دارالکتاب اسلامی.
- جبار گل‌باغی ماسوله، سید علی (۱۳۷۸)، **درآمدی بر عرف**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
- رشیدی، فرنگیس (۱۳۹۲)، **آسیب‌شناسی روابط درون خانواده**، تهران: وانیان.
- سالاری‌فر، محمد رضا (۱۳۸۸)، **درآمدی بر نظام خانواده در اسلام**، قم: هاجر.

- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۴)، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، تهران: سمت.
- سالاری فر، محمدرضا؛ شجاعی، محمدصادق؛ موسوی اصل، سید مهدی و دولت‌خواه، محمد (۱۳۸۹)، *بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹)، قم: الهادی.
- David, P. ; Stafford, L. (2015). “A Relational Approach to Religion and Spirituality in Marriage: The Role of Couple’s Religious Communication in Marital Satisfaction”, in: *Journal of Family Issues* , 36 (2): 232-249.
- Fuller, J. N. ; Frost, A. M. H. ; & Burr, B. K. (2015). “Exploring the Impact of Religiosity and Socioeconomic Factors on Perceived Ideal Timing of Marriage in Young Adults”, in: *Journal of Student Research* , 4 (1): 120-129.
- Mahoney, A. ; Cano, A. (2014). “Introduction to the Special Section on Religion and Spirituality in Family Life: Pathways between Relational Spirituality, Family Relationships and Personal Well-being”, in: *Journal of Family Psychology*, 28 (6): 735–73.
- Perry, geramy. (2006) “family Life, Religion and Religious Practice in an Asian Adventist Context Part I: The People and Their Religious Practice”, *Journal info*, 9(71): 875-893.
- Rauer, A. , & Volling, B. (2015). “The Role of Relational Spirituality in Happily-married Couples’ Observed Problem-solving”, in: *Journal of Psychology of Religion and Spirituality* , 7 (3): 239-249.



# اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ (ص ۵۵-۷۷)

## مبانی خانواده درمانی بر اساس منابع اسلامی

### Fundamentals of family therapy based on Islamic sources

میرتضی عزیزی / طلبه سطح ۴ مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ایران.  
محمد رضا احمدی / دکتری روان شناسی، استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.  
محمد رضا سالاری فر / دکتری روان شناسی، استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

**Morteza Azizi** / PHD student of Imam Ali Ibn Abi Talib, Quran Center, Qom, Iran.

**Mohammad Reza Ahmadi** / PhD in Psychology, Assistant Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

**Mohammad Reza Salarifar** / PhD in Psychology, Assistant Professor, Research Institute of howzeh and university, Qom, Iran.

#### Abstract

The present research aims at recognizing the principles of family therapy based on Islamic resources. The research, which is a foundational-theoretical one, uses a descriptive-analytical method and gathers data from Islamic resources to answer the questions on the nature of the principles of family therapy. To compose the research, we have inferred the principles from the Quran and the traditions. The final findings of the research show that the family therapy based on the Islamic sources enjoys the followings: God-centerism, modeling on the Profet and the Imams, imploration, belief in resurrection, optimism, patience and resistance, religiosity, cleanness and purity, chastity, respecting one's wife and children, gratitude, flexibility in life (compromise and leniency, forgiveness and mercy, apology and excuse), preserving the family's status and observing family's limits, tolerance and tactics, accepting criticisms, healthy dialogue and accompaniment, civility and affection, sympathy, agreement and

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی اصول خانواده درمانی بر اساس منابع اسلامی است. این تحقیق بنیادی-نظری، با روش توصیفی-تحلیلی و روش استنباط از آیات قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد اصول خانواده درمانی اسلامی عبارت‌اند از: خدامحوری، اعتقاد به معاد، خوش بینی و خوش گمانی، صبر و استقامت. دین‌مداری، پاکیزگی و آراستگی، عفت‌ورزی، تکریم همسر و فرزندان، سپاس‌گزاری و قدردانی، نرمش در زندگی، حفظ و رعایت جایگاه‌ها و مرزها، تحمل و تدبیر، انتقادپذیری، گفتگو و هم‌نشینی سالم، نیک‌رفتاری و محبت‌ورزی، همدلی، توافق و تفاهم، راستگویی، یکرنگی و امانتداری، نفی خشونت، مشاوره، حکمیت، ارضای صحیح و متعادل غریزه جنسی،

mutual understanding, honesty, sincerity and trustworthiness, negating violence, consultation, judgment, right fulfillment of sexual desire, reasonable management of family, nurturing children, observing other's rights and performing one's duties, women's obeying their husbands, Islamic behavior towards one's spouse, liability towards giving up the harmful factors, observing the jurisprudential and moral limits in family therapy. Besides, the duties and rights of the family members and family impairments were extracted from Islamic sources and presented in the discussion.

**keywords:** Principles of family therapy, Islamic sources, god-centeredness, duties, religiosity

مدیریت متعادل خانواده، حفظ فرزند و فرزندپروری، رعایت حقوق و انجام وظایف، فرمانبرداری زن نسبت به شوهر، برخورد اسلامی با همسر ناسازگار، التزام به ترک عوامل آسیب‌زا، رعایت حدود فقهی و اخلاقی در مداخلات خانواده‌درمانی. شایسته است پژوهش‌هایی که به دنبال تدوین نظریه‌های خانواده‌درمانی با رویکرد اسلامی هستند، به این اصول توجه کنند و در تدوین اهداف و تکنیک‌ها این اصول را رعایت نمایند.

**کلید واژه‌ها:** اصول خانواده‌درمانی، منابع اسلامی، خدامحوری، وظایف، دین‌مداری.

## مقدمه

خانواده نقش مهمی در رشد معنوی آدمی دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید» (روم، ۲۱) و از آنجا که ادامه این پیوند در میان همسران، نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می‌کند: «و در میان شما مودت و رحمت قرار داد» و در پایان آیه برای تأکید بیشتر می‌فرماید: «در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱۶، ص ۳۹۱). خانواده مهم‌ترین و اصیل‌ترین نهاد اجتماعی است، نهادی که بستر بسامانی‌ها و نابسامانی‌ها، راستی‌ها و ناراستی‌ها، خوشبختی‌ها و بدبختی‌هاست. ادراک درست و رویکردی صحیح به خانواده و ابتدای سلوک خانوادگی بر اصول اسلامی، بهترین زمینه را برای کمال فرد و جامعه فراهم می‌کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

در عصر حاضر، در اثر گستردگی ارتباطات و سهولت‌آشنایی با فرهنگ‌های مختلف، نظام خانواده، سبک‌های زندگی، روابط مناسب با همسر، تربیت فرزندان و دیگر جنبه‌های خانواده تحت تأثیر فرهنگ‌های غیراسلامی، دائماً در حال تغییر است و استحکام خانواده در معرض خطر قرار گرفته است. این حقیقت تلخ که در گزارش انجمن روان‌پزشکی آمریکا و طبقه‌بندی تشخیصی (DSM)<sup>۱</sup>،

1. Diagnostic and Statistical Manual at Mental Disorder.



مسائل و مشکلات زناشویی و خانوادگی یکی از بالاترین علل رجوع به کلینیک‌ها و مراکز مشاوره ذکر شده، گواه این مدعا است (نوابی نژاد، ۱۳۸۰).

به دلایل فوق، اصلاح روابط بین فردی اعضای خانواده در جهت حل مشکلات و مسائل اعضا، مورد توجه روان‌درمانگران و مشاوران قرا گرفته است. در اواخر دهه ۱۹۴۰م و اوایل دهه ۱۹۵۰م، یعنی بعد از جنگ جهانی دوم و گردهمایی مجدد اعضای خانواده بعد از جدایی‌ها، رویکردی با عنوان «خانواده‌درمانی» شکل گرفت (بهاری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۳). پس از چند دهه رشد خانواده‌درمانی، توجه به جنبه‌های معنوی خانواده، درمان‌گران را وارد فضای جدیدی از مداخله‌ها کرد که در آن، نه تنها به دینداری زوج‌ها می‌پردازند، بلکه از آن برای حل سایر ابعاد ارتباطی آنان استفاده می‌کنند (والش<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹م، به نقل از سالاری فر، ۱۳۹۳، ص ۵). در متون اسلامی آموزه‌های پر شماری وجود دارد که از جهات مختلف، به تحکیم نهاد خانواده پرداخته است. قرآن کریم و احادیث اسلامی در مسائل اخلاقی، اجتماعی، تربیتی، روان‌شناختی، اقتصادی خانواده و نظایر آن فراوان سخن گفته‌اند که استخراج این مضامین، به صورت دقیق و تخصصی و بهره‌گیری از آن در زندگی، در پیشگیری از آسیب‌ها و مشکلات خانواده و درمان آن، تأثیر بسزایی خواهد داشت؛ اما به نظر می‌رسد خانواده‌درمانی اسلامی، نیازمند مبانی و اصولی است که این پژوهش، درصدد تدوین آن است.

در اصطلاح، مبانی و اصول متفاوتند. مبانی<sup>۲</sup> عبارت است از «باورهای کلی و هست و نیست‌های مبتنی بر منابع اسلامی در حوزه خانواده» و اصول<sup>۳</sup> بایدها و نبایدها و قواعد عامه‌ای است که از این مبانی استخراج می‌شوند و دستورالعمل‌های کلی خانواده‌درمانی به شمار می‌آیند. خانواده<sup>۴</sup> «از عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین یک مرد و دست کم یک زن شکل می‌گیرد و در آن، مناسبات خونی یا اسناد یافته (پذیرش فرزند) به چشم می‌خورد، معمولاً دارای نوعی اشتراک مکانی است و معمولاً کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی، تربیتی و جز اینها را بر عهده دارد» (سالاری فر، ۱۳۹۰، ص ۱۳). «خانواده‌درمانی<sup>۵</sup> انجام مداخله‌ها برای درمان خانواده به‌عنوان یک گروه است. در این

1. Walsh.

2. Bases.

3. Principles.

4. Family.

5. Family therapy.

نوع درمان، آسیب‌شناسی یا بیماری یکی از اعضای خانواده، انعکاس پاتولوژی یا اختلالات عمیق‌تر در سیستم خانواده تلقی می‌شود؛ لذا خانواده، واحد درمانی به حساب می‌آید و تغییر تعامل خانواده، راه تغییر عضو بیمار محسوب می‌شود» (تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴). مقصود از منابع اسلامی،<sup>۱</sup> آموزه‌های اسلام است که به اتفاق نظر همه اسلام‌شناسان، از دو منبع قرآن و سنت به دست می‌آید. قرآن، کتاب آسمانی همه مسلمانان و سنت، نزد شیعیان اثنی عشری، شامل گفتار و رفتار و تقریر همه چهارده معصوم (پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام و یازده امام پس از ایشان) است.

### روش پژوهش

این تحقیق، براساس ماهیت و نحوه انجام، توصیفی و بر اساس شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده، کیفی است. داده‌ها از منابع اسلامی شامل آیات قرآن کریم و احادیث معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام در حوزه خانواده و خانواده‌درمانی جمع‌آوری و تحلیل شده است. سپس در قالب اصول ارائه گردید. این اصول بر اساس آنچه در اصلاح ابعاد شناختی، رفتاری و عاطفی اعضای خانواده، مؤثر است، ارائه شده است. بنابراین این اصول در تعیین اهداف و تکنیک‌های خانواده‌درمانی مؤثرند و خانواده‌درمانی اسلامی را از رویکردهای دیگر متمایز می‌کنند.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان داد اصول مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی عبارت‌اند از:  
**خدامحوری:** ایمان به خداوند آثار متعددی در رفتار انسان و اعضای خانواده دارد و هریک به شیوه‌ای خاص بر کارآمدی خانواده اثر می‌گذارد. فردی که خدا را همواره ناظر بر اعمال خود می‌بیند (حدید، ۴) و بر اساس کلام وحی، آفریدگارش را از رگ گردن به خود نزدیک‌تر می‌بیند (قاف، ۱۶) می‌کوشد در برخورد با دیگر اعضای خانواده و ادای وظایف و رعایت حقوق، رضایت او را جلب کند. توجه به رحمت و مهربانی گسترده خداوند (اعراف، ۱۵۱ و ۱۵۶، و یوسف، ۶۴ و انبیا، ۸۳) در تقویت عواطف مثبت اعضای خانواده نسبت به هم بسیار مؤثر است. توکل بر خداوند و تسلیم و رضایت به مقدرات الهی در حوادث غیرقابل جبران، می‌تواند در مشکلات اقتصادی، بیماری‌ها و بلاها، به افراد پایداری و آرامش مطلوبی

1. Islamic sources.

دهد. به این شکل اعضای خانواده در مشکلات به جای درگیری و مقصّر شمردن همدیگر، به حمایت روانی یکدیگر می‌پردازند. ایمان به خدا موجب خوش بینی، امیدواری و کاهش غم و اندوه در زندگی است (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۰).

**الگوگیری از پیامبر و امامان:** برای تشکیل خانواده‌ای کارآمد و تنظیم روابط و نوع رفتارها، همانندسازی با انسان‌هایی که آموزه‌های دینی به‌طور کامل در آنها تجلی یافته، ضروری است. قرآن کریم، برای کارایی بهتر رفتارهای فردی و خانوادگی و دستیابی به کمال و رشد، دعوت می‌کند که پیامبر را در زندگی خود الگو قرار دهند: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند»<sup>۱</sup> (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۲). همچنین در این جهت، رفتار اولیای دین، از اولین تا آخرین مرحله زندگی خانوادگی درس آموز است؛ مانند: گزینش همسر، مهریه و جهیزیه، مراسم ازدواج، آداب معاشرت در همه ابعاد، روش برخورد با فرزندان؛ همچنین برخورد با والدین الگوی قابل اعتماد و کاملی است (سالاری فر، ۱۳۹۰).

**توسّل:** توسّل به پیامبر و امامان به معنای شفیع قرار دادن آنها نزد خداست. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۳). در مواقعی که خانواده دچار مشکلات سخت یا بحران‌های رنج‌آور می‌شود، دستور به توسّل به خاندان رسالت شده است. پیامبر ﷺ فرمودند: «محمّد و خاندان او را در بحران‌ها و سختی‌هایتان یاد کنید» (مجلسی، ج ۶۰، ص ۲۷۱). از این رو، توسّل به این خاندان، سبب تحکیم بنیاد خانواده می‌شود (بنائیان، ۱۳۹۳).

**اعتقاد به معاد:** باور به زندگی پس از مرگ و پاداش‌ها و مجازات‌های اخروی، عامل بازدارنده و تشویق‌کننده مهمی در رفتارهای زمینه‌ساز اختلافات یا پیشگیری‌کننده آنهاست (سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳۳۴). باور به هدفمندی آفرینش و وجود جهان آخرت و معاد پس از مرگ بر همه ابعاد زندگی انسان‌ها تأثیرگذار است و از آنجا که معادباوری، از باورها و ارزش‌های خانواده متعالی و کارآمد بر مبنای منابع اسلامی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، بستان، ۱۳۹۰)، این باور، به زندگی معنا می‌دهد، احساس مسئولیت و روحیه تلاش ایجاد می‌کند، بازدارنده و مهارکننده است، مصائب، محرومیت‌ها و سختی‌ها را قابل پذیرش می‌نماید و توجه به پاداش‌های اخروی در برابر مشکلات زندگی را در پی خواهد داشت (سالاری فر، ۱۳۸۹).

**خوش‌بینی و خوش‌گمانی:** انسان مؤمن، جهان را به نور حق و حقیقت روشن می‌بیند (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۰). افراد خوش‌بین و موفق، مشکلات را نردبانی برای صعود یا مانعی در نظر می‌گیرند که شتاب انسان را بیشتر می‌کند. امتحان دانستن سختی‌ها و مشکلات نیز به همین معناست که فرد برای قبول شدن، ترقی و رشد باید این امتحان و موانع را پشت سر بگذارد (نوری و بی‌ریا، ۱۳۸۸). اولیای دین به طرق مختلف افراد را به خوش‌بینی نسبت به خدا تشویق کرده‌اند (سالاری‌فر، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹). در احادیث، خوش‌بینی مایه آرامش قلب و روان انسان و کاهنده اندوه معرفی شده است و آثار دیگری چون: موفقیت در زندگی، آسان شدن کارها، هموارسازی عبادت و رهایی از گناه برای آن بر شمرده‌اند (نوری و جان‌بزرگی، ۱۳۸۷).

**خوش‌بینی به زندگی:** خوش‌گمانی نسبت به رفتار و شخصیت دیگران را هم در پی خواهد داشت و موجب محبت‌ورزی میان افراد خواهد ردید. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «هر کس به دیگران خوش‌گمان باشد، محبت آنان را به خود جلب می‌کند» (محمدی‌ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۱۱، ص ۲۵۴). امام صادق علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «به برادرانتان خوش‌گمان باشید تا قلبتان زلال و جانتان بالنده شود» (مجلسی، ج ۷۲، ص ۱۹۶).

**صبر و استقامت:** امام علی علیه السلام با توجه دادن به تدریجی بودن تغییرات و فراز و نشیب داشتن روزگار، می‌فرمایند: «صبر بهترین یاور در برابر روزگار است» (محمدی‌ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۱۴۶). نیز ایشان ایمان را صبر و شکیبایی معنا کرده‌اند (همان). در روایات، مصادیق خاص صبر و استقامت در فضای خانواده بیان شده است. یکی از این مصادیق، صبر بر بداخلاقی همسر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؟ فرمودند: «هر کس بر بداخلاقی زنش صبر کند، خداوند اجر صبر ایوب را به او عطا می‌کند و هر کس بر بداخلاقی شوهرش صبر کند، خداوند پاداش آسیه همسر فرعون را به او می‌دهد» (مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷). مورد دیگر، هزینه کردن بدون منت نهادن است. مرد خانه، با زحمت، کسب درآمد می‌کند؛ اما در هزینه کردن آن نباید دچار منت‌گذاری بر اعضای خانواده گردد و باید سختی کسب و زمان‌بری پس‌انداز و راحتی و دفعی بودن هزینه کردن را تاب بیاورد. امام علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند: «شکیبایی فرد عیال‌وار به چیست؟ حضرت فرمودند: به سبب نفقه دادن و خرج کردن برای خانواده‌اش بر آنها منت ننهد» (متقی هندی، ج ۱۶، ص ۲۸۴). صبر و استقامت در زندگی خانوادگی، پیامدها و ثمرات بسیاری دارد که در روایات به «گشایش، توفیق و کامیابی» (مجلسی، ج ۷۱، ص ۶۹ و ۹۶)، «پشتیبانی و سامان‌یابی» (آمدی، ج ۱، ص ۳۴۶)، «صلح و آشتی» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۲۷)، «کاهش مصیبت و اندوه و سختی» (آمدی،

ج ۱، ص ۴۱ و ص ۲۹۷)، «دفع آسیب و گرفتاری» (همان، ص ۴۶) و «فرصت‌سازی» (همان، ص ۷۲) اشاره شده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۴۷۰-۴۷۷).

### اصول مبتنی بر مبانی انسان‌شناختی

**دین‌مداری:** رفتارها و باورهای دینی، تأثیر مشخصی در معنادار کردن زندگی افراد دارند (احمدی و هراتیان، ۱۳۹۱). بهترین پاسخ به معناگرایی انسان، گرایش به دین‌مداری در زندگی است؛ چرا که دین، خداوند را عالی‌ترین معنای زندگی معرفی می‌کند (بقره، ۱۳۸). دین‌مداری در سه بستر کلی، رضایت از زندگی را به ارمغان می‌آورد: الف. باورهای رضامندی؛ ب. زمینه‌های رضامندی بر اساس آموزه‌های دینی؛ ج. مهارت‌های مقابله با تنیدگی در بستر دین (نوری و سقایی بی‌ریا، ۱۳۸۸). گستره دین‌مداری، در حوزه‌های احکام، اخلاق و عقائد است (امام خمینی، ۱۳۷۱، ص ۳۸۹). برگزاری عبادات از جمله نماز، روزه و دعا نیز می‌تواند عامل پیشگیرانه و در عین حال مشوقی برای تحکیم روابط مناسب در خانواده و جلوگیری از اختلافات باشد (سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳۳۴).

**پاکیزگی و آراستگی:** یکی از نیازهای اساسی زندگی مشترک، تأمین زیبایی دوستی و آراسته‌سازی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۶). در آموزه‌های دینی مصادیقی برای آراستگی همسران بیان شده است. این مصادیق برای زوجین مشترک است و مختص به زنان نیست و هر دو باید به رعایت آن اهتمام ورزند هرچند شکل آن بسته به جنسیت، تفاوت‌هایی دارد. عدم آراستگی مردان و عدم توجه آنها به آمادگی در مقابل همسرانشان موجب بی‌عفتی و بی‌مبالاتی زنان خواهد شد (مجلسی، ج ۷۳، ص ۱۰۰). در روایات از جمله مصادیق پاکیزگی و آراستگی به شستشو و نظافت بدن (عاملی، ج ۱، ص ۲۴۷)، استعمال عطر و خوش‌بوئی (همان، ج ۷، ص ۳۶۴)، آراستگی مو (همان، ج ۲، ص ۲۹)، نظافت دهان و دندان (همان، ص ۱۶)، لباس تمیز و زیبا پوشیدن (همان، ج ۷، ص ۵۱۴)، نظافت ناخن (همان، ج ۲، ص ۱۴۳)، استفاده از زیورآلات (همان، ج ۵، ص ۹۰) اشاره شده است.

**عفت‌ورزی:** انسان گرایش به زیبایی دارد؛ اما قرآن کریم، زیبایی‌ای را معرفی می‌کند که حقیقی نیست و تنها در نفس و ذهن برخی از انسان‌ها جا دارد (یوسف، ۱۸) یا در اثر اغواگری شیطان، برخی از رفتارهای نادرست، زیبا جلوه کرده است (انعام، ۴۳). جلوه‌گری برای نامحرمان و ارتباط نامشروع با آنان و رعایت نکردن پوشش مناسب، از این‌گونه زیبا انگاری‌ها در رفتار زنان و مردان است. آنچه به‌عنوان راهکار برای کنار زدن گرایش به این

نوع زیبا انگاری‌ها مطرح است، عفت‌ورزی است. امام علی علیه السلام زکات زیبایی را عفت‌ورزی می‌دانند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۴۵۱). امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: «نسبت به زنان مردم عفت و ورزید، تا نسبت به زنان شما عفت و ورزند» (همان). همچنین علی علیه السلام نتیجه عفت‌ورزی را، صیانت نفس و دور نگه داشتن آن از پستی‌ها عنوان می‌کنند (همان).

**تکریم همسر و فرزندان:** بر مبنای کرامت ذاتی انسان، اعضای خانواده باید مورد تکریم قرار گیرند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «سعادت مند زنی است که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده، اذیتش نکند و از او در همه حالات اطاعت و فرمانبرداری نماید» (مجلسی، ج ۷۹، ص ۱۳۷). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره اکرام زن می‌فرمایند: «کسی که زنی را به همسری انتخاب می‌کند، باید او را تکریم کند و منزلت او را حفظ نماید» (همان، ص ۲۲۴). همچنین ایشان، نسبت به اعضای خانواده و فرزندان و کودکان خانواده حساس بودند و مواظب بودند که کودکان دچار شکست روانی نشوند تا کرامتشان آسیب نبیند. آن حضرت در تمام مراحل رشد فرزندان، رفتارهای کریمانه و محترمانه را پاس می‌داشت (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۹). برخی از نمودها و مصادیق تکریم و احترام متقابل در احادیث، سلام کردن به همدیگر، استقبال و بدرقه، رعایت ادب در برخورد و معاشرت پسندیده و نیکو (پناهی و شریفی، ۱۳۸۸)، تحسین و ابراز علاقه و توجه همه‌جانبه و از سر علاقه‌مندی (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸) بیان شده است.

**سپاسگزاری و قدردانی:** توجه به کرامت انسان‌ها، سپاسگزاری و قدردانی از آنها را در مقابل خوبی‌هایشان در پی خواهد داشت. (محدثی، ۱۳۷۸). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بهترین زنان شما آن بانویی است که اگر به او چیزی دهند (و یا خدمتی کنند) سپاسگزاری می‌کند و چنانچه از او باز گیرند، راضی و خشنود می‌شود» (پناهی و شریفی، ۱۳۸۸). سپاس‌گزاری، یکی از اصول اساسی صمیمیت و از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت خانواده و رضایت زناشویی است. از این‌رو، در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «خداوند همسری روزی‌ام گردان که ... اگر نیکی کردم، سپاس گوید» (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱). سپاسگزاری از همسر به صورت‌های گوناگونی محقق می‌شود که می‌توان آنها را در دو قالب اصلی گفتاری و رفتاری قرار داد (حسین‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۱۱).

**نرمش در زندگی (رفق و مدارا، بخشش و گذشت، عذرخواهی و عذرپذیری):** مبتنی بر اینکه نوع انسان‌ها نقائصی در شخصیت و رفتارهای خود دارند، اسلام، راهکار نرمش را جهت انسجام جمعی و تحکیم روابط افراد پیشنهاد می‌کند. واژه‌های رفق و مدارا، بخشش

و گذشت، عذرخواهی و عذرپذیری، همه، به شکلی بر نرمش در زندگی دلالت دارند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «نرمش عامل تداوم روابط است» (آمدی، ج ۱، ص ۳۰۵). قرآن کریم عامل موفقیت پیامبر صلی الله علیه و آله در انسجام بخشی به جامعه دینی را نرمش عنوان می‌کند (آل عمران، ۱۵۹). در فرهنگ اسلامی، مدارا، واکنش مناسب به تضادها و اختلاف‌ها دانسته شده است (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه خداوند برای خانواده‌ای، خیر و خوبی بخواهد، رفق و ملایمت در زندگی را روزیشان می‌کند» (کلینی، ج ۵، ص ۳۵). از عوامل مهم تحکیم پایه‌های خانواده و تداوم زندگی، گذشت از لغزش‌های اعضای خانواده، عذرپذیری و مدارا با آنان است (حیدری، ۱۳۹۳). خانواده‌ای موفق است که از توان شجاعت برای عذرخواهی برخوردار باشد. البته طرف مقابل نیز باید از ویژگی عذرپذیری - که ریشه در عفو و گذشت دارد - برخوردار باشد (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۱۷۰).

**انتقادپذیری:** در آموزه‌های دینی، واژه‌های نصیحت، تذکر، موعظه، استماع قول، اتباع احسن، توأسی به حق، دعوت به خیر، و امر به معروف و نهی از منکر، هر یک به گونه‌ای، اهمیت و جایگاه انتقاد و انتقادپذیری را بیان می‌کنند (عسکری اسلام‌پور، ۱۳۸۵). علی علیه السلام می‌فرماید: «محبوب‌ترین مردم در نزد تو باید کسی باشد که تو را به راه رشدت هدایت نموده و عیب‌هایت را نشانت می‌دهد» (آمدی، ج ۱، ص ۵۴۸). انتقاد اگر در جای خود و با روش صحیح و مناسب انجام شود یک شیوه تربیتی صحیح و کارآمد خواهد بود که یکی از ویژگی‌های خانواده متعالی همان انتقاد سازنده است (مروتی و زهرایی، ۱۳۹۲). در زندگی مشترک به جهت علاقه میان زن و شوهر و ارتباط زیادی که این دو با هم دارند، دو طرف علاوه بر اینکه می‌توانند در یافتن عیب‌ها به یکدیگر کمک کنند، در برطرف کردن این عیب‌ها نیز یاران خوبی برای یکدیگر هستند (عباسی ولدی، ۱۳۹۰).

**حفظ و رعایت جایگاه‌ها و مرزهای خانوادگی:** خانواده، یک سیستم متعادل و پیچیده است که زن و شوهر آن را بنیان می‌گذارند و سپس با ورود هر کودک یا هر فرد دیگری (مثل پدربزرگ و مادربزرگ) این سیستم، پیچیده‌تر می‌شود (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۸۵۴). حفظ جایگاه‌ها و رعایت مرزهای خانوادگی می‌تواند عاملی مهمی در استحکام خانواده و جلوگیری از بروز آسیب‌ها باشد. بخشی از مشکلات خانواده‌ها از بی‌توجهی نسبت به رعایت حدود و مرزها می‌شود (سالاری فر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷). تعالیم اسلامی مانند اغلب دیدگاه‌های نظریه‌پردازان خانواده، بر مدیریت والدین در خانواده تأکید دارد. پیروی و همراهی با والدین لازم است و نافرمانی از آنها فقط در صورت اصرار آنها بر گناه و شرک به

خداوند، مجاز می‌باشد. البته، حتی در این صورت نیز برخورد مناسب و مؤدبانه با والدین ضروری است: «و هرگاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می‌دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن؛ ولی با آن، در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن» (لقمان، ۱۵). قرآن افزون بر تأکید بر اقتدار والدین، به شوهر اقتدار بیشتری می‌دهد (نساء، ۳۴). خانواده، دارای مرزهایی است که کاملاً باز یا کاملاً بسته نیست. از جمله آثار این مرزها، ورود کنترل شده افراد به محیط خانواده و ورود نامحرمان با محدودیت بیشتر است. مرز بین خانواده و خویشاوندان در رتبه بعدی دارای انعطاف بیشتری است به‌ویژه والدین زن و شوهر در مواردی مجاز به ورود در مسائل خانواده هستند. بین والدین (زن و شوهر) و فرزندان مرز منعطفی وجود دارد که از آثار آن برخورداری زن و شوهر از فضای فیزیکی و روانی ویژه است که از جمله نتایج آن لزوم اجازه اعضای خانواده در ساعات معینی از شبانه‌روز برای ورود به این فضا است. مرز بین فرزندان دختر و پسر در عین باز بودن دارای محدودیت‌هایی است که از جمله آنها لزوم اختصاص فضای فیزیکی خاص در خانه برای دختران و پسران است. بین دو فرزند پسر یا دو فرزند دختر نیز مرزی با محدودیت‌های کمتر از مرز بین دختران و پسران است و از آثار آن لزوم بستر خواب جدا برای هر پسر یا دختر در خانواده است (سالاری فر، ۱۳۸۸).

**تحمل و تدبیر:** زندگی خالی از گرفتاری و سختی نیست؛ باید آنها را تحمل کرد. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «شما به آنچه دوست دارید نخواهید رسید، مگر با تحمل ناخوشی‌ها» (مجلسی، ج ۷۹، ص ۱۳۷). تحمل، از اخلاق اهل ایمان برشمرده شده است (واسطی، ج ۱، ص ۴۵). باید دانست که آنچه در این مواقع، گشاینده و نجات‌دهنده است، تدبیر درست امور است. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «هر که از تدبیر و چاره‌اندیشی بازنشیند، سختی‌ها او را از پای در خواهند آورد» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۸۶). به همین دلیل، ایشان می‌فرمایند: «بسامانی زندگی در گرو تدبیر است» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۹۴).

**گفتگو و هم‌نشینی سالم:** زن و مرد و فرزندان به لطیف و صمیمی بودن با یکدیگر نیاز دارند؛ اینکه اوقاتی را با هم و در کنار هم باشند و با یکدیگر به گفتگو بپردازند و ارتباط کلامی و عاطفی و روحی داشته باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به پیروان خود سفارش می‌کرد که به این نیازها توجه کنند و آنها را به درستی پاسخ دهند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «نشستن مرد نزد خانواده‌اش، نزد خداوند متعال محبوب‌تر از اعتکاف در این مسجد من است» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۱۸۶). برخی رفتارها مانع



برقراری روابط کلامی مناسب می‌گردد که اعضای خانواده باید از آنها در حد توان، خودداری کنند. از جمله این امور: نق زدن، قطع کردن حرف یکدیگر، جدال و بگو مگو در مورد امور کم‌اهمیت، تهدید، توهین، تمسخر، انتقاد تند و پرگویی است (سالاری فر، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵). آموزه‌های اسلام درباره روابط غیرکلامی اعضای خانواده، نکات جالب توجهی دارد. از این نکات می‌توان به گشاده‌رویی و خوش‌رویی در برخورد با اعضای خانواده و فروتنی اشاره کرد (همان، ص ۱۲۶).

**نیک‌رفتاری و محبت‌ورزی:** انس و الفت میان اعضای خانواده با نیک‌رفتاری و محبت‌ورزی به دست می‌آید. قرآن کریم به نیک‌رفتاری با زنان دستور داده است (نساء، ۱۹). علی علیه السلام در خصوص نیک‌رفتاری می‌فرماید: «نیک‌رفتاری، روزی‌ها را زیاد می‌کند و انس و الفت پدید می‌آورد» (آمدی، ج ۱، ص ۲۵۵). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید: «این سخن مرد که به همسرش بگوید: «تو را دوست دارم»، هیچ‌گاه از دل همسر بیرون نمی‌رود» (بستان، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴). ایشان می‌فرمایند: «بهترین مردان امت من کسانی هستند که بر خانواده‌شان ستم روا نمی‌دارند و نسبت به آنان مهربان بوده و در حق آنان ظلم نمی‌کنند» (مجلسی، ج ۱۰، ص ۲۴۵). همچنین فرمودند: «بهترین شما کسی است که با خانواده‌اش بهترین رفتار را داشته باشد، و من بهترین رفتار را با خانواده‌ام دارم» (نهج‌الفصاحه، ح ۱۵۲۰). روابط والدین و فرزندان نیز، باید بر اساس نیک‌رفتاری و محبت باشد. «جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید» (بقره، ۸۳). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «نگاه محبت‌آمیز فرزندان به والدین عبادت است» (مجلسی، ج ۷۱، ص ۸۰). ایشان، والدین را به رابطه با نشاط با فرزندان ترغیب کرده (همان، ج ۶۴، ص ۲۵۷) و می‌فرمایند: «کسی که فرزندش را بیوسد، خداوند حسنه‌ای برای او می‌نویسد و کسی که او را خوشحال کند، خداوند او را در روز قیامت خوشحال می‌کند» (ابن فهد حلی، ص ۸۸).

**همدلی، توافق و تفاهم:** یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده موفقیت زوجین و اعضای خانواده، توافق و تفاهم غالب، در مواضع مهم زندگی است (جان‌بزرگی، ۱۳۹۳). قرار گرفتن زن و مرد در یک منظومه به نام خانواده و سیر آنان به سوی اهداف خانواده، جز با تفاهم و توافق به درستی میسر نیست. مراد از تفاهم و توافق، درک و فهم مشترک و متقابل و نیز همفکری و همسویی در امور مشترک و گام زدن در مسیر مورد توافق است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۱). در اسلام، به همدلی همسران حتی در انتخاب نوع غذا سفارش شده است. در حدیثی این‌گونه وارد شده است: «انسان با ایمان، مطابق میل و خواسته عیالش غذا

می‌خورد و خانواده انسان منافق، مطابق میل و خواسته وی غذا می‌خورند» (محمدی ری شهری، ج ۱، ص ۲۰۸). از لوازم تفاهم و همدلی در اسلام، گوش‌سپاری و ارتباط کلامی مناسب، فروتنی، نفی خودمداری، نفی لجاجت، نفی عیب‌جویی و سرزنش بی‌مورد است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷).

**راستگویی، یکرنگی و امانتداری:** برای بالندگی و سلامت روابط در خانواده، باید روابط کلامی و بدنی، به صورت مستقیم، روشن و صریح باشد (همان، ص ۱۱۷). پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه می‌فهمید یکی از اعضای خانواده‌اش دروغی گفته است، تا زمانی که توبه نکرده، به او بی‌اعتنایی می‌کرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۴۴۵). زن و مرد باید بدانند که وارد کردن حيله‌گری و نیرنگ‌ورزی و فریب‌کاری در نظام خانواده، آسیب‌زا و مشکل‌آفرین است و باید درصد تثبیت یکرنگی و یکدلی در فضای خانواده بود (همان، ص ۴۴۸). طبق روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، سه چیز صمیمیت را یکرنگ می‌سازد: «هدیه کردن عیب‌های یکدیگر، پاسداری در غیاب (و بدگویی نکردن) و یاری رساندن در سختی‌ها» (وژام، ج ۲، ص ۱۲۱).

بر پایه روایات، ریشه صداقت در امانتداری است؛ از این رو، کسی که امانتدار است، صداقت هم خواهد داشت. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «راستی، امانتداری است و دروغ، خیانت». امانتداری، ضرورت یک زندگی کامیاب و همراه با رضامندی است (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۳۰۷). زندگی خانوادگی آن‌گاه معنای حقیقی خود را می‌یابد که دو همسر همه وجوه امانت را نسبت به یکدیگر پاس بدارند و اسرار و مسائل خانوادگی را به بهانه‌هایی، به بیرون انتقال ندهند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۴۴۲).

**نفی خشونت:** یکی از عوامل آسیب‌زا به انس و الفت و صمیمیت اعضای خانواده، خشونت‌ورزی است. سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای دین، نفی خشونت نسبت به زنان بوده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آسیب به زنان را به شدت نهی کرده و مردانی را که چنین روشی دارند، دور از اخلاق و دیانت دانسته است. ایشان در نهی از خشونت علیه زنان می‌فرمایند: «چگونه شما مردان، همسرانتان را می‌زنید و سپس او را در آغوش می‌گیرید و شرم نمی‌کنید». «هر مردی که به زنش آسیب وارد کند، خداوند به نگهبان آتش دستور می‌دهد که بر گونه او هفتاد صدمه در آتش دوزخ وارد سازد» (سالاری فر، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷). البته در مواردی این زنانند که با شکل‌های مختلف، نسبت به مردان خشونت می‌ورزند. خشونت خانوادگی در منطق اسلام، چه از مرد و چه از زن، چه به شکل گفتاری و چه به صورت رفتاری، به شدت مورد نکوهش واقع شده است. دشنام‌دهی و ناسزاگویی، استهزا، سرزنش‌گری بی‌جا، بهتان زدن، لعن و نفرین کردن،

منت‌نهادن و مشاجره نمودن از مصادیق خشونت گفتاری است که در روایات از آنها نهی شده است. ترش‌رویی، فخرفرشی و خودنمایی، خشم و عصبانیت، زورگویی و سلطه‌گری، غیرت‌ورزی و تعصب نابجا و کتک زدن از صورت‌های خشونت رفتاری هستند که در احادیث معصومین، آثار و پیامدهای تباه‌کننده و ویرانگری در زندگی برای این موارد ذکر گردیده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۳). راهبردهای اصلی کاهش خشونت زناشویی از نظر اسلام، تقویت ایمان و اخلاق، رفع زمینه‌های محرک خشونت زناشویی، اصلاحات فرهنگی و تقویت کنترل اجتماعی است (بستان، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱).

**همکاری:** پیشبرد اهداف خانواده در پرتو همکاری همه جانبه محقق می‌شود. رسول خدا ﷺ در خانه خود، در خدمت خانواده‌اش بود... خانه را جارو می‌کرد، ...آرد خمیر می‌کرد... لباسش را تعمیر می‌کرد؛ از بازار کالاهای مورد نیاز خانواده را، خرید می‌کرد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «امیر مؤمنان علیه السلام هیزم جمع می‌کرد، آب می‌کشید، جارو می‌کرد و فاطمه علیها السلام آرد تهیه می‌کرد و خمیر درست می‌کرد و نان می‌پخت» (همان، ص ۴۲۶). در خصوص همکاری مرد در خانه روایت شده است: «به خانواده‌اش خدمت نمی‌کند مگر کسی که به مقام صدیق یا شهید رسیده باشد یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او بخواهد» (مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲). در خصوص همکاری زن در منزل آمده است: «هر زنی که در خانه همسر خود به قصد مرتب کردن آن، چیزی را جابه‌جا کند، خداوند به او نظر رحمت افکند، و هر که خداوند به او نظر رحمت کند، عذابش نکند» (مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۲۵۱).

**مشاوره:** انسان‌ها به دیگران نیازمندند و در تصمیم‌گیری‌های مهم و رسیدن به راهکارهای برون‌رفت از مشکلات، بهترین یاری‌گری، مشورت گرفتن از دیگران است. مشورت، ریشه قرآنی دارد. خداوند خطاب به رسول گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «در انجام دادن امور با مؤمنان مشورت و تبادل نظر کن» (آل عمران، ۱۵۹). نیز در وصف بندگان شایسته خود می‌فرماید: «بندگان شایسته، کارهایشان را با مشورت انجام می‌دهند» (شوری، ۳۶). قرآن کریم از شیر گرفتن کودک را امری مشورتی تلقی می‌کند و توصیه می‌کند که اگر خواستید فرزند خود را از شیر بگیرید، مشورت کنید (بقره، ۲۳۳). می‌توان گفت اگر مسئله‌ای که شاید پیچیدگی زیادی ندارد، از منظر قرآن کریم، نیازمند مشورت است، دیگر مسائل مهم خانوادگی قطعاً نیاز بیشتری به رجوع به مشاور دارد.

**حکمیّت:** اگر اختلاف در خانواده و ناسازگاری زن و مرد شدت گرفت و به گونه‌ای شد که احتمال دشمنی زن و شوهر وجود داشت، دخالت دیگران برای اصلاح آنها ضروری است

(سالاری فر، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷). قرآن کریم، برای از بین بردن اختلاف‌های همسران، فرمان داده است داورانی از دو سو برگزیده شوند و آن دو با هم فکری یکدیگر، به نزاع پایان دهند: «اگر از جدایی و شکاف میان آن دو بیم داشته باشید، داورى از خانواده شوهر و داورى از خانواده زن برگزینید تا به کار آنها رسیدگی کنند. اگر این دو داور تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می‌کند؛ زیرا خداوند دانا و آگاه است» (نساء، ۳۵). رجوع به این داوران، طبق نظر برخی از فقهای شیعه واجب است و دیگران نیز این امر را مستحب دانسته‌اند (شهید ثانی، ج ۸، ص ۳۶۶). البته، داوران، از زوجین، سلب آزادی نمی‌کنند. اگر همه این تدبیرها بی‌نتیجه ماند، راهی جز طلاق و متارکه، باقی نمی‌ماند (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹).

#### اصول مبتنی بر مبانی ارزش‌شناختی عبارت است از:

**ارضای صحیح و متعادل غریزه جنسی:** ازدواج، سنت مقدّس نبوی است (مجلسی، ج ۱۰، ص ۲۲۰). اسلام، شهوت جنسی را پلید و خبیث نمی‌شمارد (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۷۷). اسلام نه با رهبانیت و سرکوب غریزه جنسی موافق است و نه با آزادی گسترده و بهره‌وری لجام گسیخته. سیاست راهبردی اسلام نسبت به غریزه جنسی، بهره‌وری هدایت‌یافته و مهارشده است. اسلام در این مورد همانند بسیاری از موارد دیگر آدمی را به اعتدال و میانه‌روی در استفاده از غریزه جنسی فرا می‌خواند و افراط و تفریط در بهره‌وری از غریزه جنسی را نشانه جهالت و نادانی انسان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۷). در نگاه پیشوایان دین، تأمین صحیح نیازهای جنسی در عین آرامش‌بخشی و پرلذتی، مایه حفاظت از آسیب‌ها و عملی آخرتی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹). اگر در اندیشه یکی از زوجین، ناخشنودی و نارضایتی از اصل ازدواج وجود داشته باشد، این عامل، تأثیرات منفی بسیاری در زندگی مشترک باقی خواهد گذاشت (مستقیم، ۱۳۸۳).

**حفظ فرزند و فرزندپروری صحیح:** از حقوقی که خداوند برای فرزند قائل شده، حق حیات است که قرآن این حق عظیم را در جامعه بشری به شکل سزاوار برای فرزند، قبل از تولد و بعد از آن، مطرح می‌کند (جمعه، ۱۳۷۹، ص ۲۳). قرآن کریم از کشتن فرزندان نهی کرده است: «و فرزندانتان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می‌دهیم» (انعام، ۱۵۱). هشدار آیه، علاوه بر دوران بعد از تولد، دوران جنینی را نیز شامل می‌شود (جمعه، ۱۳۷۹، ص ۲۲). امروزه نیز این نوع فرزندکشی جریان دارد که برخی افراد نادان به بهانه درگیر شدن با مشکلات زندگی، کودکان بی‌گناه را در عالم جنینی به قتل می‌رسانند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۳۴). اسلام نه‌تنها به حفظ فرزند امر می‌کند بلکه به تکثیر نسل و ازدیاد

فرزندان دستور می‌دهد. پیامبر ﷺ می‌فرمودند: «طلب فرزند کنید و بسیار فرزند بیاورید که در قیامت به کثرت شما بر امت‌های دیگر مباحثات می‌کنم» (متقی هندی، ج ۱۶، ص ۳۵۷). امروزه تک‌فرزندی منشأ بروز آسیب‌های جدی در خانواده‌ها و جامعه شده است. (دهنوی، ۱۳۸۷). در اسلام، همان‌گونه که فرزندداری ارزشمند است، فرزندپروری نیز دارای ارزش است. از دیدگاه اسلامی مسؤولیت فرزندپروری در اصل به عهده پدر و مادر است. علی علیه السلام می‌فرماید: «والدین باید برای آموزش و تربیت فرزندان بهترین شیوه‌ها را به کار گیرند» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰ ق). همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چهره دیگر این مسؤولیت‌پذیری از ناحیه والدین را، حق فرزند بر والدین دانسته و بر لزوم پذیرش مسؤولیت آموزش و پرورش فرزند تأکید فرموده است (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۲). امام صادق علیه السلام نیز به تأثیر والدین در بهداشت روانی فرزندان تأکید فرموده و مصونیت از ابتلا به ناهنجاری‌های روانی، اخلاقی، شخصیتی و اجتماعی فرزندان و نسل‌های بعدی آنان را به نوع عملکرد آموزشی و تربیتی والدین منوط دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۵). در متون و روایات اسلامی نیز بر تعامل سازنده با فرزندان تأکید شده است و شیوه فرزندپروری مسئولانه، به‌عنوان مناسب‌ترین روش معرفی شده است. در این شیوه والدین با پذیرش مسؤولیت فرزندپروری، کوشش می‌کنند تا فطرت فضیلت‌خواهانه فرزندان شکوفا شود (شکوهی‌یکتا، پرنده، فقیهی، ۱۳۸۵).

**مدیریت متعادل خانواده:** توجه به راهکارهای مدیریت متعادل نهاد خانواده، ارزشمند و بااهمیت است. بسیاری از مشکلات خانواده‌ها از سوء مدیریت ناشی می‌گردد. ائمه معصومین علیهم السلام نکات بسیار ارزشمندی در نحوه برنامه‌ریزی در فرایند مدیریت خانواده گوشزد کرده‌اند که در ادامه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود: «کوشش کنید اوقات روز شما چهار ساعت باشد: ساعتی برای عبادت و خلوت با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای آمیزش و مصاحبت برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیوبتان واقف می‌سازند و در باطن نسبت به شما خلوص و صفا دارند و ساعتی را به تفریحات و لذائذ خود اختصاص دهید و از مسرت و نشاط ساعت تفریح نیروی انجام وظایف ساعت دیگر را تأمین نمایید» (مجلسی، ج ۷۵ ص ۳۲۱). عبّاسی می‌گوید: از امام رضا علیه السلام برای خرج خانواده اجازه خواستم، فرمودند: «میان دو حدّ ناپسند باشد»؛ گفتیم: فدایت شویم، سوگند به خدا، نمی‌دانم دو حدّ ناپسند کدام است. فرمودند: «خدا تو را بیامرزد، آیا نمی‌دانی که خدای بزرگ اسراف و اقتار (تنگ‌گیری در خرج و مصرف) هر دو را مکروه و ناپسند خوانده است». آن‌گاه این آیه را خواندند: (بندگان خدای رحمان) کسانی هستند که چون خرج کنند، نه اسراف کنند، نه تنگ چشمی نشان دهند، و میان این

(دو حالت)، حدّ قوام (معتدل) خواهد بود (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۳۲۸). فعالیت‌های دینی، در یک خانواده اسلامی باید مدیریت شود و به دعوت اعضای خانواده به ایمان و عمل به وظایف و تکالیف دینی توجه گردد. خداوند کریم فرموده‌اند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید» (تحریم، ۶). همچنین، درجایی دیگر فرموده‌اند: «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیا باش» (طه، ۱۳۲). البته، این دعوت همیشه به صورت امری و مستقیم نیست، بلکه میزان پایبندی بزرگ‌ترهای خانواده به اخلاق و نسبت به وظایف دینی حائز اهمیت است. دعوت به اعضا و جوارح (در مقابل دعوت زبانی) و الگوی عملی بودن از اهمیت بیشتری برخوردار است (کلینی، ج ۳، ص ۲۵۱).

**فرمانبرداری زن نسبت به شوهر:** به نص قرآن، قیومیت و سرپرستی خانواده با مردان است (نساء، ۳۴). اسلام، زن را در چارچوبی معین، به فرمانبرداری از شوهر فرا می‌خواند. اطاعت از شوهر، یکی از وظایف زن در قرآن مطرح شده است (عیسی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۸۶). رسول خدا ﷺ در این باره فرمودند: «حقوق شوهر بر عهده همسر آن است که از او اطاعت کند، در مقابلش نافرمانی نکند، صدقه‌ای از اموال منزل بدون اجازه او ندهد، روزه مستحبی فقط با اجازه او بگیرد، از منزل بدون اجازه شوهر خارج نشود... به ایشان عرض شد: چه کسی بزرگ‌ترین حق را بر عهده زن دارد؟ فرمود: همسرش» (عاملی، ج ۱۴، ص ۱۱۲). افزون بر لزوم اقتدار مرد در خانواده، احساس و تلقی این امر از سوی زن ضرورت دارد. علی‌علیه در این باره فرمودند: «اگر زن، تو را صاحب اقتدار ببیند، بهتر است از آنکه تو را به حال شکستگی و ضعف بنگرد» (همان، ص ۱۲۰).

**برخورد صحیح اسلامی با همسر ناسازگار (نشوز زوج):** در قرآن کریم، در برخورد با زنانی که از فرمانبرداری از همسر خود در چارچوب مشخص، سر باز می‌زنند و به اصطلاح، نشوز می‌ورزند، سه مرحله رفتاری بیان گردیده است: «و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تأثیر نکرد] آنان را بنزد پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید، که خدا والای بزرگ است» (نساء، ۳۴). مرد با توجه به حق مدیریت و سرپرستی بر زن و پرداخت مهر و نفقه که در ابتدای همین آیه از آن یاد شده است، باید در محدوده امور زناشویی به زن دسترسی داشته باشد و زن باید فروتنانه خود را در اختیار شوهر قرار دهد. بنابراین، اگر زن از انجام این وظیفه مهم سرباز زد، مرد می‌تواند به نحو تدریجی که هر کدام بر دیگری ترتب دارد و از ضعف رو به شدت می‌نهد، با زن «ناشزه» برخورد کند. قرآن کریم در خصوص مردانی که با همسر خود سر

ناسازگاری و به اصطلاح نشوز دارند می‌فرماید: «اگر زنی بیمناک باشد که شوهرش گرفتار نشوز یا دوری‌گزینی [از همسر] شود، بر آنها گناهی نیست که در میان خود صلح و آشتی برقرار کنند و بخل و مال دوستی در پیش نفوس انسان‌ها حاضر است و اگر نیکی و تقوا پیشه کنید، خداوند به کردار شما آگاه است» (نساء، ۱۲۸). آنچه از ظاهر دلالت این حکم قرآنی برمی‌آید این است که نشوز یعنی تخلف از قانون و حقوق خانواده، امری طرفینی است؛ یعنی هم در مورد زن که سر از فرمان قانون خانواده برتابد و حقوق مرد را نادیده انگارد، و هم در مورد مشابه آن از ناحیه مرد است (پژوهنده، ۱۳۸۹).

**رعایت حقوق و انجام وظایف:** در منابع دینی برای هریک از اعضای خانواده (زن، شوهر، فرزند، پدر و مادر) حقوقی وضع شده است و در مقابل هر حقی، برای طرف مقابل (من له الحق) وظایفی معین گردیده است. بر اساس منابع دینی، رعایت حقوق یکدیگر بر صمیمیت و استحکام نظام خانواده می‌افزاید و کارآمدی آن را تضمین می‌کند و رعایت نکردن حقوق یکدیگر بر کارآمدی خانواده تأثیر منفی می‌گذارد. بسیاری از ناسازگاری‌هایی که کارآمدی خانواده را به خطر می‌اندازد و استحکام آن را سست می‌کند، ریشه در رعایت نکردن حقوق یکدیگر است (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۲). وجود حقوق و وظایف برای اعضای خانواده به این جهت است که باید نیازهای آنان با همکاری یکدیگر در یک نظام سالم تأمین شود. اگر نیازهای افراد در خانواده تأمین شود، آنان نیازی به گریز از خانه نخواهند داشت و گرفتار رفتارهای نادرست نخواهند شد. بسیاری از بهانه‌جویی‌ها، کج خلقی‌ها، پرخاشگری‌ها، بدرفتاری‌ها، تندخویی‌ها و ناسالمی‌ها، معلول محقق نشدن حقوق و وظایف افراد در خانواده است. در نگاه دین، بهترین اشخاص در زندگی خانوادگی کسانی‌اند که نیازهای اعضای خانواده را دریابند و به درستی تأمین نمایند و در این صورت است که محبوب‌ترین انسان‌ها نزد خداوند خواهند شد. پیامبر ﷺ فرمودند: «انسان‌ها، همگی خانواده خدایند و محبوب‌ترین آنان، سودمندترین آنان برای خانواده‌اش است» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۲). امام صادق علیه السلام نیز، تضييع حقوق اعضای خانواده را گناه معرفی می‌نمایند (مجلسی، ج ۱۰ ص ۱۰۳).

**اصل مبتنی بر مبانی آسیب‌شناختی؛ التزام به ترک عوامل آسیب‌زا:** انسان‌ها بر اساس یک نیاز طبیعی ازدواج می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند؛ اما پس از تشکیل خانواده، در معرض انواع آسیب‌ها و آفت‌هایی قرار می‌گیرند که سلامتی، استواری و پویایی نهاد خانواده را تهدید می‌کند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۴۵۳). رشد و تعالی خانواده، آرامش آن و

مصونیت آن در مقابل عوامل آسیب‌زا، همه بستگی به التزام اعضای آن به ترک عوامل آسیب‌زا دارد. اگر آنان، این رسالت مهم را به خوبی انجام دهند، خانواده به رشد و شکوفایی دست می‌یابد و آرامش واقعی بر فضای خانواده حکم فرما خواهد شد (مرتضایی، ۱۳۸۸).

### اصل مبتنی بر مبانی فقهی و اخلاقی؛ رعایت حدود فقهی و اخلاقی در مداخلات

**خانواده‌درمانی:** مداخلات خانواده‌درمانی اسلامی باید در چارچوب موازین فقهی و اخلاقی اسلام باشد. بنابراین هر گونه توصیه و ارائه راه‌حل خلاف شرع و غیراخلاقی، از حوزه خانواده‌درمانی اسلامی خارج است (سالاری‌فر، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶). همچنین خانواده‌درمان‌گر اسلامی در برخورد با مراجعان، باید حدود اسلامی را رعایت نماید. علاوه بر خصوصیات عام وارد شده در آموزه‌های دینی مانند تقوا و تعهد، علم و عقلانیت، تجربه و درایت (حقانی زنجانی، ۱۳۷۶)، به‌طور خاص، خانواده‌درمان‌گر به این جهت که در روند درمان خانواده، با جنس مخالف در ارتباط است، باید بداند که از دیدگاه اسلام، خلوت با نامحرم در صورت احتمال مفسده حتی به قصد درمان‌گری جایز نیست و ارتباط با جنس مخالف باید بر اساس ضوابط شرعی انجام گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۷ و فاضل لنگرانی، ص ۴۸۲). همچنین تجسس بی‌جا و غیرهدفمند در غیر امور مرتبط با درمان و حل مسائل خانواده، مجوزی ندارد. از نظر فقه‌ها، تجسس در مسائل شخصی و خانوادگی، حتی در مفاسد اخلاقی افراد، توسط هیچ شخص یا ارگانی جایز نبوده و مصداق اشاعه فحشاست (اترک، ۱۳۹۰).

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد اصول خانواده‌درمانی اسلامی عبارت‌اند از: خدامحوری، اعتقاد به معاد، خوش‌بینی و خوش‌گمانی، صبر و استقامت. دین‌مداری، پاکیزگی و آراستگی، عفت‌ورزی، تکریم همسر و فرزندان، سپاسگزاری و قدردانی، نرمش در زندگی، حفظ و رعایت جایگاه‌ها و مرزها، تحمل و تدبیر، انتقادپذیری، گفتگو و هم‌نشینی سالم، نیک‌رفتاری و محبت‌ورزی، همدلی، توافق و تفاهم، راستگویی، یکرنگی و امانتداری، نفی خشونت، مشاوره، حکمیت، ارضای صحیح و متعادل غریزه جنسی، مدیریت متعادل خانواده، حفظ فرزند و فرزندپروری، رعایت حقوق و انجام وظایف، فرمانبرداری زن نسبت به شوهر، برخورد اسلامی با همسر ناسازگار، التزام به ترک عوامل آسیب‌زا، رعایت حدود فقهی و اخلاقی در مداخلات خانواده‌درمانی.

اصول خانواده‌درمانی که حاوی «بایدها و نبایدها» است مبتنی بر مبانی آنکه حاوی



«هست‌ها و نیست‌ها» می‌باشد (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۳۲). از بایسته‌های مبنای ربوبیت خداوند، خدامحوری در زندگی است؛ درک صحیح از ربوبیت خداوند و اینکه پروردگار هستی خداست، این باور را به انسان می‌دهد که «همه کارها به خدا باز می‌گردد» (شوری، ۵۳) و رشد، پیشرفت و سعادت، در گرو همسویی و محور قرار دادن خدا در تمامی امور است. وساطت فیض پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام و برگزیدگی آنان از سوی خداوند متعال، شایستگی ایشان را جهت الگوگیری در تمامی حوزه‌های زندگی به‌ویژه در حوزه خانواده، و توسل به آنها در سختی‌ها و مشکلات، نشان می‌دهد. وجود جهان پس از مرگ، مقتضی «اعتقاد به معاد» است. «زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است» (عنکبوت، ۶۴). چنین باوری در زندگی خانوادگی، مسئولیت‌آور است. «گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد» (اسراء، ۳۶).

از لوازم مبنای خیر و زیبا بودن جهان، خوش بینی و خوش‌گمانی در زندگی است. گاهی، مصیبت‌ها و مشکلات، توهم شر بودن یا زشت بودن چهره خلقت را در پی خواهد داشت و گاهی برخی نادرستی‌های اطرافیان موجب بدبینی تعمیم یافته می‌گردد. پذیرش خیر و زیبا بودن جهان، آن دیدار اصلاح و این بدبینی را تعدیل و در اندیشه اعضای خانواده، خوش‌بینی و در نگاهشان خوش‌گمانی به‌جا را ایجاد می‌کند. اصل صبر و استقامت از تدریجی بودن تغییرات برداشت می‌شود. شرایط زندگی و اخلاق اعضای خانواده به تدریج اصلاح می‌شوند. امام علی علیه‌السلام با اشاره به زمان‌مندی موفقیت‌ها، صبر و استقامت را موجب پیروزی و رسیدن به مطلوب می‌دانند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۵۵۹). انسان، معناگرا است و برای یافتن معنایی آرامش‌بخش و هویتی پایدار، باید دین را مدار زندگی خود قرار دهد.

دین، به‌عنوان یک مجموعه منسجم که از خدا آغاز می‌شود و با حیات پس از مرگ تداوم پیدا کرده و در نهایت به رستاخیز منتهی می‌شود، زندگی انسان را معنا می‌دهد (افتخاری، ۱۳۹۰). زیبادوستی انسان، مقتضی رعایت پاکیزگی و آراستگی و برای به انحراف نرفتن این گرایش، باید عفت‌ورزی داشت. اعضای خانواده به حکم انسانیت، از کرامت برخوردارند؛ بنابراین باید همسر و فرزندان مورد تکریم قرار گیرند و می‌بایست در جهت حفظ کرامت آنان، سپاسگزار و قدرشناس بود؛ چرا که مسلماً، بی‌اعتنایی به زحمات و خدمات افراد، متناسب با کرامت آنان نیست و به شخصیت آنان لطمه می‌زند. ضعف و نقص انسان، اقتضا دارد در زندگی خانوادگی و در تعامل اعضای خانواده با یکدیگر، با نرمش، رفتار شود و به اصول رفیق و مدارا، بخشش و گذشت، عذرخواهی و عذرپذیری و انتقادپذیری توجه گردد.

لازمه وجود تفاوت‌های جنسیتی در خانواده و مبنای مکملیت، همچنین اقتضای

سیستمی بودن خانواده، حفظ جایگاه‌ها و رعایت مرزهای خانوادگی است. خانواده یک سیستم است که باید هر عضوی با توجه به نقش جنسیتی خود، مکمل کارکردهای دیگر اعضا باشد. همچنین پاسخ صحیح و پایدار به نیاز انسان به انس و الفت اقتضای رعایت اصول گفتگو و هم‌نشینی سالم، نیک‌رفتاری و محبت‌ورزی، همدلی، توافق و تفاهم، راستگویی، یکرنگی، امانتداری و نفی خشونت است. هر یک از این اصول، ضامن ایجاد و پایداری انس و الفت اعضای خانواده است و نبود یا نادرستی هر یک، در پاسخگویی به این نیاز خلل به وجود خواهد آورد.

از مبنای همراهی انسان با رنج و سختی به اصل تحمل و تدبیر خواهیم رسید. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «همانا برای سختی‌ها پایانی است که باید به آن برسد. پس برای انسان خردمند، زینده است که هرگاه دچار سختی‌ها گردید، کنار آن بیارامد تا زمان آن به سر آید؛ چرا که دفع کردن آن، پیش از سر آمدن زمان آن، افزودن بر رنج آن است» (مجلسی، ج ۶۸، ص ۹۵). اعضای خانواده در چارچوبی صحیح، به دیگران و به یکدیگر نیازمندند؛ بنابراین، باید با هم همکاری داشته باشند تا به نیازهای خود پاسخ جمعی دهند و در مواقع لزوم از مشاوره بهره گیرند. نیز در مواقع وقوع نزاع، حکمیت بزرگ‌ترها را پذیرا باشند. از ارزشمندی و تقدس ازدواج و خانواده، اصل ارضای متعادل و صحیح غریزه جنسی برداشت می‌گردد و باید برای استحکام این نهاد ارزشمند، به نقش مدیریت متعادل خانواده توجه داشت. نمی‌توان تصور کرد ارزش‌های ازدواج و تشکیل خانواده بدون پاسخگویی صحیح به نیازها و مدیریت متعادل آن به دست آید. مبنای ارزشمندی فرزند و فرزندآوری، حفظ فرزند و فرزندپروری صحیح را در پی خواهد داشت.

در روایات زیادی پس از اشاره به ارزشمندی فرزندآوری، به سبک صحیح فرزندپروری و آداب تربیت فرزند پرداخته شده است. بر مبنای وظیفه‌محوری و حقوق‌مداری، اصل رعایت حقوق و انجام وظایف استنتاج می‌گردد. در پی مبنای قرآنی قیومیت مرد، اصل فرمانبرداری زن نسبت به شوهر و اصل برخورد صحیح اسلامی با همسر ناسازگار (نشوز زوج) مطرح می‌گردد. در خانواده، مرد، قوام بر زن است و زن برای تحقق خانواده مطلوب، در چارچوبی معین، از همسرش، پیروی می‌کند؛ اما در صورت نافرمانی، اسلام نحوه برخورد صحیح با این مشکل را بیان کرده است که باید از حدود آن، تعدی صورت نگیرد. اسلام، در خصوص کج‌رفتاری مرد نیز چارچوبی را تعیین کرده است.

توجه به نقش آسیب‌های خانواده در گسست آن و ایجاد مشکلات، ما را به اصل لزوم

ترک عوامل آسیب‌زا می‌رساند. پیامبر ﷺ فرمودند: «از هر آنچه خلاف دستور خداوند است دوری کنید» (مجلسی، ج ۹، ص ۱۸۵) و به‌طور حتم، دچار شدن به آسیب‌های خانواده خلاف دستور خداوندی است که خانواده، دوست‌داشتنی‌ترین بنا نزد اوست. مطلوبیت دینی اصلاح ذات‌البین، مطلوبیت دینی وساطت در تشکیل خانواده و مطلوبیت دینی اصلاح روابط خانوادگی اقتضا دارند حدود فقهی و اخلاقی در مداخلات خانواده‌درمانی رعایت گردد. نمی‌توان گفت در اسلام، اصلاح ذات‌البین، وساطت در تشکیل خانواده و اصلاح روابط خانوادگی، از مطلوبیت برخوردارند؛ اما حدود و ضوابطی برای آنها مشخص نشده است. مسلماً برای رسیدن به رضای الهی در مطلوبیت‌های مذکور، باید در مداخلات خانواده‌درمانی، حدود فقهی و اخلاقی، رعایت گردد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده پروتکل‌های خانواده‌درمانی با رویکرد اسلامی بر اساس این اصول تدوین شوند و نقش این مبانی در تدوین اهداف، مولفه‌ها و تکنیک‌های خانواده‌درمانی را نشان دهند.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی (۱۳۷۸)، قم: امیر المؤمنین علیه السلام.
- سید رضی، محمد بن ابی احمد، (۱۳۵۹ق)، *نهج البلاغه*، تصحیح صبحی صالح، قم: الهجرت.
- احمدی، خدابخش، (۱۳۸۶)، *آسیب‌شناسی خانواده*، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج.
- احمدی، سید احمد (۱۳۹۰) *مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره*، چاپ هشتم، تهران: سمت.
- احمدی، محمدرضا و هراتیان، عباسعلی (۱۳۹۱)، «اثربخشی مناسک عمره مفرد بر شادکامی و سلامت روانی»، *نشریه روان‌شناسی و دین*، سال پنجم، شماره ۳.
- احمدی، یعقوب (۱۳۸۸)، «وضعیت دین‌داری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها؛ مطالعه موردی شهر سنندج»، *نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال دوم، شماره ۳.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستان (نجفی) حسین (۱۳۹۰)، *خانواده در اسلام*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۲)، «کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم»، *نشریه روش‌شناسی علوم انسانی*، شماره ۳۵.

- بی‌ریا، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، *روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*، ج ۳، تهران: سمت.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۲)، *رضایت زناشویی*، چاپ سوم، قم: دارالحدیث.
- تبریزی، مصطفی (۱۳۸۵)، *فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی*، چاپ اول، تهران: فراروان.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۸)، *سبیره نبوی، منطق عملی، سبیره خانوادگی*، چاپ دوم، تهران: دریا.
- دهنوی، حسین (۱۳۸۶)، *نسیم مهر*، چاپ سی‌ام، قم: خادم الرضا علیه السلام.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۰)، *درآمدی بر نظام خانواده در اسلام*، چاپ پنجم، قم: هاجر.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۳)، *زوج‌درمانی شناختی رفتاری مبتنی بر متون اسلامی*، پایان نامه دکترا.
- صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۹۲)، «شاخص‌های خانواده کارآمد»، *دوفصلنامه پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، سال اول، شماره ۱.
- صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۹۰)، «نقش اعتقادات، بینش‌ها و باورهای دینی»، *نشریه معرفت*، شماره ۱۶۳.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۷)، *تفسیر المیزان*، ترجمه موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
- عاملی حر، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسایل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۸۷)، *تربیت جنسی*، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
- فقیهی، علی نقی، شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم (۱۳۹۰)، «نگرش انسان‌شناختی اسلامی و بازتاب آن در سلامت روان»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، سال دهم، شماره ۳۷.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۸۶)، «آموزش‌های روان‌شناختی مبتنی بر قرآن و حدیث و بررسی تأثیرات روانی و تربیتی آن در روابط همسران»، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، سال دوم، شماره ۴.
- کامکاری، زینب (۱۳۸۷)، «مروری بر برخی آسیب‌های خانواده»، *مجله طوبی*، شماره ۲۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *اصول کافی*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- گلادینگ، ساموئل (۱۳۸۶)، *خانواده‌درمانی، تاریخچه، نظریه، کاربرد*، ترجمه: بهاری و همکاران، چاپ چهارم، تهران: تزکیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳ م)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفا.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۱)، *تحکیم خانواده*، چاپ هفتم، قم: دارالحدیث.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۰)، *میزان الحکمه*، ج ۳ و ۴ و ۷، قم: دارالحدیث.
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم‌افزار جامع الاحادیث، قم.
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم‌افزار جامع التفاسیر، قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *مجموعه آثار*، قم: صدرا.

- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۲)، **پیام قرآن**، ج ۵، قم: هدف.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲)، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوابی نژاد، شکوه السادات (۱۳۷۶)، **مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی**، چاپ چهارم، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- نوری، نجیب‌الله و سقایی بی‌ریا (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه بین خوش بینی سرشتی و خوش بینی از دیدگاه اسلام با رضایت‌مندی از زندگی»، **نشریه روان‌شناسی و دین**، سال دوم، شماره ۳.



# اسلام پژوهش های روان شناختی

سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ (ص ۷۹-۱۰۲)

## معنویت: چیستی، گستره و کارکردها در روان شناسی و مقایسه آن با رویکرد اسلامی

### Spirituality: Definition, Area and its functions in psychology and its comparison with the Islamic approach

✍️ **مجید رجبی** / کارشناسی ارشد روان شناسی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.  
**رحیم نارویی نصرتی** / دانشیار گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.  
**محمد رضا جهانگیرزاده** / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.

**Majid Rajabi** / M.A in positive Psychology, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran.

rajabim1989@gmail.com

**Rahim Naroui Nosrati** / Associate Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

rnaroei@yahoo.com

**Mohammad Reza Jahangirzadeh** / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

jahangirzademr@gmail.com

#### Abstract

The purpose of this study is to identify spirituality in three dimensions of meaning, scope and functions in psychology and Islam. According to the purpose of the research, psychological sources related to religion and spirituality as well as verses of the Qur'an, narrations and works of Muslim thinkers were referred to and the data were extracted and compared and analyzed descriptively-analytically. Findings showed that spirituality in psychology is a psychological state that includes characteristics such as insight, understanding of unity, inner integrity, feeling of wonder, feeling of excellence, feeling of acceptance, disconnection, love and compassion, gratitude for the blessings of life and feeling of meaning. But spirituality in Islam is a state that is realized

#### چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی معنویت در سه بُعد معنا، گستره و کارکردها در روان شناسی و اسلام است. با توجه به هدف پژوهش، به منابع روان شناختی مرتبط با دین و معنویت و همچنین آیات قرآن، روایات و آثار اندیشمندان مسلمان مراجعه شد و داده ها استخراج گردید و به روش توصیفی-تحلیلی مقایسه و تحلیل گردید. یافته های پژوهش نشان داد که معنویت در روان شناسی عبارت اند از: حالتی روان شناختی که متضمن ویژگی هایی از قبیل: بصیرت، درک وحدت، یکپارچگی درون، احساس حیرت، احساس تعالی، احساس پذیرفتن، قطع تعلق، عشق و شفقت، شکرگزاری در برابر نعمت های زندگی و احساس معناداری است؛ ولی معنویت در اسلام حالتی است که در ارتباط با وجود خداوند متعال تحقق

in connection with the existence of God Almighty and includes the components of knowing God, believing in the Creator, feeling belonging to the Creator, and doing action for God, comprehensive understanding of His presence and understanding of nearness to God. It was also found that the functions of spirituality in psychology in the areas of physical and mental health are the effect on happiness, personality and healing, reducing pain and esoteric satisfaction. From the Islamic point of view, functions such as relaxation and reduction of suffering are related to common spirituality, but Islamic spirituality has specific functions such as lasting pleasure, genuine meaning to life and closeness to the Creator, which is not mentioned in spirituality in psychology.

**Keywords:** Psychology, Spirituality, Islam, Functions of Spirituality, Pillars of Spirituality.

می یابد و شامل مؤلفه های شناخت خداوند، ایمان به خالق، احساس تعلق به خالق، و انجام عمل برای خداوند، درک همه جانبه حضور او و درک قرب الهی است. همچنین به دست آمد که کارکردهای معنویت در روان شناسی در حیطه های سلامت جسم و روان، تأثیر بر شادکامی، شخصیت و درمان، کاهش درد و رنج و رضایت باطنی می باشند. از نگاه اسلامی نیز کارکردهایی نظیر آرامش و کاهش درد و رنج در ارتباط با معنویت مشترک هستند؛ ولی معنویت اسلامی کارکردهای اختصاصی مانند: لذت پایدار، معنابخشی اصیل به زندگی و تقرب به خالق را به همراه دارد که در معنویت در روان شناسی از آن سخن به میان نیامده است.

**کلیدواژه ها:** روان شناسی، معنویت، اسلام، کارکردهای معنویت، ارکان معنویت.

## مقدمه

«معنویت»، مترادف واژه «spirituality» در زبان انگلیسی است که از اسم «spiritus» کلمه ای لاتین به معنای «نفس و دم» گرفته شده است. «spiritus» نیز از «spirare» به معنای دمیدن یا نفس کشیدن گرفته شده است. در ترجمه های لاتین عهد جدید «spiritualis» یا شخص «معنوی» کسی است که زندگی او را روح القدس یا روح خدا نظم بخشیده یا تحت تأثیر قرار داده است. واژه انتزاعی spiritualitus (معنویت) که در اوائل قرن پنجم به کار می رفت، همین معنای برگرفته از کتاب مقدس را به همراه داشت؛ اما با آغاز قرن دوازدهم این واژه آرام آرام معانی ضمنی با کارکرد واقعی روانی به دست آورد که در مقابل جسمانیت یا مادیت قرار داشت. معنویت، افراد منسوب به کلیسا را تعیین می کرد. امروزه حتی برای نشان دادن شاخه ای تحقیقی از علم کلام یا تاریخ ادیان به کار می رود (پرنسیپ،<sup>۱</sup> ۱۹۸۳ به نقل از: وولف،<sup>۲</sup> ۱۹۹۷).

1 . Principe, W.

2 . Wulff, D. M.



این واژه با معنایی باطنی که به گمان مسیحیان، در پرتو الهام، در لایه زیرین معنای اصلی و لغوی کتاب مقدس یافت می‌شد، ارتباط داشت. بعدها این عقیده که در زیر هر ظاهری معنایی نهفته است به همه وقایع معنوی (مقدسات به‌ویژه عشاء ربانی و حتی خود طبیعت به‌مثابه تجلی عظمت الهی) گسترش یافت (به نقل از: دوپره،<sup>۱</sup> ۱۹۸۷م، مرزبند، ۱۳۹۱).

حدود یک و نیم قرن است که بحث معنویت و واژه معنویت به شکل و قالب نوین آن در جهان غرب مطرح شده و مکتب‌های معنویت‌گرا یا روش‌های معنوی و به تعبیر رایج‌تر «جنبش‌های نوپدید دینی» به شدت مورد توجه و استقبال قرار گرفته است (جعفری، ۱۳۹۱). شواهد نشان می‌دهد امروزه تمایل به معنویت به‌طور فزاینده‌ای رو به گسترش است و بررسی‌های همگانی، افزایش چشمگیری در علاقه به امور معنوی را تأیید می‌کند (گال آپ و جونز،<sup>۲</sup> به نقل از: میلر و تورسن،<sup>۳</sup> ۲۰۰۳م).

از دیدگاه تاریخی و تطبیقی، فقط می‌توان از کثرت «معنویت» سخن گفت. معنویت‌های گوناگون و مکتب‌های معنویت بسیاری می‌توان یافت که تعابیر فرهنگی خاصی را از آرمان‌های دینی خاص سنت‌های گوناگون نشان می‌دهند. جیمز،<sup>۴</sup> اولین فردی است که به‌عنوان روان‌شناس تجربه‌های دینی را مورد بررسی قرار داد. توجه به اهمیت و جایگاه معنویت در عرصه‌های مختلف زندگی با نگارش کتاب وی با عنوان «انواع تجربه‌های دینی» در سال ۱۹۰۲م آغاز شد. جیمز، نظریه‌اش را این چنین مطرح کرده است که زندگی انسان همواره با جهانی فراتر و معنوی ارتباط دارد. از دیدگاه او، معنویت موجب معناداری زندگی انسان می‌شود. به علاوه، معنویت باعث شکل‌گیری روابط اخلاقی و انسانی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود و دیگران می‌شود. از دیدگاه جیمز، اصولاً تجارب معنوی و مذهبی، معانی‌ای را به زندگی انسان می‌بخشد که به‌گونه عقلانی یا منطقی قابل قیاس با پدیده‌های دیگر نیست.

مسیر بررسی تجربه‌های دینی و معنویت از آن پس ادامه پیدا کرد و ردپای نظریه‌های معنویت را می‌توان در مفاهیم مرتبط با معنویت کشف نمود. مفاهیمی همچون بهداشت معنوی، هوش معنوی، درمان‌های معناگرا و رشد معنوی (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۴).

اما گذشته از جیمز، اندیشمندان دیگری همچون گوردون آلپورت و کارل یونگ نیز

1. Dupre, L.

2. Gall up & jones

3. Millet & Thoresen

4. James, W.

به طور عام به مبحث معنویت و تجربه‌های معنوی و آثار و نتایج حاصل از آن پرداخته‌اند. اما در قلمرو آموزش و پرورش یکی از صاحب‌نظران پیشگام در ایجاد تغییر در نوع نگاه به حوزه معنویت ابراهام مازلو<sup>۱</sup> است که با تأکید بر رشد ویژگی‌ها و ابعاد ماوراء فردی دانش‌آموزان، دستیابی به تعالی خود، رشد تفکر شهودی و تکامل معنوی را به عنوان اهداف مهم برنامه‌های آموزشی و درسی مطرح می‌سازد. در واقع، از دیدگاه مازلو «هر یک از ما یک ماهیت درونی دارد که شبه‌گریزی، ذاتی، معین و طبیعی است. مناسب‌ترین کاری که باید انجام داد این است که به جای سرکوب کردن و فرو نشانیدن این ماهیت درونی به بارز کردن، تقویت و یا حداقل تشخیص آن بپردازیم» (امینی، الهی نژاد، ۱۳۹۲).

این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که دین و معنویت اثر عمیقی بر وجود انسان و حقیقت زندگی می‌گذارد (هنینگزگارد<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۸ م، ص ۷۵۳). با توجه به این تأثیر وسیع، روان‌آدمی از تأثیرات دین مستثنا نبوده و دین‌دارای نقش مهمی در رشد انسان خواهد بود. چنین تأثیراتی موجب شده مطالعه دین و بررسی تأثیرات آن بر زندگی انسان و به طور خاص بر رشد روانی او مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد (پالوتزیانوپارک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵ م، ص ۳).

پژوهشگر در این بررسی درصدد است ضمن بررسی مفهوم معنویت در روان‌شناسی و گستره آن، کارکردهای معنویت را هم در روان‌شناسی و اسلام با تکیه بر منابع اسلامی و دیدگاه اندیشمندان مسلمان شناسایی و استخراج کرده و در نهایت با یکدیگر مقایسه کند. این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که معنویت در روان‌شناسی چه مفهوم و گستره‌ای دارد و کارکردهای معنویت در روان‌شناسی و اسلام چه چیزهایی هستند و چه تفاوت‌هایی بین کارکردهای معنویت در روان‌شناسی و اسلام است.

معنویت در روان‌شناسی دارای تعاریف و معانی متفاوتی است. این تفاوت‌ها ناشی از آن است که روان‌شناسان موارد متعددی را به عنوان مصادیق معنویت معرفی کرده‌اند (معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۵، ص ۱۷۷). تعاریف مطرح شده گاهی دامنه معنویت را چنان گسترده فرض کرده‌اند که هر گونه احساس تلخ و شیرین و رازآلودی را که متفاوت با جریان زندگی روزمره و غیرقابل تبیین با علم تجربی باشد نیز شامل می‌شود و گستره آن از احساس دل‌تنگی در مشاهده غروب آفتاب و برخی تخیلات درونی گرفته

1. Maslow.

2. Henningsgaard

3. Paloutzian, R. & C. Park

تا مکاشفات و مشاهدات وحیانی پیامبران را شامل می‌شود (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹). هافمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۷م) به برخی برداشت‌های متفاوت از معنویت اشاره دارد و می‌گوید: «در حالی که برای برخی معنویت ناظر به فرم و ساخت زندگی عابدانه است، برای برخی دیگر به معنی نوعی کل‌گرایی است و برای گروهی دیگر مراد از معنویت جستجوی معناست» (به نقل از: صفایی مقدم، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰).

برخی دیگر از تعاریف ارائه شده از سوی محققان و اندیشمندان غربی در خصوص معنویت عبارت‌اند از:

الکینز<sup>۲</sup> و همکاران، عرفان و معنویت را این‌گونه تعریف می‌نمایند: «معنویت به معنای طریقه زندگی یا روشی برای تجربه کردن است. این حالت با هشیاری<sup>۳</sup> نسبت به بُعد فرامادی جهان پدید می‌آید و ارزش‌های مذهبی، اجتماعی و انسانی آن را مشخص می‌کند. این ارزش‌ها به دیگران و طبیعت یا به هر چیزی که فرد نتیجه نهایی وصول قلمداد می‌کند، اطلاق می‌شود» (ارفعی، ۱۳۸۷، ص ۲۷).

همچنین، آلیستر هاردی<sup>۴</sup> پس از یک پژوهش گسترده بر روی هزاران فرد مذهبی چنین نتیجه گرفته است: «از مشخصات عمده تجربه‌های عرفانی-معنوی انسان، گرایش او به یک واقعیت فرامادی است. این گرایش و اشتیاق غالباً در اوایل دوران کودکی، خود را نشان می‌دهد. این احساس که چیزی از درون «من» قابل دریافت و ادراک است و تمایل به شخصی‌سازی این حالت، در قالب نوعی الوهیت و رابطه «من-تو»<sup>۵</sup> است، از طریق نیایش و طی طریق ایجاد می‌گردد» (هاردی، ۱۹۷۹، ص ۱۳۰). تعریفی که آلمن و همکاران از تجربه‌های عرفانی ارائه کرده‌اند عبارت است از: «نوعی رویداد روان‌شناختی فراطبیعی و گذرا که دربرگیرنده احساس وحدت و هماهنگی با نیروهای مقدس و کل هستی است. این حالت با یک یا تعدادی از آثار همراه است: عقلانیت، مذهبی بودن، از خودبی خود شدن یا خلسه، تغییر در احساس زمان، ناتوانی در توضیح دادن این پدیده، تغییرات عواطف در حین وقوع رویداد، تغییر وضع و انفعال جسمی» (آلمن<sup>۶</sup> و همکاران، ۱۹۹۲م، ص ۶۵۴-۶۹۰).

1. Hoffmann, R. J.

2. Elkins.

3. Consciousness.

4. Hardy, A.

5. I-thou.

6. Hardy, A.

7. Allman, L. S., De La Roche, O., Elkins, D. N., & Weathers, R. S

پالوتزیان<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۵م)، به تنوع تعریف‌های معنویت نزد برخی مؤلفان در گذشته و حال اشاره کرده‌اند که چشم‌انداز مناسبی را پیش‌رو قرار می‌دهد. موری و زینتر<sup>۲</sup> (۱۹۸۹م)، معنویت را چنین تعریف کرده‌اند: معنویت یک کیفیت روانی است که فراتر از باورهای مذهبی قرار دارد و در انسان ایجاد انگیزه می‌کند و احساساتی مثل درک هیبت الهی و احترام به خلقت را در شخص به وجود می‌آورد. فرد معنوی در زندگی هدفمند است و معنی زندگی را دریافته است، حتی در مواردی که فرد به وجود خداوند اعتقاد نداشته باشد، بُعد معنوی انسان را وامی‌دارد تا درباره خلقت و جهان لایتناهی اندیشه کند. زمانی این بُعد مهم در زندگی برجسته و مهم می‌شود که انسان در برابر فشارهای عاطفی، بیماری‌های شدید و مرگ قرار گیرد. کوئینگ و همکارانش معتقدند: معنویت عبارت است از جستجو و مطالعه شخصی برای درک و فهم پرسش‌هایی درباره زندگی، معنا و ارتباط با نیروی مقدس یا متعالی که ممکن است منجر به رشد آیین‌های مذهبی و تکوین جامعه شود (موررا آلمیدا،<sup>۳</sup> کوئینگ،<sup>۴</sup> ۲۰۰۶م). به نظر می‌رسد که مشخصات عمده تجربه‌های معنوی و مذهبی انسان، در اشتیاق او به واقعیت فرامادی نمایانگر می‌شود و این اشتیاق خود را در اوایل دوران کودکی نشان می‌دهد: این احساس که چیزی (حضور)، «سواى خودم»، قابل دریافت و ادراک است و تمایل به شخصی‌سازی حضور، در قالب نوعی الوهیت و رابطه «من و تو با آن» که از طریق نماز و نیایش برقرار می‌شود (ویلیام وست،<sup>۵</sup> ۲۰۰۴م، به نقل از: شهیدی و شیرافکن، ۱۳۸۳). وست<sup>۶</sup> (۲۰۰۰م) عنوان می‌کند که تعریف معنویت مشکل است. کرنٹ<sup>۷</sup> (۱۹۹۸م) بیان می‌کند که تعریف معنویت به دلیل معادل دانستن آن با مذهب، قدری مشکل است. کلی<sup>۸</sup> (۱۹۹۵م) خاطر نشان می‌کند که هرچند تعریف معنویت و مذهب، قدری مشکل می‌باشد، هر دو در مفهوم تعالی، با دیگری سهیم هستند. تعریفی که در پی می‌آید، از نشست سران انجمن ارزش‌های معنوی، اخلاقی و مذهبی در مشاوره،<sup>۹</sup> در سال ۱۹۹۶م، درباره معنویت به

1. Paloutzian, F.

2. Murray RB, Zentner J. B

3. Alexander Morira \_ almiada.

4. Harold g. Koeing

5. West, W.

6. West, W.

7. cornett.

8. Kelly, D. M.

9. Association for spiriual , Ethical and Religiou values in counseling.

دست آمده است (جری میلر،<sup>۱</sup> ۲۰۰۳ م). معنویت محصول مواجهه جان آدمی با امر قدسی به درجات مختلف است که موجب پرورش جان آدمی می‌شود و رشد معنوی را تضمین می‌کند (الکینز، ۱۹۹۸، ص ۵-۱۸). معنویت به معنای ساکن شدن روح القدس در فرد است که روح القدس به نحوی بر رفتار فرد معنوی تأثیر می‌گذارد (همان).

معنویت اسلامی و مبتنی بر دین، حالتی است که به دنبال ارتباط روحانی پیوسته با خالق و اطاعت از فرامین او در فرد ایجاد می‌شود؛ معنویت دینی راه‌گشای انسان در زندگی فردی و سبب ارتقای معنوی شخص و به تبع آن، جامعه و در نهایت عامل سعادت اخروی فرد و جامعه خواهد بود. در واقع، تمرکز بر معنویت می‌تواند وسیله‌ای باشد برای کنترل محیط، جلوگیری از تعارض، پذیرش اهداف فردی و اجتماعی و کسب موفقیت، به‌گونه‌ای که گروهی بر این باورند که باید معنویت را بخش مهمی از برنامه‌های فردی و اجتماعی به حساب آورد (دوست محمد، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵).

برخی از اندیشمندان، اجزا و مؤلفه‌های معنویت را بدین شرح بیان کرده‌اند:

۱. درک معنا و مفهوم زندگی؛ ۲. بهبود تعادل در ارزش‌های مادی؛ ۳. داشتن چشم‌اندازی برای بهبود جهان.

مک‌دونالد و فریدمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۲ م) هم برای معنویت به چهار مؤلفه اشاره کرده‌اند:

۱. تمرکز به هدف غایی؛ ۲. آگاهی و بهبود سطوح چندگانه هوشیاری؛ ۳. تجربه کردن ارزش و قداست زندگی؛ ۴. متعالی شدن به سوی کل (فراتر رفتن از خود).

اعتقاد بر این است که معنویت، نیاز فراتر رفتن از خود در زندگی روزمره و یکپارچه شدن با کسی غیر از خودمان است؛ این آگاهی منجر به تجربه‌ای می‌شود که فراتر از خویشتن است.

وگان در بحث ابعاد معنوی انسان، بعضی از خصوصیات معنویت را چنین عنوان کرده است:

۱. بالاترین سطح رشد در زمینه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی

را در می‌گیرد؛ ۲. یکی از حوزه‌های رشدی مجزا می‌باشد؛ ۳. بیشتر به عنوان نگرش مطرح

است؛ ۴. شامل تجربه‌های اوج می‌شود (ساغروانی، ۱۳۸۹، ۲۱-۲۲).

لوو (۲۰۰۲ م) هم سه مؤلفه اصلی معنویت را این چنین بیان می‌کند:

۱. جستجو برای غایت؛ ۲. داستان و نماد که نتیجه نیاز به تشریح تجربه‌های مذهبی بوده؛

۳. تعالیم اصول عقاید که نتیجه گفتار فلسفی تجربیات مذهبی است (به نقل از: تبراوی، ۱۳۸۵).

1. Geri Miller.

2. Friedman H. & McDonald D.

کینگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۸ م) معتقد است: دین بهترین خلاصه از رفتارها (اجتماعی و فردی، شامل مراسم و عادات)، ارزش‌ها، نگرش‌هایی که بر مبنای تعلیمات مذهبی (شامل داستان‌ها و سنبل‌ها) است. رفتار مذهبی شامل جستجوی فردی برای «غایت» و «خداپرستی» است، اما نه جهانی است و نه انتزاعی.

### روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش به منابع معتبر روان‌شناختی در خصوص معنویت و منابع اسلامی پیرامون معنویت مراجعه شده و مباحث مرتبط با بحث معنویت را جمع‌آوری نموده، سپس به توصیف و تحلیل آن پرداخته شده است، سپس نقطه نظر روان‌شناسان را با نظر اسلام مقایسه می‌کند. البته معنویت به عنوان یک مسئله و مفهوم مستقل در اسلام مطرح نبوده است. بنابراین محقق با استنباط مفهوم معنویت و مفهوم سازی از طریق استخراج ملاک‌های معنویت از دیدگاه منابع اسلامی و گاه با دلالت‌های التزامی به بررسی آن می‌پردازد.

در این پژوهش، به منابع معتبر روان‌شناختی در خصوص معنویت و منابع اسلامی پیرامون معنویت مراجعه و مباحث مرتبط با بحث معنویت را جمع‌آوری و پس از آن به توصیف و تحلیل اطلاعات پرداخته شد. سپس مقایسه بین نقطه نظر روان‌شناسان با نظر اسلام صورت گرفت. البته معنویت به عنوان یک مسئله و مفهوم مستقل در اسلام مطرح نبوده است. بنابراین با استنباط مفهوم معنویت و مفهوم سازی از طریق استخراج ملاک‌های معنویت از دیدگاه منابع اسلامی و گاه با دلالت‌های التزامی به بررسی آن پرداخته شده است.

### یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها نشان داد، معنویت در اسلام و روان‌شناسی به لحاظ ماهیت و کارکردها، تفاوت‌هایی دارد. در معنویت از دیدگاه روان‌شناسی بیشتر تجربه حال خوب و تجربه شخصی که می‌تواند تأثیرگذار در زندگی دنیا باشد، مد نظر است. هرچند بر اساس برخی از تعاریف، رفتارها هم که گاهی بر اساس نگرش‌ها و تعالیم مذهبی است، جزئی از تعریف معنویت قرار داده شده است؛ اما حدود آن را تا حدی گسترده قرار داده‌اند که تجربه شخصی بدون منبع

1. King, D. B.

الهی هم می‌تواند معنویت باشد. بر خلاف معنویت از دیدگاه اسلام که این حس و حال خوب در ارتباط با یک موجود متعالی و برتر رخ می‌دهد و می‌تواند تأثیرگذار در همه عرصه‌های وجودی انسان باشد. همان‌گونه که در دعای کمیل هم آمده است: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي فِي [مِنَ] اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَيَخْدَمَتِكَ مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي وَإِرَادَاتِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاجِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا»؛ یعنی تمام ساعات و لحظات انسان مؤمن که معنویت دارد، با اعمال و مناسک دینی است تا جایی که یک حالت خوش معنوی دائمی به وجود بیاید. یک عمل که حالت‌های بیرونی است و برای رضای خالق است، باعث حال درونی و معنوی خوش طولانی می‌شود. هیل و پارگامنت (۲۰۰۳م)، خاطر نشان می‌کند که آثار بسیار زیادی وجود دارد که مذهب و معنویت را با سلامت جسمی (جورج، الیسون و لارسون، ۲۰۰۲م و دیگران) و سلامت روانی (لارسون و همکاران، ۱۹۹۸م، پلنت و شرمن، ۲۰۰۱م) در ارتباط می‌داند. فرهنگ بزرگ لاروس، بهداشت روانی را «استعداد روان برای کار کردن هماهنگ، خوشایند و مؤثر، انعطاف‌پذیری در موقعیت‌های دشوار و توانا بودن برای بازیابی خود» تعریف می‌کند (به نقل از: ایزدی و یعقوبی، ۱۳۸۷).

کیم<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۴م)، سعی کردند رابطه بین معنویت و سلامت روان را تبیین نمایند. آنها نتیجه گرفتند رابطه معنویت و آشفتگی‌های روانی مانند یک U معکوس است؛ بدین ترتیب افرادی که نمره خیلی بالا یا خیلی پایین در پرسش‌نامه معنویت کسب کرده بودند، نسبت به افرادی که نمره متوسطی به دست آورده بودند، احساسات مثبت بیشتری مانند شوخ‌طبعی و اعتماد به نفس و هیجانات منفی کمتری مثل خصومت و غم را تجربه می‌کنند.

تحقیقات انجام شده نشان داده‌اند، معنویت نه تنها بر حالات خلقی و سلامت روانی افراد مؤثر است، بلکه شرایط جسمانی آنها را نیز بهبود می‌بخشد. کوئینگ (۲۰۰۴م) بیان می‌کند افرادی با میزان معنویت بالا دارای کارکرد ایمنی بهتر و غدد درون‌ریز منظم‌تری هستند. وی بر اساس تحقیقاتی که انجام داده، بر این باور است که افراد معنوی کمتر به واسطه سرطان می‌میرند. از سوی دیگر، بیان می‌کند که شیوع بیماری‌های کرونری قلب در افراد با گرایش‌های معنوی قوی‌تر، کمتر است و این امر با رفتارهای سالم در این افراد مثل

1. George, Ellison & Larson.

2. Plante & Sherman.

3. Kim.

پایین بودن مصرف سیگار، ورزش کردن، مصرف کلسترول کمتر و بهداشت خواب ارتباط دارد. او گزارش می‌دهد که ۱۲ مطالعه از ۱۴ مطالعه نشان داده‌اند که بین معنویت و فشار خون طبیعی ارتباط وجود دارد.

کوئینگ (۲۰۰۴م)، در تبیین وجود ارتباط بین معنویت و سلامت جسمانی معتقد است که معنویت هیجانانگیز و کارکردهای اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار داده و این امر نیز به نوبه خود سیستم ایمنی و غدد درون‌ریز وی را متأثر می‌سازد. بنابراین، باورها و اعمال معنوی با رفتارهای سالم، کارکرد ایمنی قوی‌تر، شرایط قلبی-عروقی بهتر و عمر طولانی‌تر همراه است (کروز، ۲۰۰۳م).

برخی از پژوهش‌ها وجود عوامل روانی-اجتماعی و معنوی را در افزایش میزان شادکامی مؤثر می‌دانند. برخی از محققان بر این باورند که معنویت بر بهزیستی روانی تأثیر می‌گذارد، چنانچه مطالعات بسیاری بر اساس نمونه‌های ملی نشان داده‌اند که شادکامی به طور معناداری با تعهد مذهبی (الیسون، ۱۹۹۱م)، قدرت رابطه شخصی با خدا (پولنز، ۱۹۸۹م)، تجارب عبادت‌کنندگان (پولماویندلتن، ۱۹۹۱م) و جنبه‌های مذهبی و مشارکتی دینداری (الیسون و همکاران، ۱۹۸۹م) حتی بعد از کنترل سن، درآمد و وضعیت تأهل رابطه دارد (ادگینتون و شومن، ۲۰۰۴م، به نقل از: کشاورز، ۱۳۸۴). مورلند و ایسلر<sup>۳</sup> (۲۰۰۵م) گزارش داده‌اند که معنویت کلید حقیقی برای شاد زیستن است. در مطالعه‌ای که با هدف بررسی ماهیت معنویت در کارمندان خدمات پزشکی اورژانسی و تأثیرش بر شاد زیستن و دعا برای بیماران روی ۱۲۵ نفر، توسط بکوس<sup>۴</sup> و همکاران (۱۹۹۵م) انجام شد، نگرش آنها با نگرش جمعیت کلی که از نظرسنجی‌های گالوپ به دست آمده بود، مقایسه شد. در هر گروه، ۶۰ درصد اظهار کرده بودند که اصلاً به وجود خدا شک نکرده‌اند، ۸۰ درصد آنها به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند و در میان کارمندان بخش اورژانس، افرادی که زندگی معنوی فعال‌تری داشتند، احساس شادی بیشتری می‌کردند (میرمهدی و همکاران، ۱۳۹۳).

از آنجا که معنویت بخش مهمی از زندگی افراد را تشکیل می‌دهد و تأثیر بسزایی بر سلامت و بهزیستی دارد، می‌توان انتظار داشت که معنویت بخش مهم مشاوره و روان‌درمانی نیز به شمار آید.

1. Crause.

2. Ellison.

3. Moreland & Issler.

4. Backus.



پراپست (۱۹۸۰، به نقل از: میلر، ۲۰۰۳م) اظهار داشت، نادیده گرفتن باورهای مذهبی مراجع باعث کاهش تأثیر روان‌درمانی و پایان یافتن نابه‌هنگام درمان می‌شود. همچنین میلر و تورسن<sup>۱</sup> (۱۹۹۹م، به نقل از: میلر، ۲۰۰۳) بر این عقیده پافشاری می‌کردند که اطلاع درمانگر از نگرش‌های مذهبی و معنوی مراجع، او را در فهم بهتر مسائل وی یاری می‌کند. همچنین باید خاطرنشان کرد که معنویت و مذهب از جانب نهادهای رسمی روان‌شناسی و مشاوره نیز مورد توجه واقع شده‌اند. در اصول اخلاقی روان‌شناسان، روان‌پزشکان و مشاوران بیان شده است که دین از مواردی است که متخصصان بهداشت روان ملزم به احترام به آن هستند (ریچاردز،<sup>۲</sup> ۲۰۰۴م، به نقل از: کامر، ۲۰۰۵).

انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) و انجمن مشاوره آمریکا (ACA) نیز بر اهمیت ابعاد معنوی در روان‌درمانی و مشاوره تأکید زیادی دارند. در هر دو سازمان مذکور تقسیم‌بندی حرفه‌ای مربوط به معنویت و مذهب انجام شده است. طبق گزارش‌های سازمان‌های فوق در سال ۲۰۰۰م، بخش سی و ششم APA به روان‌شناسی مذهب اختصاص یافته است که دارای حدود ۱۱۹۷ عضو بوده است. در دسامبر ۲۰۰۰م نیز در ACA بخش انجمن ارزش‌های معنوی، اخلاقی و مذهبی در مشاوره حدود ۲۷۰۵ عضو دارا بوده است. علاوه بر این گروه‌های تخصصی فراوانی در آمریکا و اروپا فعالیت می‌کنند که درصد پیوند بین آموزه‌های مذهبی و معنوی با اصول روان‌درمانی و مشاوره هستند (میلر، ۲۰۰۳). بر اساس شواهد به نظر می‌رسد دیگر فاصله بین علم و دین یا به عبارت بهتر، روان‌درمانی و مذهب به پایان رسیده است و بیعت مجددی بین آنها در حال تکوین است (میرمهدی و همکاران، ۱۳۹۳، به نقل از: کامر، ۲۰۰۵م، ص ۱۶۶).

پیدمونت (۱۹۹۹)، با ساختن مقیاس تعالی معنوی و انجام پژوهش‌های مختلف، به این نتیجه رسید که فقدان هر گونه الگوی سازمان‌یافته کلی برای درک اهمیت شخصیت‌شناسی سازه‌های معنوی، این زمینه را در حالت آشفتگی ادراکی قرار داده است. عملکردهای مذهبی مانند دعا کردن، حضور در اماکن مذهبی، خواندن قرآن و سیار متون مذهبی در پیشگیری و کاهش اختلال‌های روانی و همچنین مشکل‌های ناشی از آن مانند خودکشی مؤثر است و افزون بر این می‌تواند زمینه‌ساز رشد مناسب برخی ویژگی‌های شخصیتی مانند اعتماد به نفس بالا، عزت نفس و احساس کنترل بر شرایط در افراد باشد که در نهایت در ارتقای سلامت

1. Thoresen, C. E.

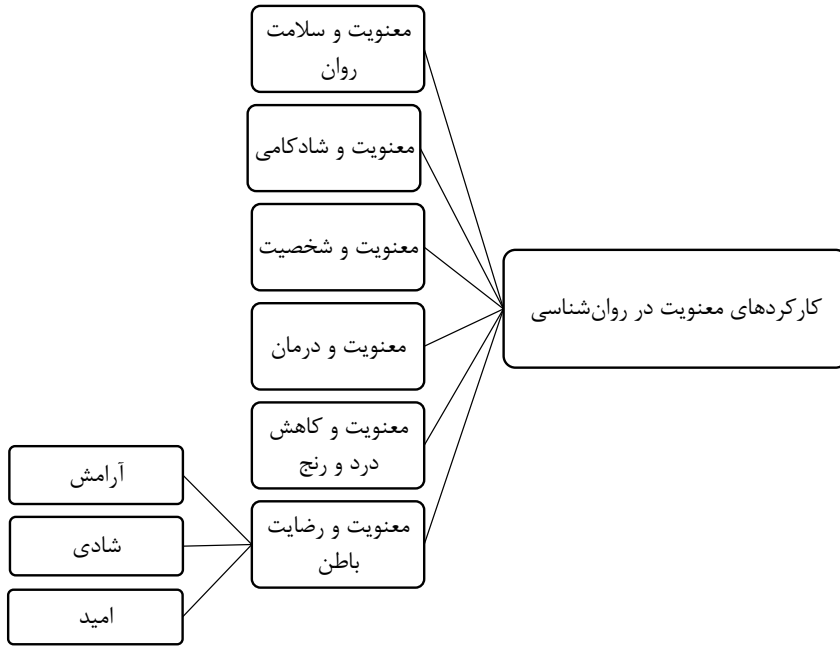
2. Richards, P.

روانی و پیشگیری از بسیاری مشکل‌ها تأثیر مثبت خواهد داشت (جان‌بزرگی، ۲۰۰۸). از اهداف روان‌شناسی کاهش درد و رنج بشر است، هدف معنویت سکولار نیز کاهش درد و رنج خود و هم‌نوعان است. این هدف مشترک، معنویت و روان‌شناسی را به هم پیوند می‌زند و هر دو را در یک جبهه قرار می‌دهد. در واقع، خاستگاه و نقطه عزیمت یک انسان معنوی، کاهش درد و رنج مجموع انسان‌ها و خود است. همه تحقیقات روان‌شناختی، چه آنهایی که در فلسفه نفس صورت گرفته؛ یعنی روان‌شناسی فلسفی و چه آنهایی که در روان‌شناسی تجربی صورت گرفته، تأیید می‌کند که هدف انسان این است که از درد و رنج بگریزد. او می‌خواهد خود را از درد و رنج برهاند. برانگیختگی یک فرد به سوی هر چیزی، برای این است که در آن چیز مایه کاهش درد و رنج می‌بیند (ملکیان، ۱۳۸۸، ص ۳۶۲-۳۶۳).

انسان معنوی علاوه بر اینکه همواره برای کاهش رنج و درد تلاش می‌کند، به دنبال چیز دیگری نیز است که در حوزه روان‌شناختی قرار می‌گیرد. ملکیان در این باره می‌گوید: «بزرگ‌ترین هدف همه ما انسان‌ها در زندگی این است که به رضایت باطن برسیم. رضایت باطن سه مؤلفه مهم دارد: ۱. آرامش؛ ۲. شادی؛ ۳. امید. این سه مؤلفه در مجموع سازنده چیزی است که در روان‌شناسی تجربی و روان‌شناسی عرفانی آن را رضایت باطن می‌نامند» (۱۳۸۸، ص ۳۵۷). کاهش درد و رنج بشر و رسیدن به رضایت باطن؛ یعنی آرامش، شادی و امید از واقعیت‌های روان‌شناختی است که حوزه معنویت و روان‌شناختی را به یکدیگر پیوند می‌زند. وقتی معنویت را در حوزه روان‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهیم، توجه به این نکته مهم خواهد بود که معنویت یک فرد چگونه است (رنجبر، ۱۳۹۵).

کارکردهای مختلف معنویت روان‌شناختی در نمودار ۱ بیان شده است:

## نمودار ۱- کارکردهای معنویت در روان‌شناسی



معنویت اسلامی در طول سالیان متمادی رشد بسیار چشمگیری در عرصه‌های علمی، فرهنگی، هنری، معماری، اقتصادی، اجتماعی، فردی، اخلاقی و... بر جای گذاشته و آثار و کارکردهای آن، درون فرد و نیز در سطح جامعه، بسیار گسترده بوده است. از آنجا که معنویت اسلامی کاملاً مبتنی بر تعالیم و آموزه‌های اسلام است، در یک نگاه کلی، با توجه به تقسیم رایج در خصوص آموزه‌های اسلامی (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۲) می‌توان آثار و کارکردهای معنویت اسلامی را نیز در سه حوزه اعتقادات، اخلاق و مسائل فقهی و احکام بررسی کرد؛ زیرا اسلام آیین جامعی است که تمام ابعاد وجودی انسان را مورد توجه قرار داده و تقسیم‌بندی آموزه‌های اسلامی در این سه حوزه بیانگر پاسخگویی این سه ساحت به نیازهای انسان در ابعاد مختلف است؛ بنابراین کارکردهای معنویت اسلامی در این سه حوزه ارتباط مستقیم با ابعاد وجودی انسان دارد (میان محله، ۱۳۹۵).

۱. قال النبی ﷺ: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَمَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ».

مراد از کارکردهای اعتقادی معنویت اسلامی، آثار و کارکردهای آن در حوزه اعتقادات یعنی باورهاست. برقراری پیوند قلبی ناشی از محبت با پروردگار متعال، می تواند نوع نگاه انسان به تمام عالم را تحت الشعاع خود قرار داده و در حوزه باور و بینش انسان، تأثیرگذار باشد. در این زمینه به عنصر رشد ایمان می توان اشاره کرد.

سیر همیشگی، رشد دائم و قوت وجودی یافتن از ویژگی های غیرقابل تردید معنویت در اسلام می باشد. برنامه ریزی تکوینی و تشریحی خداوند همواره مؤمن را دگرگون می کند و آنها را از تاریکی ها به سوی نور می برد (بقره، ۲۵۷). ما هرچند در آغاز، چنین حرکتی را به روشنی متوجه نمی شویم؛ ولی با کمی دقت در روابط پیرامونی و رخدادهای درون روانی به چنین دگرگونی دائمی می توان پی برد.

یکی از کارکردهای مؤثر معنویت اسلامی در انسان، رشد و شکوفایی ایمان است. بخش اساسی ایمان، باور و اعتقاد قلبی است. رابطه مؤلفه های معنویت با یکدیگر به صورت یک چرخه و نیز به صورت دو سویه برقرار است؛ یعنی باور به غیب و به دنبال آن باور به مبانی اسلام و تعالیم آن سبب ایجاد محبت پروردگار در دل انسان می گردد. در نتیجه، این شناخت و محبت انسان شیوه عبودیت را در پیش می گیرد و این گونه ساختار معنویت در انسان پدید می آید. این چرخه همچنان به مسیر خود ادامه می دهد؛ یعنی محبت و عبودیت ایجاد شده در انسان موجب شکل گیری باور عمیق تر و کامل تر در انسان می شود و به دنبال بینش عالی تر، محبت عمیق تر و سپس عبودیت کامل تر ایجاد می گردد و این چرخه همچنان ادامه می یابد. این فرایند را می توان به یک مارپیچ تشبیه کرد که در حلقه های پایین تر آن، باور کم رنگ و در حلقه های بالاتر، باور و اعتقاد عمیق تر را می توان مشاهده نمود. از این رو می توان رشد و شکوفایی ایمان را یکی از لوازم و پیامدهای معنویت اسلامی دانست (میان محله، ۱۳۹۵).

انسان مسلمان برخوردار از گوهر معنویت، به دلیل داشتن پیوند قلبی با پروردگار عالم و پایبندی به عبودیت او، هواهای نفسانی پست و بخش حیوانی وجود خویش را کنترل و محدود می نماید. در نتیجه، استعدادها و ابعاد انسانی و والای وجودی او، مجال بروز و ظهور یافته، به تدریج به مدارج بالای ایمان صعود می کند. این شکوفایی و رشد ایمان به دلیل آن است که هر کس در جهت تزکیه وجود خویش - که همان مفهوم عبودیت است - تلاش نماید، به رستگاری - که همان مقام قرب الهی است - نائل می گردد (هدایتی، ۱۳۹۱، ص ۶۳۲).

رشد معنوی در اسلام با اعتقاد و باورهای صحیح به شکل واسطه ای و مفهومی آغاز می گردد و با عمل کردن عملی که برخاسته از آن ایمان باشد، شکل می گیرد. در برنامه

معنوی اسلام بر اثر عمل تدریجی، کم‌کم انگیزه اعمال یکی پس از دیگری دگرگون می‌شود و چنان‌که بخشی از اعمال باید به قصد قربت انجام شود؛ اما این ویژگی به بقیه اعمال نیز تسری می‌یابد. در اینجا با شناختی که فرد پیدا می‌کند، فعالیت برای غیرخدا برایش بی‌معنی می‌شود و تمام اعمالش برای خدا و یاد خدا انجام می‌شود.

در ادامه، تمام اعمال فرد به یک چیز تبدیل می‌شود و حال فرد نیز برای همیشه در محضر قدس الهی قرار می‌گیرد. چنان‌که حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل می‌فرماید: «خدایا من از تو می‌خواهم به حق خودت و ذات مقدست و به بزرگ‌ترین صفات و نام‌هایت که تمام وقت‌های من را در شب و روز به یاد خود آباد گردانی و همواره مرا در خدمت خود مستدام بداری و کارهایم را در درگاهت قبول کنی، تا آنجا که اعمال و گفتارم تنها به یک ورد تبدیل شود و حالم همواره در خدمت تو باشد». چنین مرحله‌ای از کمال معنوی در قرآن نیز آمده است. در رسیدن به چنین مقام معنوی برای انسان می‌فرماید: «در این خانه افرادی هستند که هیچ‌گونه تجارت و خرید و فروش آنها را از یاد خدا باز نمی‌دارد» (نور، ۳۷). در چنین تکامل پویایی آدمی به اوج می‌رسد، یعنی شناخت و عاطفه و ویژگی‌های اخلاقی‌اش با عالم هستی و خالق آن هماهنگ می‌شود و چیزی غیر از خدا را نخواهد دید، عاطفه‌اش نیز به چیزی غیر از او تعلق نمی‌گیرد و تولیدات روان یعنی نگرش‌ها با تمام ابعاد نیز از «من» به «تو» تبدیل می‌گردد. بنابراین، معنویت در اسلام تنها در ارتباط با خدا معنی دارد و هیچ حالی از حالت‌های روانی به‌عنوان معنویت در صورت قطع ارتباط با مبدأ هستی معنویت به حساب نمی‌آید؛ یعنی معنویت واقعی درک ارتباط واقعی و درک انسان از مبدأ و خالق است (حبیبی، ۱۳۹۶).

مقصود از کارکردهای فقهی معنویت اسلامی، آثار و نتایج پایبندی به معنویت اسلامی در حوزه احکام و مسائل فقهی است. در حوزه فقه اسلامی به مسائل مربوط به نحوه رفتار و اعمال فردی و اجتماعی شخص مسلمان و نحوه صحیح انجام فرایض و عبادات اسلامی پرداخته می‌شود. پایبندی شخص مسلمان به معنویت اسلامی در دو حیطه «ارتقا یافتن کیفیت عبادات» و «افزایش یافتن صبر بر طاعت» نمود دارد که هر دو را می‌توان از لوازم فقهی معنویت اسلامی به‌شمار آورد.

مسلمان بهره‌مند از معنویت، نه تنها در پایبندی به احکام و عبادات دچار خستگی و کسالت نمی‌گردد بلکه با اشتیاق و توجه و حضور قلب به انجام فرایض می‌پردازد. علت آن است که او خود را در محضر پروردگار و محبوب خویش می‌بیند و انجام فرایض را نوعی راز و نیاز با معشوق می‌داند. در نتیجه، عبادات و اعمال او سرشار از حضور قلب و انس با عالم ملکوت گشته و نورانیت درونی پیدا می‌کند.

روح انسان از طریق پایبندی به تعالیم شریعت می‌تواند آمادگی حرکت به سمت معنویت و برقراری ارتباط قلبی با خداوند متعال را به دست آورد؛ زیرا تنها از طریق پایبندی به شریعت، نفس انسان از انحراف و گمراهی و افتادن به دام‌های مختلف، نجات می‌یابد. روح انسان باید فراگیرد که چگونه خود را از نیروی جاذبه زیبایی‌ها و جذابیت‌های مادی و غیراصیل‌رها سازد تا بتواند به سرچشمه تمام زیبایی‌ها دست یابد. به همین دلیل، ریاضت‌های شرعی بنا نهاده شده است؛ زیرا از طریق پایبندی به تعالیم شریعت و دریافت‌های آن مانند نماز، روزه، حج، جهاد، خمس، زکات و... که هر کدام سختی‌ها و ناملایماتی را برای انسان به دنبال دارد، نفس انسانی به هماهنگی و نظم مناسبی می‌رسد. از این طریق روح انسان می‌تواند تمام ریشه‌های خود را از علایق مادی بیرون کشیده و به سوی خداوند حرکت کند. در حقیقت نفس انسان با پذیرفتن برخی قیود و محدودیت‌ها در سطح افقی، برای سیر عمودی مهیا می‌شود (نصر، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲-۱۲۳؛ نصر، ۱۳۸۵، ص ۲۱۳-۲۱۴).

صبر بر دشواری و مشقت عبادت، یکی از اقسام صبر است که نتیجه محبت و خشیت الهی است (نراقی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۵-۳۵۶). مسلمانی که طعم شیرین پیوند قلبی با خداوند متعال را چشیده، خود را ملزم به شکرگزاری پروردگار می‌داند. چنین شخصی می‌داند شکر الهی در گرو اطاعت از خداوند در واجبات و محرّمات شریعت است (همان، ج ۲، ص ۳۴۸). پس تلاش می‌کند با پایبندی به اوامر و نواهی شریعت، سپاس پروردگار را همراه با صبر به جای آورد. از سوی دیگر، مسلمان با معنویت، دوستدار خداوند بوده، خواهان کسب رضایت و خشنودی اوست. از آنجا که خشنودی خداوند در پی اطاعت از خواسته‌های او حاصل می‌شود، این شخص اوامر و نواهی خداوند را پذیرفته و حتی بیش از آنچه در شریعت واجب گردیده به انجام فرایض مورد نظر پروردگار می‌پردازد. او به سبب اشتیاقی که در دلش نسبت به خداوند سبحان پدید آمده، با شور و نشاطی خاص و در قالب راز و نیاز و گفتگو با خداوند به انجام فرایض و نیز مستحبات روی می‌آورد. نه از روی اکراه و به منظور در امان بودن از عذاب الهی (خلیلی، ۱۳۸۹، ص ۵۱۱).

از آنجا که ارتباطات انسان ممکن است با خداوند، خود، جامعه و محیط زیست باشد، حوزه‌های اخلاق نیز طبق این تقسیم‌بندی به اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق محیط‌زیست تقسیم می‌شود. هرچند این تقسیم‌بندی دارای محدودیت‌هایی است، اما در بسیاری مواقع گره از کار محققان می‌گشاید (میان محله، ۱۳۹۵).

تأثیر اساسی معنویت اسلامی، در حوزه اخلاق جلوه‌گر می‌شود. در حقیقت، معنویت یکی

از پایه‌های بنیادین اخلاق اسلامی است و معنویت است که به اخلاق اسلامی معنا می‌بخشد. براین اساس، انسان بهره‌مند از معنویت اسلامی در تمام فضایل و ابعاد اخلاق بندگی، فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی به رشد و شکوفایی نائل می‌شود (همان).

ذیل رشد اخلاق بندگی به دو فضیلت اخلاص و رضا اشاره می‌شود. مفهوم «اخلاص» را می‌توان کلیدی‌ترین عنصر در اخلاق بندگی دانست؛ زیرا «خدامحوری» در انسان با معنویت توسط مفهوم اخلاص متجلی می‌شود. فضیلت «رضا» نیز دربردارنده بسیاری از فضایل دیگر از جمله صبر، تسلیم، توکل و... در حیطه اخلاق بندگی است.

منظور از اخلاق فردی، خلقیاتی در انسان است که در تحقق آنها غیر از خود انسان عامل یا شخص دیگری مطرح نیست؛ یعنی اموری درونی و خاص خود انسان که در این حیطه لذت پایدار (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۷)، آرامش درونی، سکینه و طمأنینه (میان محله، ۱۳۹۵، ص ۱۲۸ و ۱۳۱)، سرور و شادی و صبر (خلیلی، ۱۳۸۹ و حسینی مطلق، ۱۳۹۴)، بیشتر از معنویت اسلامی تأثیر می‌پذیرند.

علاوه بر مواردی که ذکر شد، معنویت می‌تواند به افراد در گسترش قلمرو آگاهی‌هایشان کمک کند. دانسته‌هایشان را از مرز عادی دانش بشری فراتر ببرد و بینش و خلاقیت آنها را افزایش دهد. همچنین معنویت می‌تواند قدرت خلاق ذهن بشری را با خداوند مرتبط کند (مقیمی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۹۱).

شکوفایی و درخشندگی فراوان در عرصه علم و هنر و معماری نیز از لوازم و نتایج معنویت اسلامی در طول سالیان متمادی در سرزمین‌های اسلامی بوده است. دانشمندان بی‌ظنیری همچون ابن‌سینا، زکریای رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ بهایی و... در عرصه علم و معرفت خلاقانه درخشیده‌اند. این عظمت و درخشندگی علمی در دامان معنویت اسلامی تبلور یافته است. دانشمندان بزرگ اسلامی بر خلاف دانشمندان غربی به هر مقدار که رشد و پیشرفت علمی کسب می‌کردند، پیوند قلبی مستحکم‌تری با پروردگار عالم برقرار می‌ساختند. تواضع و خشوع آنان در پیشگاه خداوند متعال در لابه‌لای آثارشان نمایان است (میان محله، ۱۳۹۵). هنر شکوهمند اسلامی نیز به شیوه‌ای بی‌واسطه از معنویت اسلامی سرچشمه می‌گیرد و منشأ این هنر در محتوای درونی و وجه معنوی اسلام نهفته است. «هنر و معماری اسلامی به اعتراف همگان، پیام‌آور نوعی آرامش و شکوه و اندیشمندی است. اگر هنر اسلامی به خلوت درونی انسان راه یافته، از آن روست که این هنر پیامی است از همان خلوت درونی برای آنان که می‌توانند پیام رهایی‌بخش آن را بشنوند. این هنر می‌تواند

فضایی آرام و متعادل، همساز با سرشت انسان در پهنه جامعه اسلامی را فراهم سازد. فضایی که در آن انسان به هر سو روی آورد یا خداوند درون او بیدار شود» (نصر، ۱۳۸۹، ص ۱۷). توانایی خلق چنین هنر و معماری تنها از عهده بزرگانی برآمده که خود، مسلمانانی سرشار از معنویت و شور الهی بوده‌اند.

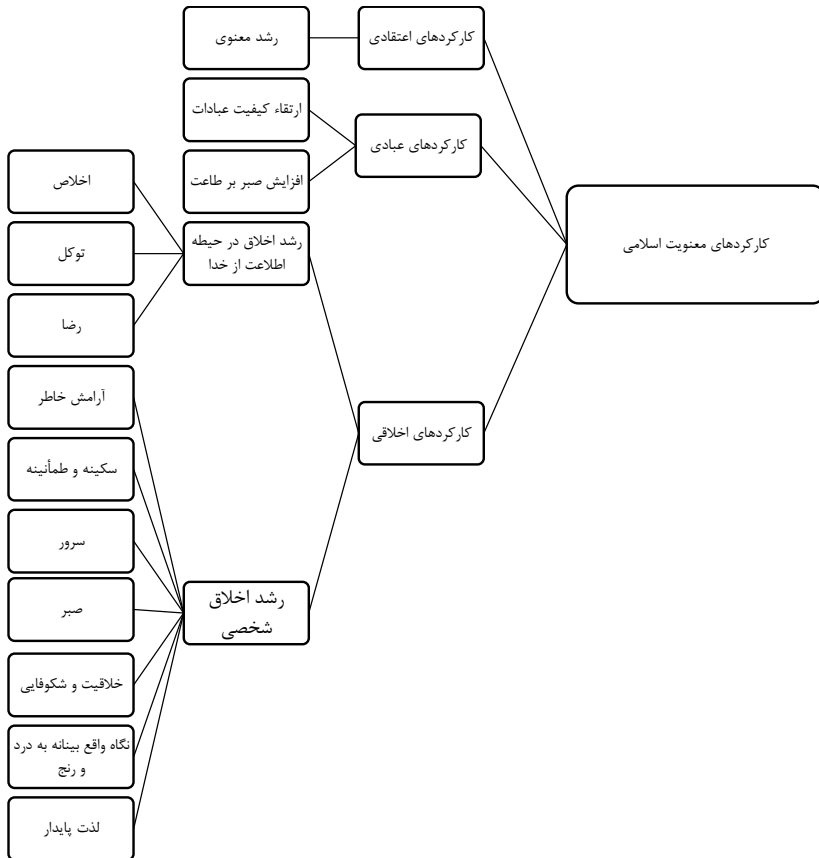
از دیگر مصادیق رشد و بالندگی ناشی از معنویت اسلامی، رشد اخلاق اجتماعی است؛ زیرا تعالیم اسلام دارای ضمانت اجرایی درونی است (انعام، ۱۰۳). این امر بدان سبب است که با هیچ وسیله بیرونی و خارجی نمی‌توان نیت درونی و اعمال عبادی شخصی انسان را کنترل کرد. تنها به واسطه یک نظام نظارتی درونی که حتی به اندازه ذره‌ای از عمل و نیت انسان از آن نظارت مخفی و پوشیده نمی‌ماند، می‌توان اعمال شخص را رصد کرد؛ زیرا عمق محتوای روحی یک عمل انسان را کسی جز خداوند سبحان - که به تمام زوایای وجودی انسان احاطه کامل دارد - نمی‌تواند دریابد. انسان مسلمان واجد معنویت به سبب داشتن باور قلبی به عالم غیب و پذیرش نظارت خداوند نسبت به اعمال و نیت انسان و نیز به سبب دارا بودن محبت قلبی به خداوند متعال، یک احساس مسئولیت درونی نسبت به خواسته‌های پروردگار در وجودش ظهور می‌یابد. خواسته‌های خداوند از انسان تنها محدود به عرصه زندگی شخصی او نیست، بلکه توجه و خواست خداوند نسبت به عرصه زندگی اجتماعی و دیگران، بسیار پررنگ و جدی‌تر است. در تعالیم اسلامی درباره حق الناس سفارش‌های بسیاری شده است که نشان‌دهنده همین مطلب است. از این رو، مسلمان دارای معنویت برای کسب رضایت و محبت الهی، تبدیل به انسانی نمونه در عرصه زندگی شخصی و نیز شهروندی صالح و قانون‌مدار در عرصه جامعه می‌شود. این رشد شخصیتی و اجتماعی به واسطه معنویت اسلامی در شخص ایجاد می‌شود (میان محله، ۱۳۹۵).

رشد اجتماعی فردی اعضای جامعه در مجموع منجر به افزایش سطح فرهنگ و رشد اجتماعی کل آن جامعه خواهد شد (صدر، ۱۳۸۸، ص ۲۹-۳۲). از سوی دیگر، معنویت اسلامی، رهبانیت و انزوا را نفی می‌کند. لازمه این امر حضور شخص در جامعه و داشتن احساس مسئولیت در خصوص شئون مختلف جامعه است که با سکوت و بی‌تفاوتی منافات دارد. به همین دلیل، پایبندی به معنویت اسلامی از این زاویه نیز سبب رشد و بالندگی جامعه می‌شود. او با سرسپردگی در پیشگاه مبدأ و منتهای عالم هستی از موهبت استغنائی روحی و غنای نفسانی بهره‌مند گردیده است. دنیا و عقبی در نظر او کم‌رنگ و بی‌ارزش گشته، تنها خداوند در نگاهش دارای ارزش و اعتبار است (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰).



کارکردهای معنویت در اسلام، زیاد و در عین حال قابل تجربه در ابعاد مختلف است که در نمودار ۲ به آنها اشاره شده است:

### نمودار ۲- کارکردهای معنویت اسلامی



### بحث و نتیجه‌گیری

بیشترین شباهت را در کارکردهای هر دو معنویت می‌توان کشف کرد. به‌گونه‌ای که آرامش، بهداشت روان، شادی از مشترک‌های کارکردهای معنویت در اسلام و روان‌شناسی است. معنویت در روان‌شناسی مبتنی بر حال خوب و ارتباط خوب با دیگران است، همین کارکرد در معنویت اسلامی هم موجود است.

مقایسه معنویت از منظر اسلام و روان‌شناسی نشانگر آن است که علی‌رغم توجهات و

تأکیدات صاحب‌نظران و متفکران روان‌شناس در این حوزه، اندیشمندان روان‌شناس، این مسئله را تنها یک مفهوم انتزاعی فرض کرده‌اند که با اذهان و روان مردم و آن هم تنها به صورت شخصی سر و کار دارد؛ اما معنویت مستند و استخراج شده از دین، با باورهای دینی و دستورات دینی و به‌ویژه اعمال و مناسک دینی ارتباط دارد، همچنین آمیخته به ویژگی‌های اخلاقی است.

تمامی کارکردهای برآمده از معنویت‌های از دیدگاه روان‌شناسان، در معنویت از نگاه اسلام هم یافت می‌شود، نه به عکس؛ یعنی در معنویت اسلام کارکردهایی قابل رصد هستند که در معنویت روان‌شناسان اثری از آنها وجود ندارد. برای مثال، کارکردهای اخلاق فردی یا کارکردهای فقهی مانند صبر بر طاعت، کارکردهایی هستند که در معنویت از دیدگاه روان‌شناسان وجود ندارد، بلکه در برخی مواقع به خاطر عدم اعتقاد به مبانی اصیل، مورد مخالفت قرار گرفته است.

مبانی و مقاصد؛ یعنی پیش‌فرض‌ها و غایت‌های بنیادین در معنویت از نگاه اسلام و معنویت از دیدگاه روان‌شناسان، متفاوت و گاهی متناقض است. به همین جهت حتی در کارکردهای مشترک مانند آرامش، میان این دو تفاوت وجود داشته و تشابهی به لحاظ مبانی و مقاصد وجود ندارد. همان‌گونه که گفته شد در کارکرد آرامش و یا سرور و شادی، در معنویت از نگاه روان‌شناسان، همین آرامش یا سرور و شادی، همین‌ها غایت مطلوبی است که مستقلاً و بالذات دنبال می‌شود. درحالی‌که در معنویت از نگاه اسلام، غایت اصلی قرب به خدا و سعادت ابدی بوده که یکی از ثمراتش آرامش در زندگی یا سرور و شادی است.

در روان‌شناسی بدون نگاه توحیدی و معرفت‌شناختی به معنویت پرداخته‌اند. از این رو اگر صحبتی از معنویت می‌شود بیشتر ناظر به تجربه‌های اوج و تجربه‌های شخصی (وگان، ۱۹۹۱م؛ لوور، ۲۰۰۲م و ویلبر، ۱۹۹۷) ناظر به بهبود تعادل در ارزش‌های مادی (الکینز، هندرسون، هوگس، لیف و ساندرز، ۱۹۸۸) بهداشت روان و بدن (کالیفورد، ۲۰۰۲م و سوانتون، ۲۰۰۱) جستجو برای غایت و جستجو برای معناداری (لوور، ۲۰۰۲م؛ دیلان، ۲۰۰۲م و دوویل، ۱۹۹۷) تجربه فاعلی امر مقدس (وگان، ۱۹۹۱) است. البته در این میان برخی مانند کالیفورد (۲۰۰۲) معنویت را متشکل از عنصر مهمی به نام نگرش دینی می‌دانند و یا الکینز و کوئینگ جان آدمی با امر قدسی را عنصر معنویت دانسته‌اند.

معنویت از نگاه اسلام بر اساس مبانی‌اش، حیات ابدی و عالم دیگری را رکن می‌داند. بر این اساس هم حیات دنیوی را در پرتو کل حیات انسانی (یعنی دنیا و آخرت) ملاحظه کرده و

کارکردهایی مانند آرامش را در این بازه دنیا و آخرت مطرح می‌کند. درحالی‌که آرامش در نگاه معنویت روان‌شناسان محدود به زندگی این جهان محدود می‌شود.

در معنویت که از نگاه روان‌شناسان به دست می‌آید، غایت معنویت در آرامش و شادی و رهایی از درد و رنج خلاصه می‌شود؛ اما در نگاه اندیشمندان مسلمان، غایت معنویت در آرامش، شادی، امید و رهایی از درد و رنج محدود نمی‌شود؛ زیرا ممکن است استعمال مواد مخدر نیز برای مقطعی انسان را از درد و رنج زندگی رها سازد. همچنین هدفمندی مادی یا زندگی با هدف‌های کوچک، آرامش روان، بهداشت روانی، خلسه تخدیری و... با وجود کارکردهای مقطعی‌شان، نمی‌توانند مصادیقی تام از معنویت حق و صادق باشد. ضمن اینکه باید توجه شود که نظام معرفتی بشر، یقین محور است؛ یعنی دسترسی به یقین و حقیقت ممکن است و شک و تردید، به‌ویژه در امور مرتبط با سرنوشت انسان، مردود و محکوم به بطلان است. معنویت هم به منزله یکی از مهم‌ترین لایه‌های زندگی نمی‌تواند با شک و تردید همراه باشد. ملاک صدق و در نتیجه پذیرش گزاره‌ای، مطابقت با واقع است.

ویژگی و وجه تمایز کارکردهای معنویت روان‌شناسانه آن است که آن دسته از مبانی و مؤلفه‌های معنویت دینی را که در کارکردهای معنویت اسلامی نقش مستقیم دارند و در جهان مدرن به آنها توجه نمی‌شود، نادیده می‌گیرد؛ مثلاً وجود خدا یا جهان آخرت در این معنویت‌ها به گونه‌ای نفی شده یا مسکوت گذاشته شده است. در عین حال، کارکردهای برآمده از این مبانی و مؤلفه‌های مورد انکار، مورد ادعا قرار می‌گیرد. مانند کلماتی که فروید در مورد دین دارد که آرامش با دین و چنین اعتقادی سلب می‌شود.

بیشتر کارکردهای معنویت جدید و معنویت از نگاه روان‌شناسی فردی ناظر به کارکردهای احساسی و عاطفی است.

در زمینه کارکردهای عملی نیز، هرچند تشابهی میان کارکردهای معنویت روان‌شناسی و معنویت در اسلام وجود دارد؛ اما تفاوت‌های عمیقی در همین موضوع یافت می‌شود. از آنجا که در معنویت از نگاه روان‌شناسی، خدای مستقل و بیگانه مورد انکار و غفلت است، بدین جهت برخی کارکردهای معنویت اسلامی همچون خلوص نیت، در معنویت روان‌شناسی، موضوعیت ندارد.

## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.

- تیرائی، رامین (۱۳۸۵)، «بررسی جایگاه «معنویت» در الگوهای عمده سلامت روان»، *روان شناسی و دین*. ش ۹، ص ۵-۲۹.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۳)، *شرح غررالحکم و دررالحکم*، تهران: دانشگاه تهران.
- حبیبی، یحیی (۱۳۹۶)، *مفهوم سازی دین و معنویت*، در دست چاپ.
- حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
- حسینی مطلق، سید مرتضی (۱۳۹۴)، *ویژگی های زندگی مطلوب در روان شناسی مثبت و مقایسه آن با زندگی مطلوب در منابع اسلامی با تکیه بر عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت قم.
- دوست محمد، عترت (۱۳۸۹)، «درآمدی بر معنویت شناسی سازمانی و کارکردهای آن در نیروی انتظامی»، *توسعه انسانی پلیس*، دوره هفتم، شماره ۳۲، ص ۱۰۵-۱۲۰.
- دیلمی، ابو محمد حسن (۱۳۷۶)، *ارشاد القلوب*، ترجمه سید عباس طباطبایی، قم: جامعه مدرسین.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم.
- رنجبر، علی حسین (۱۳۹۴)، «نسبت معنویت و روان شناسی»، *مطالعات معنوی*، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۶۳-۸۳.
- ساغروانی، سیما و غیور، سید مرتضی (۱۳۸۸)، «معنویت، خودشکوفایی و هوش معنوی در محیط کار»، *فصلنامه علمی-پژوهشی-تخصصی گروه مدیریت دانشگاه امام رضا علیه السلام*، شماره ۸، ص ۲۷-۳۱.
- صدر، محمدباقر (۱۳۸۸)، *آیین بندگی در آئینه اندیشه و احساس*، ترجمه مهدی طیب، تهران: سفینه.
- صدیقی ارفعی، فریبرز (۱۳۸۷)، «تجربه های معنوی-عرفانی از دیدگاه روان شناسی»، *مطالعات عرفانی*، ش ۸، ص ۲۵-۴۶.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵)، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، چاپ دوم، نجف: المكتبة الحیدریة.
- عابدی جعفری، حسن و رستگار، عباسعلی (۱۳۸۶)، «ظهور معنویت در سازمان ها (مفاهیم، تعاریف، پیش فرض ها، مدل مفهومی)»، *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، سال دوم، شماره ۵، ص ۹۹-۱۲۱.
- گلشنی، مهدی (۱۳۷۹)، *علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیستم*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی، عبدالله (۱۳۹۰)، «نقد نظریه تباین دین و معنویت»، *معرفت کلامی*، سال دوم، شماره ۳، ص ۱۱۵-۱۳۶.
- مرزبند، رحمت اله و زکوی، علی اصغر (۱۳۹۱)، «شاخص های سلامت معنوی از منظر آموزه های وحیانی»،

*اخلاق پزشکی*، سال ششم، شماره ۲، ص ۶۹-۱۰۰.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶)، *اخلاق در قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- معاونت فرهنگی اجتماعی دانشگاه اصفهان (۱۳۹۵)، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی معنویت سلامت و شادی، با تأکید بر آموزه‌های اهل‌البیت علیهم السلام*، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۰)، *راهی به رهایی: جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت*، تهران: نگاه معاصر.
- میان محله (۱۳۹۵)، *بررسی تطبیقی مبانی، مؤلفه‌ها لوازم معنویت اسلامی و معنویت سکولار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه معارف.
- میرمهدی، سید رضا؛ صفاری نیا، مجید و شریفی، احسان (۱۳۹۳)، *معنویت‌درمانی و رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر*، تهران: آوای نور.
- ناروئی نصرتی، رحیم (۱۳۸۴)، «دین و معنویت، نگاهی دینی و روان‌شناختی»، *مبانی نظری مقیاس‌های دینی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نراقی، مولی مهدی (۱۳۸۸)، *جامع‌السعادات*، جلال‌الدین مجتبوی، تهران: حکمت.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۵)، *قلب اسلام*، ترجمه سید محمد صادق خرازی، تهران: نی.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۲)، *انسان سنتی و مدرن*، ترجمه مهدی نجفی‌افرا، تهران: جامی.
- هدایتی، محمد (۱۳۹۱)، «گسست‌ها و پیوندهای دینی با اخلاق»، *مطالعات معرفتی دانشگاه اسلامی*، شماره ۴، ص ۶۲۵-۶۵۰.
- Allman, L. S, De La Roche, O, Elkins, D. N, Weathers, R. S (1992), Psychotherapists' attitudes towards clients reporting mysticalexperiences, *Psychotherapy*, 29, p. 564-569.
- Dupre Louis (1087), mysticism, in *Encyclopedia of religion*, Eliade, Mircea (ed), V. 10, p, 245-261.
- Elkins, D. N (1998), *Beyond religion: A Personal Program for Building a Spiritual Life outside the Walls of Traditional Religion*, wheaton, II: Quest Books.
- Hardy, A (1979), *The Spiritual Nature of Man*, Clarendon Press, Oxford.
- Janbozorgi M, (2008), Religious orientation and mental health, *Journal of the ShaheedBeheshti Universityof Medical Sciences and Health Services*,

4(31), p. 345-350.

- Koenig, H (1998), Hand Book Religion and mental health, Academic press.
- Koenig, H. g (2004), Spirituality, Wellness, and quality of life, Sexuality, Reproduction and Menopause, 2, p. 76-82.
- Miller, g. A (2003), Incorporating spirituality in counseling and psychotherapy: Therapy and techniques. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.
- Paloutzian, F, Raymond, Park, L ( 2005), Crystal, Handbook of the Psychology of Religion and Spirituality, New York: The guilford Press.
- Richards, P, Bergin, A. E, (2004), Case book for a spiritual strategy in counselingand psychotherapy, Washington, DC: American Psychological Association.
- Wullff, D. M (1997), Psychology of religion: Classic and contemporary views, (2nded) New York: Wiley.

# اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ (ص ۱۰۳-۱۱۷)

## اشتغال مادران و تأثیر آن بر فرزندپروری تا سه سالگی

### Mothers' employment and its impact on parenting up to three years old

✉ **مجتبی فرهوش** / دانشجوی دکتری روان شناسی، گروه قرآن و روان شناسی، دانشگاه جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران.  
**حمیدرضا حبیب الهی** / دانشجو دکتری مدرسی معارف گرایش اخلاق، دانشگاه معرفت، قم، ایران.  
**زینب عصار** / دانشجو کارشناسی روان شناسی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

**Mojtaba Farhoush** / PhD student of Psychology, Quran and Psychology Department, ALMustafa International University, Qom, Iran. [Mojtaba.farhoush@gmail.com](mailto:Mojtaba.farhoush@gmail.com).

**Hamidreza habibollahi** / PhD student of Ethics, maaref University, Qom, Iran.

**Zeinab assar** / Undergraduate student in Psychology, Quran and Hadith University, Qom, Iran.

#### Abstract

The mother is one of the most influential people in the life and personality of the child. Mothers' employment can have different consequences and effects on their children's mental health. The purpose of this study is to identify the consequences of mothers' employment on parenting up to the age of three based on the opinions and research of educational scientists. According to the purpose, the type of research is a review study and the research method is descriptive-analytical. The statistical population of the research The articles and researches of the last ten years with related keywords were in the Normags database, the database of the Jihad University Scientific Information Center and the comprehensive humanities portal. First, articles and researches were collected and then their contents were categorized and analyzed. Findings showed that mothers' employment has adverse effects on the

#### چکیده

مادر یکی از تأثیرگذارترین افراد بر زندگی و شخصیت کودک به شمار می رود. اشتغال مادران می تواند پیامدها و تأثیرات متفاوتی بر سلامت روانی کودکان آنها داشته باشد. هدف این پژوهش شناسایی پیامدهای اشتغال مادران بر فرزندپروری تا سه سالگی کودک بر اساس نظرات و پژوهش های متخصصان علوم تربیتی است. با توجه به هدف، نوع پژوهش مطالعه مروری و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش مقالات و پژوهش های ده سال گذشته با کلیدواژه های مرتبط با موضوع، در پایگاه داده های نورمگز، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و پورتال جامع علوم انسانی بود. ابتدا مقالات و پژوهش ها جمع آوری و سپس مطالب آنها دسته بندی و تحلیل شد. یافته های پژوهش نشان داد اشتغال مادران تأثیرات نامطلوبی

child's psychosocial development, the formation of attachment, anxiety, sleep, emotional development, self-confidence and role modeling, and the child is harmed in the early years of childhood. In addition, it increases the child's vulnerability in later years and adolescence. Therefore, it can be concluded that mothers' employment, although it has benefits; However, it has adverse effects on the developmental process of children, especially their emotional development, and increases the vulnerability of children in the early years of childhood.

**Keywords:** Mothers' employment, children's upbringing, parenting, the first three years of life.

بر رشد روانی اجتماعی فرزند، شکل‌گیری دلبستگی کودک، نگرانی، خواب، رشد عاطفی، اعتماد به نفس و الگوپذیری کودک دارد و کودک در سال‌های اولیه کودکی آسیب می‌بیند. علاوه بر این آسیب‌پذیری کودک در سال‌های بعد و سنین نوجوانی را افزایش می‌دهد. پس می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال مادران گرچه فوایدی به دنبال دارد؛ اما تأثیرات نامطلوبی در فرآیند رشد فرزندان، به‌ویژه رشد عاطفی آنها، بر جای می‌گذارد و میزان آسیب‌پذیری کودکان را در سال‌های اولیه کودکی افزایش می‌دهد.

**کلید واژه‌ها:** اشتغال مادران، تربیت فرزندان، فرزندپروری، سه سال اول زندگی.

## مقدمه

خانواده یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی است که کودک در آن متولد شده و پرورش می‌یابد و خود را برای ورود به جامعه آماده می‌کند (نیلی احمدآبادی، باقری، و سلیمی، ۱۳۹۸). زنان در این نهاد مهم اجتماعی نقش‌های متعددی دارند که بر سلامت و بهزیستی تمام اعضای خانواده اثرگذار است. در هر جامعه‌ای در سراسر جهان، مادران مسئولیت اصلی مراقبت از نوزادان و کودکان را بر عهده دارند (سینگ، ۲۰۱۸). نقش یک مادر بسیار حائز اهمیت است نه به‌خاطر مهارت خاصی که دارد بلکه به‌خاطر زمانی که با کودکان سپری می‌کند و رفتار و تربیت او تأثیر زیادی بر نگرش‌ها، باورها، توانایی‌ها و رفتار کودکان دارد (صوفی و بهزادپور، ۱۳۹۹).

یکی از حوزه‌های تغییر در زندگی اجتماعی در عصر مدرن، تغییر و تحولات در زندگی زنان و مادران است. این تحولات باعث ایجاد تغییراتی در باورها و نگرش‌های اجتماعی در مورد زنان و نیز تغییر در نقش‌های اجتماعی، خانوادگی و فردی آنان شده است. در بین این تغییرات، اشتغال زنان از اهمیت بسزایی برخوردار است. یکی از حوزه‌هایی که اشتغال



مادران می‌تواند تأثیر زیادی بر آن بگذارد، رابطه بین آنها و کودکان زیر سه سالشان است (اقدام، احمدزاده، حسنعلی زاده، ابراهیمی و همکاران، ۲۰۱۵).

امروزه به دلیل جدایی کار از خانواده، امکان ایفای همزمان و توأم وظایف و فعالیت‌های شغلی و خانوادگی وجود ندارد. در گذشته در جوامع روستایی و سنتی امکان اشتغال و خانه‌داری به‌طور همزمان ممکن بود، اما امروزه محل کار از خانه فاصله دارد و اشتغال موجب دوری مادر از فرزندش می‌شود (شهرکی و قادری، ۱۳۹۷).

اغلب کودکان با امکانات مناسبی برای رشد، متولد می‌شوند و آمادگی دارند که به شایسته‌ترین وجه پرورش یابند و به برترین کمالات دست یابند. متأسفانه در بسیاری از خانواده‌ها مشکلات و موانعی مانع رشد مناسب کودک می‌شود (آهین و خواجوی، ۱۳۹۶). بسیاری از خانواده‌ها نسبت به اهمیت سال‌های اولیه کودکی آگاهی ندارند، نیازهای عاطفی و روان‌شناختی کودک را نمی‌شناسند و برای آن برنامه‌ریزی نمی‌کنند. در صورتی که کودکان از امکانات رشد و پرورش صحیح برخوردار باشند، امکان زندگی متعالی و ارزشمند در آینده برایشان فراهم است. با این وجود اغلب مردم، تصورات غیرواقع بینانه و مبهمی درباره کودکان دارند. یکی از مهم‌ترین نیازهای کودک، رابطه با مادر است (اژدم روشن، ۱۳۹۵).

امروزه ارزش‌ها و سبک زندگی خانواده‌ها تغییر کرده است، این تغییرات به همراه افزایش سطح تحصیلات زنان، موجب انگیزش زنان برای حضور در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی شده است. افزایش چشمگیر میزان اشتغال زنان در جهان از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، به‌عنوان مهم‌ترین مشخصه «انقلاب در نقش‌های جنسیتی» نامیده شده است (فروتن، ۱۳۹۰). همه روزه زنان بیشتری به اشتغال در خارج از خانه روی می‌آورند. بعد از جنگ جهانی دوم تا به حال در جامعه آمریکا تعداد زنانی که وارد بازار کار شده‌اند بسیار افزایش یافته است. در سال ۱۹۴۷م فقط یک سوم همه زنان در آمریکا کار می‌کردند. در سال ۱۹۸۰م این رقم به بیش از یک دوم رسید. از میان این زنان بخش مهمی را مادران شاغل تشکیل می‌دهند (شهرکی، قادری، ۱۳۹۷). اشتغال زنان پیامدهای مثبت و منفی دارد (فراهانی، حکمت‌پور و مقدم، ۱۳۹۴).

اشتغال زنان پیامدهای مثبتی را برای زنان، خانواده و جامعه به همراه دارد. در زنان اعتماد به نفس، استقلال و قدرت تصمیم‌گیری را تقویت می‌کند. به درآمد اقتصادی خانواده کمک می‌کند و موجب توسعه بهتر جامعه در برخی عرصه‌ها می‌شود. با این وجود اشتغال زنان، آثار منفی نیز در پی دارد که اغلب آنها متوجه زنان و خانواده آنها است. انرژی افراد

محدود است، زنان شاغل بخش مهمی از انرژی خود را که بایستی به زندگی خانوادگی اختصاص دهند، در محیط کار صرف می‌کنند، در نتیجه کیفیت زندگی خانوادگی آنها کاهش می‌یابد (فداکار گبلو، برجعلی و یزدان پناه، ۱۳۹۴).

بسیاری از محیط‌های کاری، مناسب حضور زنان نیست و حریم روابط زن و مرد رعایت نمی‌شود. اشتغال و انجام فعالیت‌های اقتصادی زنان باید با آموزه‌های اسلامی در خصوص رعایت حریم بین زن و مرد و علاوه بر آن اهمیت خانواده و در نهایت تعالی و رشد جامعه انسانی همسو و هماهنگ باشد (کرمی، ۱۳۹۴). اشتغال زن، اگرچه در کوتاه مدت درآمد اقتصادی خانواده را افزایش دهد؛ اما در تربیت نسل آینده جامعه اختلال ایجاد کند، در آینده هزینه‌های زیادی را به خانواده و جامعه تحمیل می‌کند. بنابراین بایستی ابعاد مختلف اشتغال زنان بررسی شود (خدابخشی کولایی، حسنی و فلسفی نژاد، ۱۳۹۴).

در آموزه‌های اسلامی، هیچ تکلیفی به لحاظ اقتصادی بر عهده زنان نیست. خانه‌داری، شوهرداری و فرزندپروری مهم‌ترین وظایف زن است. در آموزه‌های مهدوی نیز نقش مادری و همسری زن چنان ارزش و جایگاهی دارد که امکان دیگر نقش‌های بعد از این دو حیطة، قابل بررسی است. سبک زندگی مهدوی، اشتغال زنان را با رعایت اصول مورد نظر اسلام یعنی رعایت حریم با نامحرم و اولویت نقش مادری و همسری و عدم تعارض با آن، تأیید می‌کند (العبدالخانی و بحرینی، ۱۳۹۴). مادری و همسری در انسجام و کارآمدی خانواده، نقش حیاتی دارد.

با توجه به تفاوت‌های فرهنگی ایران اسلامی با کشورهای غربی و تأکید آموزه‌های اسلامی بر نقش اساسی مادر در تعلیم و تربیت کودکان، ضروری است پژوهش‌هایی به بررسی پیامدهای اشتغال مادران بر تربیت فرزندان در سنین مختلف بپردازد (آهنین و خواجوی، ۱۳۹۶). با توجه به اهمیت دوران سه سال اول زندگی، و تأثیر اشتغال مادران بر شخصیت کودک در این دوران، این مقاله می‌خواهد به اثرات منفی اشتغال مادران در رفتار و شخصیت کودک در سه سال اول زندگی، از منظر تحقیقات انجام شده، بپردازد. با تحلیل و بررسی اثرات منفی اشتغال مادران بر فرزندان زیر سه ساله‌شان می‌توان در جهت پیشگیری این آثار منفی و کمک به ارتقای سلامت روان کودکان دارای مادران شاغل و نیز آموزش روش‌های فرزندپروری مختص مادران شاغل جهت کاهش مشکلات سلامت روان کودکان آنها گام برداشت.

## روش پژوهش

با توجه به هدف، نوع پژوهش مطالعه مروری و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

جامعه آماری پژوهش مقالات و پژوهش‌های ده سال گذشته با کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع، در پایگاه داده‌های نورمگز<sup>۱</sup>، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی<sup>۲</sup> و پورتال جامع علوم انسانی<sup>۳</sup> بود. ابتدا مقالات و پژوهش‌ها جمع‌آوری و سپس مطالب آنها دسته‌بندی و تحلیل شد.

### یافته‌های پژوهش

پیامدهای اشتغال مادران عبارت‌اند از: اضافه نقش، عدم تأمین نیاز به محبت کودک، کاهش انسجام خانواده، کاهش زمینه بازی، تجربه و رشد کودک، آسیب‌پذیری به مشکلات عاطفی و شخصیتی کودک در آینده، مشکلات اخلاقی کودک در آینده، آسیب در نوع دلبستگی کودک، کاهش دلبستگی ایمن، ناسازگاری کودک با دیگران، نافرمانی کودک از والدین، مشکلات در سازگاری با محیط و دیگران در بزرگسالی، کاهش انعطاف‌پذیری، آسیب‌پذیری به آسیب‌های روان‌شناختی، تجربه مراقبان مختلف، عدم تأمین نیازها در مراقبت‌های گروهی، تنیدگی و خستگی مادر، اختلال در رشد کودک در دو مرحله اعتمادسازی و استقلال طلبی اریکسون، کاهش امنیت عاطفی و روانی، کاهش اعتماد به نفس کودک، آسیب به الگوپذیری کودک از مادر، اختلال در انتقال فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی به کودکان، کاهش شناخت کافی و به موقع از روحيات کودک، کاهش تشویق و تنبیه به موقع، عدم تشخیص به موقع نیازهای کودک، لطمه روحی و عاطفی به کودک، نارضایتی از نقش سنتی زن در خانواده در فرزندان دختر، عدم تأمین نیاز به نوازش و آغوش مادر.

گسترده‌ترین مسئولیت‌ها و وظایف زنان در خانه، وظیفه مادری و نگهداری و تربیت بچه‌ها و نیز شغل اجتماعی، باری مضاعف بر دوش آنان محسوب می‌شود. در نتیجه تحمل مسئولیت‌های داخل و خارج از خانه به‌طور همزمان موجب اضافه نقش و فرسودگی می‌شود (امینی، حسینیان و امینی، ۱۳۹۲). بین نقش‌های کاری و نقش‌های سنتی خانه‌داری، همسرمداری و فرزندداری و همچنین روابط اجتماعی تعارض وجود دارد و رابطه میان آنها معنادار و مستقیم است. علاوه بر این، به موازات بالا رفتن سن و تعداد فرزندان، فشار کاری نیز افزایش می‌یابد (بابایی‌فرد، ۱۳۹۲). تعارض‌ها و تنش‌های ناشی از نقش‌های مختلف

1. noormags. ir.

2. sid. ir.

3. ensani. ir.

همسری، مادری و محیط کار، سلامت روانی مادران و در نتیجه سلامت کودکان آنان را تهدید می‌کند (ترکمن و فتحی، ۱۳۹۵).

یک تئوری مطرح در این زمینه، تئوری نقش است که بیان می‌کند افراد در تلاش برای برآورده کردن تقاضاهای نقش‌های متعددی که در زندگی برعهده دارند، تعارض‌هایی را تجربه می‌کنند. در نهایت، زمانی که صرف انجام وظایف یک نقش می‌شود، زمان پرداختن به نقش دیگر را محدود می‌کند و استرس‌آورهای همراه با یک نقش به‌طور منفی بر عملکرد فرد در نقش دیگر اثر می‌گذارد (گرینهاوس، بوتل<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵). در مورد مادران شاغل، زمانی که آنها در محل کار و به دور از کودکانشان می‌گذرانند به علاوه استرس ناشی از کار می‌تواند بر رابطه و تعاملات آنها در خانه و با فرزندانشان اثرگذار باشد. تعارض شدید بین مسئولیت‌های مادر در خانه و خانواده و مسئولیت‌های او در محل کار می‌تواند فشار نقش را شدیدتر کند، در مسئولیت‌های والدگری مادر تداخل کرده و اثرات منفی بر بهداشت روانی کودک بگذارد (الن، هرست، بروک و اسوتن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰).

تعالی خانواده، به محبت، اقتدار و همبستگی والدین نیاز دارد. مادر نقش محبت، پدر وظیفه اقتدار و همبستگی باید در بین افراد حاکم باشد. به خاطر وابستگی بیشتر کودک به مادر، او نقش اصلی را در تربیت فرزند و شکل‌گیری شخصیت او دارد. مادرانی در پرورش فرزند خود موفقند که برای تربیت کودک خویش، وقت صرف می‌کنند. خانواده اولین و مهم‌ترین مرحله رشد کودک است (نیلی احمدآبادی و همکاران، ۱۳۹۸).

کودک باید در خانواده به یادگیری و کسب تجربه بپردازد، آزمایش کند، دچار خطا شود، تجربه‌های خود را پیوسته به‌کار بندد تا به مرحله تسلط و مهارت برسد. کودک در خانه به‌طور کل روابطی را که باید با اجتماع و انسان‌ها داشته باشد، یاد می‌گیرد. اگر کنش‌ها و واکنش‌های مادر در قبال فرزند به اندازه و به موقع باشد، کودک نیز در آینده از تعادل روانی و اخلاقی و هماهنگی بیشتری در شخصیت برخوردار خواهد بود. در غیر این صورت احتمال عدم تعادل روحی و روانی و ناسازگاری‌های رفتاری در دوران‌های بعدی زندگی کودک، بیشتر می‌شود (صوفی، بهزادپور، ۱۳۹۹).

اشتغال مادران به جدایی کودکان و مادران می‌انجامد. شرایط تربیتی کودکانی که مادران شاغل آنها بیشتر وقت خود را در بیرون از منزل می‌گذرانند، مطلوب و مناسب نیست

1. Greenhaus, J. H. , & Beutell, N. J.

2. Allen, T. D. , Herst, D. E. , Bruck, C. S. & Sutton, M.

و آسیب‌های جبران‌ناپذیری، خاصه در دوران نوزادی به روحیه فرزند وارد می‌شود و به ازای هر ساعت اشتغال مادر، یک ساعت فرزند او از نعمت مادر محروم است (ترکمن و فتحی، ۱۳۹۵).

در صورت اشتغال تمام وقت مادر، رونق خانه و گرمی و نشاط که لازمه آن حضور مادر است، از بین می‌رود. بچه‌ها شور و شوق بازی را از دست می‌دهند، خستگی و تندخویی ناشی از کار مداوم مادر نیز باعث می‌شود محیط خانواده دچار اختلال شود و حضور ناکافی مادر عوارضی همچون: عوارض عاطفی، اخلاقی و رفتاری بر روی کودکان باقی بگذارد (آهنین و خواجوی، ۱۳۹۶).

محبت کافی والدین در سال‌های اولیه زندگی کودک، موجب شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودک می‌شود، دلبستگی ایمن موجب اعتماد کودک به افراد و خوش‌بینی و مثبت‌نگری او در آینده می‌شود، و نقش مهمی در طرحواره‌ها و رفتارها و در نهایت شخصیت او دارد (عمرانیان و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۱).

روان‌تحلیلگران منشأ این ارتباط را نیازهای جسمانی کودک می‌دانند. کودک به چهره دلبستگی، دلبسته می‌شود؛ زیرا به تدریج در می‌یابد مادر مسئول ارضای نیازهای دهانی اوست. رفتارگرایان معتقدند رفتارهای دلبستگی توسط فرایند پیچیده‌ای از تقویت‌های متقابل ایجاد می‌شود. بنابراین دلبستگی مادر کودک فراتر از تأمین نیازهای تغذیه‌ای نوزاد شکل می‌گیرد. جدایی‌های طولانی در دوران اشتغال مادر، به‌ویژه در دوره حساس (۶ ماهگی تا ۵ سالگی) برای تحول دلبستگی، می‌تواند به نایمی دلبستگی در کودک منجر شود (اژدم روشن، ۱۳۹۵).

عدم دلبستگی ایمن موجب ناسازگاری فرد با دیگران و عدم اطاعت و پیروی فرزندان از پدر و مادر می‌شود. دانشمندان برجسته مانند جان بالبی معتقدند رابطه دلبستگی کودک با مادرش، زیربنای شخصیت اوست. در صورت فقدان یا ناکافی بودن دلبستگی ایمن اولیه، کودکان به‌ویژه پسران در ایجاد رابطه عاطفی و معنادار با دیگران دچار مشکلاتی می‌شوند (صالحی، رجب‌زاده و شاه‌رخی، ۱۳۹۴). اشتغال مادر در ۲ سال نخست زندگی، موجب تخصیص وقت کمتر مادر به کودک و در نتیجه آسیب به دلبستگی ایمن می‌شود، درحالی‌که دلبستگی ایمن بیش از بسیاری از امکانات مادی برای رشد و سلامت روانی کودک ضروری است (عمرانیان و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۱).

بررسی ادبیات پژوهشی مرتبط با دلبستگی، اهمیت سه سال اول زندگی را بر تشکیل

دلبستگی ایمن نشان می‌دهد. کودکانی که در سنین اولیه کودکی و به طور تمام وقت و روزانه تحت مراقبت غیرمادرانه قرار گرفتند، بیشتر در معرض خطر دلبستگی ناایمن قرار داشتند (نیلی احمدآبادی و همکاران، ۱۳۹۸). ولیسترا در پژوهشی که کودکان مهدکودکی تمام وقت و نیمه وقت را با یکدیگر مقایسه کرد، نشان داد که کودکان مهدکودک تمام وقت پرخاشگرتر و پرتحرک‌تر از کودکان مهدکودک نیمه وقت هستند. البته دلبستگی ایمن یا ناایمن، نیز مراتبی دارند؛ به عنوان نمونه پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که در بین کودکان با دلبستگی اجتنابی، کودکانی که ساعات طولانی‌تری از مادر جدا بودند، مشکلات رفتاری بیشتری در بزرگسالی نشان دادند (فداکر گبلو و همکاران، ۱۳۹۴).

چنانچه کودک در سه سال اول زندگی در محیطی مانند مهدکودک به سر ببرد که در آن مادری پاسخ دهنده و حساس حضور دائم نداشته باشد و در نتیجه کودک از مراقبت مداوم و پایدار مادر محروم باشد، در کودک الگویی از چهره دلبستگی تشکیل می‌شود که غیرقابل دسترس و غیرحساس به نیازهای کودک تلقی می‌شود (اسماعیلی نسب، ۱۳۸۴). چنین کودکی غیبت‌های مکرر و روزانه مادر را دال بر طردشدگی خود قلمداد می‌کند و مستعد آسیب‌های روان‌شناختی می‌شود. سنین بین ۶ ماهگی تا ۵ سالگی (با نقطه اوج سه سالگی) دوره‌ای حساس برای تحول دلبستگی محسوب می‌شود، در این دوره اساس چهره دلبستگی ساخته می‌شود (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۴).

کودکان کمتر از سه سالگی از لحاظ تحول عاطفی و شناختی به حدی از تحول نرسیده‌اند که بتوانند به مسائل و انگیزه‌های مادر پی برده و بنابراین درک درستی از دلایل غیبت‌های او ندارند. علاوه بر این کودکان کمتر از سه سال، قادر به بیان آشکار نیازهای عاطفی جسمانی خود نیستند، بنابراین در این سنین وجود مادری حساس و پاسخ‌دهنده که به موقع پی به نیازهای کودک برده و درصدد رفع آنها برآید از اهمیتی ویژه برخوردار است (بابایی‌فرد، ۱۳۹۲). در مهدکودک‌ها معمولاً مراقبت‌های کافی ارائه نمی‌گردد؛ زیرا مراقبت کودکان به صورت گروهی صورت می‌گیرد به طوری که هر مربی ده و گاه تا پانزده کودک و حتی بیشتر تحت مراقبت خود دارد. در چنین شرایطی مربی قادر نیست به همه کودکان توجه لازم را داشته و نیازهای آنها را به موقع ارضا نماید.

در اکثر مهدکودک‌ها، عدم ثبات مراقب از شیفتی به شیفت دیگر و از سالی به سال دیگر وجود دارد. عدم ثبات مراقب موجب می‌شود که کودک نتواند با یک چهره خاص و واحد رابطه دلبستگی ایجاد نماید. در نتیجه نیاز دلبستگی کودک در غیب مادر ارضا نمی‌شود.

وجود صفات شخصیتی و سبک‌های تربیتی متفاوت هر یک از مراقبان از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری دلبستگی ناایمن است (اژدم روشن، ۱۳۹۵).

کودکانی که به‌طور تمام وقت و روزانه از مادر جدا هستند نه تنها نسبت به کودکان نیمه وقت ساعات طولانی‌تری در معرض آثار منفی مراقبت‌های گروهی قرار دارند؛ بلکه مادرانی دارند که نسبت به مادران کودکان نیمه وقت بیشتر تحت تنیدگی‌های ناشی از فشار زمان نقش‌های چندگانه و خستگی ناشی از کار طولانی بوده، در نتیجه چنین مادرانی کمتر احتمال دارد که آثار منفی مراقبت‌های غیرمادرانه را جبران کنند. اشتغال تمام وقت مادر در بیرون از منزل باعث می‌شود که این مادران برای فرزند خود غیرقابل دسترس باشند؛ نه تنها به این دلیل که تمام روز دور از او هستند بلکه به این دلیل نیز که حتی بعد از بازگشت از کار و در مواقعی که در کنار کودک قرار دارند باز مجبور به انجام وظایفی هستند که در رقابت با وظایف مربوط به کودک قرار می‌گیرند. در واقع به نظر می‌رسد این مادران به دلیل کار بیش از حد و خستگی شدید نیمی از روز حضور جسمانی ندارند و نیمی دیگر که در کنار فرزند خود هستند حضور روانی ندارند؛ یعنی از لحاظ روان‌شناختی برای فرزند خود غیرقابل دسترس هستند (صوفی و بهزادپور، ۱۳۹۹).

از آنجا که کودکان کمتر از ۳ سال که بیشتر از ۳۵ ساعت در هفته تحت مراقبت غیرمادرانه قرار می‌گیرند در معرض خطر ناایمنی دلبستگی و مشکلات رفتاری-اجتماعی قرار دارند، بهترین سن جدایی روزانه کودک از مادر ۳ سالگی به بعد است (عمرانیان و شیخ الاسلامی، ۱۳۹۱).

طبق نظریه اریکسون، رشد شخصیت و هویت آدمی در طی هشت مرحله صورت می‌گیرد. مرحله اول از بدو تولد تا یک و نیم سالگی است که مرحله اعتمادسازی می‌باشد. مرحله دوم از یک و نیم تا سه سالگی می‌باشد که مرحله استقلال طلبی است. کودک در بدو تولد نخستین رابطه خود را با مادر برقرار می‌کند. او باید بتواند در کنار مادر احساس امنیت کند. احساس کند که مادر همواره برای ارضای نیازهای وی در کنارش قرار دارد (برک، ۱۴۰۰). مادران شاغل به دلیل اینکه بخش قابل توجهی از وقت مفید خود را به کار مشغولند، ساعات زیادی از فرزندان خود دور هستند و نمی‌توانند نیازهای آنها را به موقع و به میزان کافی، ارضا کنند. در نتیجه نیاز به امنیت عاطفی کودک تأمین نمی‌شود و احساس عدم اعتماد نسبت به اطرافیان را در کودک به وجود می‌آورد. این امر باعث می‌شود مراحل بعدی رشد کودک نیز که مبتنی بر «احساس اعتماد» است، دچار اختلال شود (شهرکی و قادری، ۱۳۹۷).

در مرحله دوم رشد اریکسون (دستیابی به استقلال)، کودک هم نیاز به مراقبت والدین و هم نیاز به بازخورد آنان دارد و عدم حضور مادر موجب اختلال در این مرحله از رشد کودک شده و در نتیجه کودک نمی‌تواند به «استقلال عمل» دست یابد.

اعتماد به نفس از نیازهای روانی کودک است. کودکی که از محیط گرم خانوادگی برخوردار باشد و دوره‌های شیرخوارگی و کودکی اول را در کنار مادری مهربان، متعادل و کاردان به سر برد، اعتماد به نفس و امنیت خاطر کسب می‌کند و به مرور در سنین بعد از سه سالگی می‌تواند هر روز چند ساعتی از مادر دور بماند؛ بدون اینکه دستخوش اضطراب و نگرانی شدید شود. برخلاف تصور عمومی مردم، کودکان مادران شاغل از نظر اتکا به خود و اعتماد به نفس وضعیت مطلوبی ندارند (آهنین و خواجه‌جوی، ۱۳۹۶).

یکی از بنیادی‌ترین ابعاد رشد اخلاقی و اجتماعی کودک، الگوپذیری از والدین است. توجه بچه‌ها بیشتر از گفتار والدین معطوف به اعمال و رفتار آنهاست. ارزش‌ها و باورهای کودکان همان چیزهایی است که والدین آنها انجام می‌دهند. بنابراین حضور مداوم فعال و منظم والدین در زندگی فرزندان، موجب الگوپذیری آنان می‌شود. کودکان ارزش‌ها را از طریق کنش دو طرفه میان خود و والدین و الگوگیری از آنان می‌آموزند. این کنش متقابل نیازمند حضور فیزیکی، عاطفی، عقلانی و روحی والدین در زندگی با فرزندان است. حضور مؤثر و ارزشمند والدین در کنار فرزندان، پیوندهای عاطفی میان آنها را تقویت می‌کند، رفتارهای صحیح اجتماعی را به آنها می‌آموزد و حس احترام و اطاعت را در آنان برمی‌انگیزد. از این رو، ارزش‌های اخلاقی و شخصیت در کودکان پایه‌ریزی می‌شود (بابایی فرد، ۱۳۹۲).

مادری که به واسطه اشتغال در کنار فرزند خردسالش حضور ندارد، فرصتی نیز برای تشویق یا ترغیب و ارشاد یا ورود به سرگرمی‌های کودک ندارد. او نمی‌تواند ارزش‌هایی همچون بزرگواری و آزادمنشی را عملاً به کودک بیاموزد. هنگامی که مادر در آستانه به خواب رفتن کودک وارد خانه می‌شود، کودک چگونه می‌تواند کرامت و گذشت و محبت و ایمان و امید را در وجود مادرش ببیند و آنها را از او فراگیرد. در این صورت کودک گرمای وجود مادر و پناهگاه آغوش او را به خوبی حس نمی‌کند و چون این احساس در او کم‌رنگ می‌شود، در ناملایمات و سختی‌های زمانه به این مادر پناه نمی‌برد. بنابراین، احساس بی‌قراری و تنهایی و بی‌کسی به طور ناخودآگاه در او شکل می‌گیرد (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۴).

تحقیقات نشان داده است که در بسیاری از موارد مادر غیرشاغل بهتر می‌تواند به نیازهای عاطفی، اجتماعی و شخصیتی کودک خود پاسخ مثبت دهد و در حین رسیدگی،



با وی تعامل عاطفی برقرار ساخته، او را از عواطف محبت‌آمیز خود بهره‌مند گرداند. مادری که با فراغت کامل، در انجام دادن وظیفه خانه‌داری و مادری موفق باشد و محیط خانه را محل امنیت و آرامش خاطر خود، فرزندان و همسرش قرار دهد، بهتر می‌تواند بین خود و سایر اعضای خانواده، روابط عاطفی و انسانی ایجاد کند و از این طریق، الگوهای صحیح تربیتی را به فرزندان منتقل سازد. به عکس، مادری که به دنبال چندین ساعت کار و تلاش خارج از منزل، با حالتی خسته به خانه برمی‌گردد، نمی‌تواند برای انجام دادن این مهم آن‌گونه که شایسته است اقدام کند. در چنین مواردی، کودکان برای دیدن مادر، لحظه شماری می‌کنند؛ اما معمولاً خستگی و احياناً بی‌حوصلگی مادر، مانع از ایجاد ارتباط عاطفی بین آنان و مادر می‌شود. به‌ویژه اینکه رسیدگی به امور منزل را نیز غالباً مادر به عهده دارد (صوفی و بهزادپور، ۱۳۹۹).

روان‌شناسان معتقدند کودکان به خصوص در سال‌های نخستین زندگی، نیاز شدید عاطفی دارند و این نیاز تنها از سوی مادر تأمین می‌شود. این نیاز ویژه از طریق هیچ فرد یا نهاد جایگزین دیگری نمی‌تواند تأمین شود. بنابراین مادر مهم‌ترین نقش را در ایجاد تعادل عاطفی و روانی و پرورش فضایل در فرزند دارد و اشتغال مادر، لطمه شدید روحی و عاطفی به کودک وارد می‌کند (اسماعیلی‌نسب، ۱۳۸۴).

تاواریس پاس<sup>۱</sup> در پژوهشی در سال ۱۳۵۳ در تهران، با مطالعه پنجاه کودک شش تا هشت ساله که پیش از سه سالگی، مادر شاغل داشته‌اند در مقایسه با پنجاه کودک دیگر نشان داد که گروه دوم در تعادل و ثبات عاطفی و سازش اجتماعی بهتر است. در این تحقیق مشخص شد کسانی که نیاز به توجه خاص داشتند و مسائل مهمی داشتند، مادران شاغل داشتند (صالحی و رجب‌زاده و شاه‌رخی، ۱۳۹۴).

برخی از محققان همچون هارتلی<sup>۲</sup> (۱۹۶۶) به بررسی تأثیر اشتغال مادران بر ذهنیت کودکان درباره نقش والدین پرداختند. شواهدی وجود دارد که دختران مادران شاغل نقش زن را در خانواده‌های فعلی چندان متفاوت با نقش پدر نمی‌بینند و از نظر آنان دیگر پدر نقش نان‌آور خانواده و مادر نقش اداره‌کننده امور داخل خانه را ایفا نمی‌کند. به نظر می‌رسد چنین درکی در این دختران توأم با احساس نارضایتی بیشتر نسبت به نقش خود در زندگی آینده خانوادگی است (آهنین و خواجوی، ۱۳۹۶).

1. Tavares Pas.

2. Hartley.

نیاز به نوازش و آغوش مادر به‌ویژه در دوران نوزادی کودک بسیار ضروری است. روان‌شناسان کودک معتقدند گریه‌های نوزادان در برخی حالت‌ها صرفاً به خاطر شیر نیست، بلکه نوازش و آغوش مادر در چنین لحظاتی، باعث اطمینان خاطر کودک از محیط خانه و خانواده می‌شود و داشتن چنین احساسی، در آینده به بروز نکردن استرس در دوران جوانی و بزرگسالی کمک خواهد کرد (شهرکی و قادری، ۱۳۹۷).

آموزه‌های اسلامی پیش از روان‌شناسی نوین، درباره اهمیت شیر مادر و فواید آن سفارش داشته است. پیامبر خدا ﷺ نیز می‌فرماید: «برای کودک، شیری بهتر از شیر مادر نیست» و امیرمؤمنان علی علیه السلام با اشاره به نقش مؤثر شیر مادر در تربیت کودک می‌فرماید: «بنگرید که چه کسی فرزندان شما را شیر می‌دهد؛ زیرا کودک با شیر رشد می‌کند». از این رو، رشد و تکامل کودک، متأثر از شیرینی است که در نوزادی از آن تغذیه کرده است و در کنار ویژگی‌های ظاهری و زیبایی و زشتی، خصوصیت‌های روحی و روانی، فکری و شخصیتی مادر از راه شیر به نوزاد منتقل می‌شود و شخصیت او را می‌سازد. قرآن کریم مدت دوران شیردهی را دو سال تمام تعیین کرده است، آنجا که می‌فرماید: «و مادرانی که بخواهند شیر دادن به فرزندان خود را کامل سازند، دو سال تمام شیرشان بدهند» (بقره، ۲۳۳) این تأکید در تعیین مدت شیردهی، بیانگر نیازهای جسمی و روحی نوزاد به مادر در این دوران است (العبدالخانی و بحرینی، ۱۳۹۴).

### بحث و نتیجه‌گیری

از جمع‌بندی مطالب می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال مادران گرچه فوایدی مانند بهبود وضعیت اقتصادی و تأمین نیازهای مادی خانواده، عزتمندی اجتماعی، اثبات قابلیت‌های زنان در عرصه‌های اجتماعی، استقلال مالی و به دست آوردن پشتوانه‌ای برای ایام پیری زنان و نیز رفاه و تأمین نیازهای مادی بیشتری به دنبال دارد؛ اما تأثیرات نامطلوبی در فرایند رشد فرزندان، به‌ویژه رشد عاطفی آنها، بر جای می‌گذارد و میزان آسیب‌پذیری کودکان را در سال‌های اولیه کودکی افزایش می‌دهد. پیامدهای اشتغال مادران عبارت‌اند از: اضافه‌نقش، عدم تأمین نیاز به محبت کودک، کاهش انسجام خانواده، کاهش زمینه بازی، تجربه و رشد کودک، آسیب‌پذیری به مشکلات عاطفی و شخصیتی کودک در آینده، مشکلات اخلاقی کودک در آینده، آسیب در نوع دلبستگی کودک، کاهش دلبستگی ایمن، ناسازگاری کودک با دیگران، نافرمانی کودک از والدین، مشکلات در سازگاری با محیط و دیگران در بزرگسالی،

کاهش انعطاف‌پذیری، آسیب‌پذیری به آسیب‌های روان‌شناختی، تجربه مراقبان مختلف، عدم تأمین نیازها در مراقبت‌های گروهی، تنیدگی و خستگی مادر، اختلال در رشد کودک در دو مرحله اعتماد سازی و استقلال طلبی اریکسون، کاهش امنیت عاطفی و روانی، کاهش اعتماد به نفس کودک، آسیب به الگوپذیری کودک از مادر، اختلال در انتقال فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی به کودکان، کاهش شناخت کافی و به موقع از روحيات کودک، کاهش تشویق و تنبیه به موقع، عدم تشخیص به موقع نیازهای کودک، لطمه روحی و عاطفی به کودک، نارضایتی از نقش سنتی زن در خانواده در فرزندان دختر، عدم تأمین نیاز به نوازش و آغوش مادر. این پیامدها باعث مشکلات و تبعات ناگواری در سنین نوجوانی کودکان و آینده آنها می‌شود.

با توجه به یافته‌های پژوهش مناسب است مادر در سال‌های اولیه دوران کودکی که کودک نیاز بیشتری به حضور مادر در کنار خود دارد، تربیت نیکوی فرزند، همت و تلاش خود را به کار گیرد. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «تلاش فراوان در تربیت فرزند، از جمله حقوق فرزندان است». در نهایت، اگر مادر مجبور به کار در بیرون منزل می‌باشد، با بررسی بیشتر عوامل دخیل در اثرگذاری وضعیت اشتغال مادر بر سلامت روانی کودکان زیر سه سال، می‌توان ارائه برنامه‌های کاری برای مادران و نیز آموزش مهارت‌های فرزندپروری متناسب با وضعیت اشتغال مادران طراحی کرد تا بتوان از بروز مشکلات سلامت روان در کودکانشان پیشگیری نمود.

تحقیقات آتی باید باید متغیرهای بیشتری از جمله رضایت شغلی مادر، میزان حمایت خانواده، ساعت کاری و درآمد مادر، نوع ارتباط مادر-کودک، سبک فرزندپروری مادر، سلامت روان مادر، میزان مشارکت پدر در مراقبت از کودک و... را در تحلیل‌های خود وارد کنند. بررسی نقش متغیرهای واسطه‌ای در این بین می‌تواند مدل جامع‌تری از تأثیر اشتغال مادران بر بهداشت روانی کودکان زیر سه سال را فراهم کند.

## منابع

• آهنین، محمدرضا و خواجهی، نازی (۱۳۹۶)، «اشتغال مادران؛ اختلالات رفتاری کودکان»، *رشد آموزش پیش دبستانی*، سال سی و چهارم، شماره ۹، ص ۲۸-۳۱.

• اسماعیلی‌نسب، مریم (۱۳۸۴)، «اثر اشتغال مادر بر رشد روان‌شناختی کودک»، *رشد معلم*، شماره ۱۹۱،

- العبدلخانی، ساجده و بحرینی، محمدجواد (۱۳۹۴)، «جایگاه اشتغال زنان از نظر اسلام»، *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، سال دوم، شماره ۵، ص ۱۱۹-۱۳۷.
- امینی، محمد؛ حسینیان، سیمین و امینی، یوسف (۱۳۹۲)، «بررسی ورود زنان به عرصه اشتغال و تأثیر آن بر میزان قدرت آنها در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده»، *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، سال چهارم، شماره ۱، پیاپی ۱۳، ص ۱-۲۷.
- ازدم روشن، غلامرضا (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه اشتغال مادر و سلامت روانی کودکان»، *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، شماره ۴، ص ۶۵-۷۸.
- بابایی‌فرد، اسداله (۱۳۹۲)، «سنجش تأثیرات اشتغال زنان بر خانواده و روابط اجتماعی (مطالعه موردی شهر آران و بیدگل)»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره یازدهم، شماره ۳، ص ۴۲۷-۴۵۱.
- برک، لورا (۱۴۰۰)، *روان‌شناسی رشد*، ترجمه بحیی سید محمدی، تهران: ارسباران.
- ترکمن، سولماز و فتحی، سروش (۱۳۹۵)، «تحلیل اثرهای اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی زنان شاغل در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)»، *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، دوره هفتم، شماره ۴، پیاپی ۲۸، ص ۱۳-۲۵.
- خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ حسنی، شهرزاد و فلسفی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه ولی-فرزند و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غیرشاغل»، *مشاوره شغلی و سازمانی*، شماره ۲۳، ص ۹۲-۱۰۳.
- رستگارخالد، امیر (۱۳۸۵)، «اشتغال زنان و ضرورت کنترل فشارهای ناشی از کار خانگی»، سال سیزدهم، شماره ۱۹۷، ص ۳۳-۵۲.
- شهرکی، مهدی و قادری، سیمین (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم به اشتغال مادر و کودک در خانوار شهری ایران»، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، شماره ۳۲، ص ۱۲۵-۱۳۸.
- صوفی، سحر و بهزادپور، سمانه (۱۳۹۹)، «تأثیر اشتغال مادران ایرانی بر بهداشت روانی کودکانشان: یک مرور نظام‌مند»، *تعالی بالینی*، دوره ۱۰، شماره ۲، ص ۲۲-۳۲.
- عمرانیان، معصومه و شیخ‌الاسلامی، راضیه (۱۳۹۱)، «نقش سبک‌های دلبستگی در ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان با توجه به وضعیت اشتغال مادر»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره چهارم، شماره ۳، ص ۴۵-۶۲.
- فداکار گبلو، پرویز؛ برجعلی، احمد و یزدان‌پناه، محمدعلی (۱۳۹۴)، «مقایسه ترسیم خانواده کودکان دارای مادر شاغل و کودکان دارای مادر خانه‌دار»، *سلامت روان کودک*، دوره دوم، شماره ۳، ص ۹-۱۹.
- فراهانی، فاطمه؛ حکمت‌پور، مریم و مقدم، شیوا (۱۳۹۴)، «تأثیر اشتغال زنان بر رضایت‌مندی جنسی

- ایشان در خانواده»، *نشریه مدیریت فرهنگی*، سال نهم، شماره ۳، ص ۱۱۱-۱۲۲.
- فروتن یعقوب (۱۳۹۰)، «بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، سال نهم، شماره ۲، پیاپی ۳۳، ص ۳۹-۷۸.
  - کرمی، فیروزه (۱۳۹۴)، «ابعاد مسئولیت فرهنگی دولت اسلامی در مدیریت حوزه اشتغال زنان»، *نشریه مدیریت فرهنگی*، سال نهم، شماره ۳، ص ۱۵-۳۱.
  - نیلی احمدآبادی، زهرا؛ باقری، فریبرز و سلیمی بجستانی، حسین (۱۳۹۸)، «اثر بخشی برنامه آموزشی فرزندپروری با تأکید بر نظریه انتخاب بر بهبود رابطه والد-فرزند و رضایت از زندگی مادران»، *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، شماره ۳۹، ص ۹۹-۱۲۲.
  - Aghdam, F. B. , Ahmadzadeh, S. , Hassanalizadeh, Z. , Ebrahimi, F. , Sabzmakan, L. , & Javadivala, Z. (2015). The effect of maternal employment on the elementary and junior high school students' mental health in Maku. *global journal of health science*, 7(2), 379.
  - Singh L. Impact of Working Mothers on their Children's Development. *Innov Res Concept*. 2018;3(3): 18-21.
  - Greenhaus, J. H. , & Beutell, N. J. (1985). Sources of conflict between work and family roles. *Academy of management review*, 10(1), 76-88.
  - Allen, T. D. , Herst, D. E. , Bruck, C. S. , & Sutton, M. (2000). Consequences associated with work-to-family conflict: a review and agenda for future research. *Journal of occupational health psychology*, 5(2), 278.



# اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ (ص ۱۱۹-۱۳۹)

## راهکارهای نهادینه‌سازی آخرت‌گرایی در جامعه اسلامی

### Strategies for institutionalizing heresy in Islamic society

محمد کاویانی / دکتری روان‌شناسی، دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.  
قاسم مهدوی اصل / کارشناسی ارشد روان‌شناسی مثبت‌گرا، مؤسسه اخلاق و تربیت، قم، ایران.

Mohammad Kaviani / PhD in Psychology, Associate Professor, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran. m\_kavyani@rihu.ac.ir

Ghasem Mahdavi Asl / Master of Positive Psychology, Institute of Ethics and Education, Qom, Iran.

#### Abstract

In an Islamic society, it is desirable that “heresy” be a social norm, the requirement of being a social norm is that acting on it be the norm; Anyone who opposes it will be rejected by society. The purpose of this study is to develop strategies for institutionalizing heresy according to Islamic, psychological and sociological teachings. The data collection of this research has been done conceptually and theoretically by studying the sources and analyzing them; Findings showed that strategies such as “awareness”, “social normalization” and “application of external executive guarantees (rules)”, “different learning styles”, “methods of changing attitudes”, “observational learning and pattern presentation”, “creating cognitive inconsistency” On secularism” to institutionalize heresy. It is recommended that educational experts and cultural institutions use these strategies to institutionalize heresy.

**Keywords:** Heresy, Institutionalization, Learning, Attitude, Society, Islamic Psychology.

#### چکیده

در یک جامعه اسلامی، مطلوب است که «آخرت‌گرایی»، یک هنجار اجتماعی باشد. لازمه هنجار اجتماعی بودن این است که عمل کردن به آن، هنجار باشد؛ هر کس با آن مخالفت کند، از طرف جامعه طرد شود. هدف این پژوهش، تدوین راهکارها برای نهادینه‌سازی آخرت‌گرایی با توجه به آموزه‌های اسلامی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است. گردآوری داده‌های این پژوهش، از طریق مطالعه منابع مورد نظر و تحلیل آنها، به صورت مفهومی و نظری انجام شده است؛ یافته‌های پژوهش نشان داد راهکارهایی همچون «آگاهی بخشی»، «هنجارسازی اجتماعی» و «به‌کارگیری ضمانت‌های اجرایی بیرونی (قوانین)» «سبک‌های مختلف یادگیری»، «روش‌های تغییر نگرش»، «یادگیری مشاهده‌ای و ارائه الگو»، «ایجاد ناهماهنگی شناختی در باب دنیاگرایی» برای نهادینه‌سازی آخرت‌گرایی وجود دارد. توصیه می‌شود کارشناسان تربیتی و نهادهای فرهنگی این راهکارها را در جهت نهادینه‌سازی آخرت‌گرایی بکار گیرند.

**کلید واژه‌ها:** آخرت‌گرایی، نهادینه‌سازی، یادگیری، نگرش، جامعه، روان‌شناسی اسلامی.

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین اصول ادیان آسمانی، «اعتقاد به آخرت» است که همواره ایجاد و تقویت آن در جوامع بشری سرلوحه برنامه‌های تربیتی رسولان الهی قرار داشته است. در دین اسلام به شیوه‌های گوناگون تلاش شده است تا آخرت‌گرایی در انسان‌ها نهادینه گردد؛ زیرا این امر، یکی از مهم‌ترین و بهترین ابزارهای تربیتی و وسایل نیل به کمال می‌باشد که انسان‌ها می‌توانند در پرتو آن، به رشد و بالندگی برسند و حیات جاودان در بهشت برین را برای خود رقم زنند (شریفی، ۱۳۹۵). مسئله معاد از حیث اهمیت، بعد از مسئله توحید، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل دینی و اسلامی به شمار می‌رود. پیامبران الهی با این هدف به سوی انسان‌ها ارسال گردیدند که مردم را به دو حقیقت، مؤمن و معتقد سازند؛ یکی به خدا و دیگری به قیامت (مطهری، ۱۳۷۳).

گرایش به عالم آخرت، دارای تأثیرات متعدد و ارزنده‌ای در حیطه زندگی فردی انسان می‌باشد؛ تغییر بینش (شریعتی، ۱۳۶۳)، تقوای الهی (طباطبایی، ۱۳۷۸)، انگیزه عمل صالح و اخلاص (طباطبایی، ۱۳۷۸)، آرامش و تأمین بهداشت روانی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)، هدفمندی حرکت (طاهری، ۱۳۸۱)، ظهور صفات کمال و فضائل اخلاقی (سبحانی، ۱۳۷۳) از جمله آثار فردی آخرت‌گرایی می‌باشد. از آثار اجتماعی آخرت‌گرایی، نیز می‌توان به «تأمین عدالت اجتماعی»، «ضمانت اجرای قوانین»، «تغییر نگرش در حکومت داری»، «سامان‌دهی به مسائل اقتصادی»، «بالا بردن روحیه نظامی»، «کاهش جرائم در سطح جامعه»، «پرهیز از ظلم به دیگران» و «کمک به محرومین» اشاره کرد (مقیم، ۱۳۹۴).

کلمه «الآخرة» در قرآن کریم، پرشمارترین واژه برای نامیدن و ارجاع به جهان پس از مرگ می‌باشد، که نه تنها در قرآن کریم، بلکه در متون روایی و ادبیات تفسیری نیز، آشنا ترین نام برای ارجاع به جهان پس از مرگ است (رهنما، ۱۳۹۷). در مورد تسمیه آخرت، دو وجه بیان شده است؛ یکی اینکه آخرت را آخرت نامیده‌اند به خاطر متأخر بودن از دنیا؛ و دیگری اینکه آخرت، سرای جزا و ثواب است و جزء متأخر از عمل می‌باشد (مجلسی، ۱۳۹۷). آخرت‌گرایی عبارت است از «دل بستن به آخرت»، «شوق به بهشت»، «خوف از جهنم»، «حب لقای الهی» و «ترجیح آخرت بر دنیا». به بیان دیگر، گرایش به آخرت یعنی حرکات و سکنات خود را با شاخص اخروی و ثواب و عقاب عالم آخرت سنجیدن و تنظیم کردن، توشه‌گیری برای زندگی ابدی و در عین حال دنیا را فراموش نکردن و از آن به عنوان ابزاری برای دستیابی به نعیم جاودانه بهشتی استفاده کردن است (یوسفیان، ۱۳۹۱).



براساس دیدگاه نظریه پردازان جامعه‌شناسی، «نهادینه‌سازی»<sup>۱</sup> به فرآیندی گفته می‌شود که از طریق آن، کنش‌ها (اقدامات) تکرار می‌شوند و از سوی کنشگران و دیگران، معانی مشترکی به خود می‌گیرند (هچ و کانلیف<sup>۲</sup>، ۱۳۹۵). از نظر هومنز، «نهادینه‌سازی»، نوعی تراکم تجارب است که به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی، در اختیار نسل‌های بعدی قرار می‌گیرد و آنان با به‌کارگیری این سرمایه‌ها، دست به فعالیت می‌زنند (شایگان و مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۵). نهادینه شدن یک امر، به معنای پایه‌ای و ریشه‌ای شدن آن در عمق جامعه است، به گونه‌ای که آن ارزش‌ها و مقررات توسط افراد جامعه مورد قبول و تأیید قرار گیرند و به رسمیت شناخته شوند (گلابی، ۱۳۷۶). بروسن کوهن<sup>۳</sup> (۱۳۸۸) در کتاب مبانی جامعه‌شناسی، در مورد فرآیند نهادینه شدن می‌گوید: «نهادینه شدن زمانی تحقق می‌پذیرد که گروه اجتماعی تشخیص دهد، شبکه خاصی از ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌ها به اندازه‌ای برای بقایش اهمیت پیدا کرده‌اند که اعضای آن گروه باید الزاماً آن را رعایت کنند. جامعه از طریق پاداش و مجازات است که اعضا را تشویق به پیروی از ارزش‌ها و هنجارها می‌کند یا آنها را از آن باز می‌دارد، رفتارها را نهادی می‌کند» (کوهن، ۱۳۸۸، ص ۱۶۵).

آخرت‌گرایی و نهادینه کردن آن، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌های هدایت و نجات جامعه معاصر از انحراف و فساد می‌باشد. با وجود اینکه در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن، اکثریت افراد، مسلمان و معتقد به آخرت و معاد می‌باشند، با این حال، باورها، بیشتر در حد «گفتار»، یا در حد «شناخت» باقی مانده است و نتوانسته است به اندازه کافی، بُعد عاطفی و رفتاری افراد را تحت تأثیر قرار داده و آثار رفتاری خود را در رفتار تک تک افراد و سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی به‌منصه ظهور برساند؛ به عبارت دیگر: ۱. آخرت‌گرایی در حد اطلاعات و اعتقادات تقلیدی باقی مانده است؛ ۲. ممکن است به مرحله اعتقاد استدلالی هم رسیده باشد؛ اما هنوز درونی‌سازی نشده و با عواطف، احساسات و نگرش‌های عمیق افراد عجین نگردیده باشد؛ ۳. ممکن است که حتی، فرآیند درونی‌سازی هم در بسیاری از افراد جامعه، روی داده باشد، لکن؛ قوانین و مقررات و هنجارهای اجتماعی و سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... با آن همراهی نکنند.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی در زمینه بررسی مفهوم

1. Institutionalization.

2. Hatch and Cunliffe.

3. Cohen.

آخرت و آخرت‌گرایی، نهادینه کردن ارزش‌ها و مباحث اخلاقی، درونی سازی اخلاق و موارد دیگر صورت پذیرفته است.

در زمینه مفهوم آخرت و آخرت‌گرایی، آثار متعددی می‌توان یافت، از جمله «اصول تربیت از دیدگاه امام علی (ع)» (مشایخی، ۱۳۸۶)، که در این پژوهش، سلوک و گفتار امام علی (ع) به عنوان نمونه‌ای غنی از منابع موجود با رویکرد نیل به اصول و قواعدی جامع که دربرگیرنده چارچوب تربیتی از منظر دین است مورد توجه قرار گرفته است. برخی از این اصول عبارت‌انداز: آخرت‌گرایی و دنیا‌گریزی، عمل‌گرایی و آرزوگریزی، امیدواری و یأس‌گریزی، پایداری و پرهیز از رفاه‌زدگی، تعقل‌ورزی و غفلت‌زدایی، تواضع‌گرایی و تکبرگریزی.

در اثر «مدیریت اسلامی با تأکید بر مدیریت آخرت‌گرا از دیدگاه امام علی (ع)» (صبحی لکی، ۱۳۹۵)، آخرت‌گرایی به عنوان اصلی از اصول مدیریت اسلامی و برگرفته از اصل ایمان به معاد و حیات پس از مرگ در نظر گرفته شده است. «برزخ در آموزه‌های قرآنی» (پوریا، ۱۳۸۶) به تحلیل چگونگی برزخ و ویژگی‌های آن می‌پردازد و خواننده را با برخی جنبه‌های عالم برزخ که حائل میان دنیا و قیامت است با استناد به قرآن کریم آشنا می‌سازد.

در پژوهش «مرگ خود و مردن دیگری» (نجاتی حسینی، ۱۳۹۴)، با طرح چند پرسش مشخص، نگارنده در پی کاویدن پاسخ آنها از طریق سه عنوان در سه حیطه «علمی» (نظریه اجتماعی مرگ)، «دینی» (نهج البلاغه) و «ادبی» (مثنوی معنوی) می‌باشد. در کتاب «معاد و جهان پس از مرگ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶) سعی شده است تا به بررسی ریشه‌های معاد در فطرت انسان، چهره رستاخیز در کتب آسمانی، معاد و سرفصل‌های دیگری پرداخته شود. «انسان از آغاز تا انجام» (طباطبایی و خسروشاهی، ۱۳۹۱) ترجمه‌ای است از کتاب «الانسان»، اثر سید محمدحسین طباطبایی، که چگونگی و مراحل آفرینش آدمی را با استفاده از آیات قرآن کریم بررسی نموده است. ایشان در این اثر، مراحل خلقت انسان را در سه رساله «الانسان قبل الدنيا»، «الانسان فی الدنيا» و «الانسان بعد الدنيا» مورد نظر قرار می‌دهد که در رساله سوم آن، در شانزده فصل، وجود آدمی بعد از دنیا و سرنوشت او را از مرگ تا روز قیامت، سپس در روز جزا، شفاعت، اعراف، بهشت و دوزخ بررسی کرده است.

مسئله درونی‌سازی ارزش‌ها، اخلاق و آخرت‌گرایی مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. کریم‌زاده (۱۳۹۱)، به تبیین فرآیند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی در رویکردهای روان‌شناختی عمده پرداخته است. موسوی‌نسب و همکاران (۱۳۹۱) در مورد نقش اسلامی‌سازی محتوای آموزشی در درونی‌سازی ارزش‌های اسلامی به پژوهش پرداخته‌اند.

خلجی (۱۳۹۰)، الگو آفرینی، تشویق، محبت، قصه‌آفرینی و بصیرت‌بخشی را از مؤثرترین شیوه‌های نهادینه‌کردن ارزش‌ها می‌داند.

در باب نهادینه‌سازی ارزش‌ها از جمله آخرت‌گرایی، خان‌محمدی و همکاران (۱۳۹۷)، طراحی الگوی نهادینه‌سازی ارزش‌ها، مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری را ارائه داده است. شریفی و همکاران (۱۳۹۵)، روش‌های قرآن در نهادینه‌سازی اخلاق در جامعه را مورد پژوهش قرار داده است و آگاهی بخشی، ایمان‌پروری، تزکیه نفس، تشویق و تنبیه را به‌عنوان راهکارهای آن معرفی می‌کند. شایگان (۱۳۹۴)، به بیان روش‌های نهادینه‌سازی رفتار از دیدگاه اسلام پرداخته و شیوه‌های مشابهی را ارائه می‌دهد.

بررسی آثار موجود، نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پژوهش‌های به عمل آمده، راهکارهای مشخصی را از زاویه خاصی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما این پژوهش به دنبال تدوین راهکارهای عملیاتی با توجه به رویکردهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است. به عبارت دیگر برای عملیاتی شدن «آخرت‌گرایی»، در سه حیطه فوق، چه راهکارهایی از آموزه‌های قرآن و روایات و همین‌طور از آموزه‌های علوم انسانی مثل روان‌شناسی به دست می‌آید؟ بنابر این می‌توان گفت که سؤال‌های این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. چگونه می‌توان اطلاعات مربوط به معاد و معادگرایی را در بین همه مردم تعمیم بخشید؟ ۲. چگونه می‌شود آن را در درون افراد معتقد، عمق بخشید به گونه‌ای که شناخت، عواطف و رفتار آنها در باب «آخرت‌گرایی»، هماهنگی کامل داشته باشند؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی کتابخانه‌ای است که گردآوری داده‌های آن از طریق مطالعه متون اسلامی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و تحلیل و بررسی آنها، به صورت نظری و مفهومی انجام شده است. ابتدا، منابع دست اول اسلامی (آیات و روایات)، سپس منابع دست دومی که به بررسی «معاد» در آیات و روایات پرداخته‌اند (اعم از منابع نوشتاری و نرم افزاری)، مورد جستجو، فیش‌برداری و دسته‌بندی قرار گرفته است؛ «آخرت‌گرایی» به‌عنوان یک سازه مفهومی اسلامی، و تأکیداتی که بر آن شده و آثار و پیامدهای آن در زندگی روزمره، مورد توجه قرار گرفته است. از نگاه متون اسلامی، مفهوم «آخرت‌گرایی» باید در بافت روان‌شناختی تمام افراد و جوامع اسلامی حضور پیدا کرده و عمومیت یابد. بر این اساس، با توجه به «بیانیه گام دوم انقلاب» و هم جهت با «جامعه‌سازی اسلامی»، در

متون جامعه‌شناختی و روان‌شناختی تلاش شد تا بعضی از راهکارهای کلان جامعه‌شناختی و بعضی از مکانیزم‌های جزئی روان‌شناختی، شناسایی و معرفی شده تا بتواند برای کسانی که راهبردهای فرهنگی جامعه را مشخص کرده و آن را به راهکارها و مکانیزم‌های اجرایی تبدیل کرده و مسیر عملیاتی سازی آن را هموار می‌کنند، مفید باشد.

واحد تحلیل در این پژوهش عبارت بود از گزاره‌های خبری معتبر (آیات و روایات)، و آموزه‌های مورد اتفاق و قطعی که از جامعه‌شناسی و روان‌شناسی استخراج شده است. برای استفاده از آیات و روایات، از روش‌های تفسیری و فهم احادیث بهره‌گیری شده است؛ و برای استفاده از آموزه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، تلاش شده است که از مطالب قطعی و مسلم که در منابع معتبر این دو علم آمده است استفاده شود. تحلیل محتواهای حاصل شده و مرتبط سازی آموزه‌های اسلامی با آموزه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، به صورت نظری و مفهومی صورت پذیرفته است.

### یافته‌ها

بررسی راهکارهای نهادینه‌سازی آخرت‌گرایی در جامعه اسلامی بر اساس دیدگاه جامعه‌شناسی. نهادینه‌سازی از جمله مفاهیمی است که در دو علم جامعه‌شناسی و روان‌شناسی با وجود تفاوت‌های دیدگاهی، مورد بررسی قرار گرفته است. این تفاوت از آنجا نشأت می‌گیرد که اساساً جامعه‌شناسان به این مطلب می‌پردازند که عوامل مختلف (مذاهب، فرهنگ‌ها، نژادها، طبقات اجتماعی، وضعیت اقتصادی و غیره)، چگونه بر روی عملکرد جامعه تأثیر می‌گذارد. در حالی که روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی) به مطالعه علمی و روشمند شیوه فکر کردن، احساس کردن و رفتار کردن انسان‌ها در حضور مستقیم، واقعی یا خیالی و ضمنی دیگران می‌پردازد (دانایی، ۱۳۹۳). بعضی از یافته‌ها، از آموزه‌های جامعه‌شناختی به دست آمده‌اند و بعضی دیگر، از آموزه‌های روان‌شناختی، با این توضیح که آموزه‌ها و تکنیک‌های روان‌شناختی، هم به صورت مستقل، نقش و جایگاه قابل توجه دارند؛ هم ذیل مباحث کلان جامعه‌شناختی ایفای نقش می‌کنند.

بر اساس تعاریف متعددی که از دیدگاه نظریه پردازان جامعه‌شناسی در مورد مفهوم نهادینه‌سازی در بخش مقدمه مطرح گردید، نهادینه شدن هر چیز در جامعه، به خواست و احساس نیاز گروه‌های اجتماعی منوط است، که این امر با تشویق عاملین و متعهدین به ارزش‌ها و همچنین مجازات و بازداشتن سهل‌انگاران در این امر، تحقق می‌یابد. با توجه به

این مطلب، شناخت گروه‌های اجتماعی در اولویت اول قرار دارد. خانواده به‌عنوان اولین و مهم‌ترین بخش، نقش بسزایی در فرهنگ سازی ایفا می‌کند. در کنار خانواده، نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی که دربرگیرنده مهدکودک‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها است، قرار دارد. نهاد دینی که همان حوزه‌های علمیه باشد را نیز می‌توان به این بخش اضافه کرد. نهادها و ادارات دولتی به همراه دیگر بخش‌های جامعه، دارای مجموعه‌ای عظیم از کارمندان می‌باشند که در کنار مجموعه‌های نظامی و احزاب و تشکل‌های سیاسی، از جمعیت قابل توجهی برخوردار هستند.

عمل نهادینه‌سازی در بستر جامعه، بدون کانال‌های ارتباط جمعی، امکان‌پذیر نمی‌باشد. امروزه رسانه‌های دیداری (رسانه ملی و سینما)، نوشتاری (کتاب، مجلات و مطبوعات)، شنیداری (رادیو) و در کنار همه این موارد، فضای مجازی و همچنین نظام تبلیغی کشور، وظیفه انتقال اطلاعات و ارتباط‌گیری با مخاطب را به عهده دارند (منتظرالمهدی، ۱۳۹۲).

فرآیند نهادینه‌سازی ارزش‌ها از جمله آخرت‌گرایی، با لحاظ این نکته که رفتار نهادینه شده باید دارای ویژگی‌هایی باشد: استمرارپذیر باشد، جامعه شمول باشد و به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی تلقی شود، دارای سه مرحله است (دهقان، ۱۳۹۸)، که در هر مرحله، می‌بایست در کنار اصول اولیه، از راهبردهای عملیاتی که موجب تسریع در فرهنگ‌سازی می‌گردد، بهره جست. **مرحله اول:** راهبرد «آگاهی‌بخشی» است (شریفی و جعفری‌نسب، ۱۳۹۵). در این مرحله، مفهوم آخرت‌گرایی با توجه به جامعه هدف (خانواده، نهاد اداری و غیره) و متناسب با آن، تبیین می‌گردد. به این معنا که در عین توضیح مفهوم آخرت‌گرایی، به تشریح نحوه انطباق این مفهوم در حیطه مورد نظر و جایگاه آن پرداخته می‌شود. با توجه به مطلب بیان شده، اگر چه مفهوم «آخرت‌گرایی» به‌عنوان محور اصلی در تبیین‌ها لحاظ می‌شود؛ اما نحوه به‌کارگیری و انطباق آن بر مصادیق مختلف در هر حیطه شغلی، متفاوت خواهد بود.

در همین راستا، قرآن کریم در آیات متعدد، بر اهمیت مقوله آگاهی‌بخشی تأکید می‌ورزد و بیان می‌دارد که خداوند، رسولی از جنس خود مردم برای آنها فرستاد تا آیات خود را بر ایشان بخواند و آنها را پاک گرداند، کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، در حالی که در گذشته، در گمراهی به سر می‌بردند (آل عمران، ۶۴). در ادامه، خداوند، پیامبر را مأمور به تذکر می‌کند (غاشیه، ۲۱) و از او می‌خواهد که در امر آگاهی‌بخشی، با حکمت و اندرز نیکو، مردم را به راه پروردگار دعوت کند و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است به مجادله بپردازد (نحل، ۱۲۵).

در کنار راهبرد آگاهی‌بخشی، راهبردهای متعددی را باید به منظور تحقق هرچه بهتر این مرحله به کار بست. «استدلال منطقی» (علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۷؛ رضی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۴۴ و تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۱۲)، «عامل بودن آمر» (احزاب، ۵۵؛ صف، ۳ و ۲ و رضی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۷۶۵)، «ارائه الگوی مناسب» (رضی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶۳ و احزاب، ۲۱) و «مخاطب‌شناسی» (مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۷۴، ص ۱۵۰) از جمله این موارد می‌باشند که بر محورهای «بازگشت به سوی خدا»، «اوصاف قیامت»، «آثار آخرت‌گرایی» و «مقایسه دنیا و آخرت» لحاظ می‌گردند (شریفی و داودی، ۱۳۹۵).

**مرحله دوم:** راهبرد «هنجاری کردن مفهوم آخرت‌گرایی» و گزاره‌های آن است. در جامعه‌شناسی، به عقیده اغلب صاحب‌نظران همانند دورکیم<sup>۱</sup>، سیمل<sup>۲</sup>، وبر<sup>۳</sup> و لومن<sup>۴</sup>، هنجار به معنای «الگویی از انتظارات عمومی رفتار» در متن‌های خاص و برخاسته از نظام ارزش‌های گروه است (باقری، ۱۳۹۳). هنجارها، سیستم سازمان یافته‌ای هستند که بین افراد تشکیل دهنده جامعه، مشترک‌اند و به طور جمعی حفظ می‌شوند و منافع حاصل از رعایت آنها، عاید همه اعضای گروه می‌شود. در واقع وقتی هنجارها به صورت سرمایه اجتماعی در می‌آیند می‌توانند بحران‌های اجتماعی را حل کنند (دهقان، ۱۳۹۸). در کنار این توصیفات باید گفت، وقتی یک مفهوم و گزاره‌های آن، در جامعه به هنجار تبدیل می‌گردند، در واقع رسوم‌های اجتماعی خواهند بود که افراد، حاضر به ترک آن نخواهند شد. و البته در صورتی که این هنجارها، پسندیده و در جهت پیشرفت جامعه باشند، باید تقویت و حراست گردند. مقوله هنجارهای اجتماعی و باید و نبایدهای آن، از جمله مباحثی هستند که در متون دینی هم به آن پرداخته شده است. کلمه «سنت» در *نهج البلاغه*، به معنای هنجارهای پایه‌دار و نیز اقسام دیگر هنجارهای اجتماعی آمده است (میریان و صمدانیان، ۱۳۸۸). امام علی علیه السلام در ضمن تأیید هنجارهای اجتماعی پسندیده، توصیه می‌کنند به پرهیز از خراب کردن آیین پسندیده‌ای که بزرگان این امت بدان رفتار نموده‌اند و به وسیله آن، مردم به هم پیوسته‌اند، و رعیت با یکدیگر سازش کرده‌اند؛ و نیز نهی می‌کنند از ایجاد آیینی که موجب از بین رفتن چیزی از سنت‌های نیک گذشته باشد (نامه ۳۸/۵۳). هرچند مورد استفاده واژه

1. Durkheim.

2. Simmel.

3. Weber.

4. Luhmann.

«سنت» با واژه «هنجار» در بعضی موارد متفاوت است؛ اما مصادیق و اقسام یکسان هر دو، دلالت بر یکی بودن مفهوم این واژگان دارد و به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین کلمات در قرآن و روایات به واژه هنجار، «سنت» باشد، هرچند کلماتی مانند «سیر»، «داب» و «عرف» هم به بخشی از معنای هنجار دلالت دارند (میریان و همکاران، ۱۳۸۸).

فرآیند «هنجاری کردن مفهوم آخرت‌گرایی» با کمک راهبردهای متعددی تحقق می‌یابد، همانند «تکریم آخرت‌گرایی به واسطه تکریم انسان‌های آخرت‌گرا»، «نکوهش ضد ارزش‌ها»، «استفاده از عرف عام»، «معرفی زمینه‌های خطرناک» و «انذار از عواقب بی‌توجهی به آخرت».

**مرحله سوم:** استفاده از مکانیزم قانونی به‌عنوان ضمانت اجرایی برای متابعت از مفهومی که از دو مرحله قبل عبور کرده است. البته این مرحله می‌تواند به کمک مرحله دوم هم بیاید؛ زیرا عملیات هنجاری‌سازی، پروسه‌ای زمان‌بر است. اهرم قانون، لازم نیست به صورت صریح به مسئله آخرت‌گرایی اشاره کند، بلکه همین قدر که به تصویب قانون‌های همسو با این مفهوم منجر شود، می‌تواند در تحقق این مهم، نقش داشته باشد.

نکته دیگری که در این بخش حائز اهمیت می‌باشد، این است که در مورد قانون، در برخی موارد می‌توان به سیاست‌های ابلاغی از جانب نهادهای بالادستی هم اشاره کرد، که اگر چه تصویب قانونی ندارد؛ اما لزوم اجرا را در پی خواهند داشت. در اینجا به تعدادی از سیاست‌های پیشنهادی اشاره می‌کنیم که به نظر می‌رسد رعایت آنها با دیدگاه آخرت‌گرایی می‌تواند در فرآیند نهادینه‌سازی مفهوم آخرت‌گرایی مؤثر باشد.

حیطه‌های نهادینه کردن آخرت‌گرایی عبارت‌اند از خانواده، نهادهای آموزشی و... در ادامه هر کدام از حیطه‌ها تبیین می‌شود.

**الف. خانواده؛** به تحقیق، نخستین و مؤثرترین محیط تربیتی انسان، محیط خانوادگی و اولین مربیان و معلمان او، پدر و مادر می‌باشند. خانواده به مثابه هسته اصلی و اولیه جامعه، حالات فکری و روانی کودک را پایه‌گذاری و شکل می‌دهد (آریان، ۱۳۹۷). راهکارها در محیط خانواده عبارت‌اند از: وجود فضای محبت‌آمیز در خانواده و در ارتباط با فرزندان، رعایت احترام متقابل و دوری از تحقیر، به‌ویژه نسبت به فرزندان، رعایت عدالت و مساوات در توجه به فرزندان، درونی کردن ارزش‌ها و پرهیز از افراط و اجبار بر اعضای خانواده، قاطعیت و جدیت و دوری از اهمال‌کاری در تربیت فرزندان.

**ب. نهادهای آموزشی، مدارس؛** آموزش و پرورش به‌عنوان بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین

نهاد آموزشی و تربیتی کشور، سال‌های نسبتاً طولانی از مهم‌ترین مقاطع زندگی اکثر افراد جامعه را به خود اختصاص می‌دهد و همین امر، نشان‌دهنده اهمیت و تعیین‌کننده بودن این نهاد در زندگی فردی و آینده هر شخص می‌باشد. با توجه به نارسایی‌ها و معضلات موجود در این عرصه، راهکارهای ذیل جهت تقویت باورهای دینی از جمله آخرت‌گرایی ارائه می‌گردد:

تغییر رویکرد کسب مدرک در نظام آموزش و پرورش و تقویت رویکرد درک مطلب منطبق با مطالبات و نیازهای روزآمد جامعه اسلامی، تغییر مواد درسی دانش‌آموزان با حذف مطالب دینی غیرضروری و غیرمرتبط با ذوق و استعداد دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی؛ پرهیز از برخورد آمرانه و تحکم‌آمیز در خصوص رعایت شئون اسلامی و تکالیف شرعی به‌ویژه به منظور مشارکت دادن دانش‌آموزان در نمازهای جماعت، سخنرانی‌ها و مراسم و مناسبت‌های مذهبی؛ استفاده صحیح و مناسب از ابزار و شیوه‌های جدید (از جمله فیلم، انیمیشن، تئاتر و...)؛ به‌کارگیری معلمان و اساتید باتجربه، متخصص و دل‌سوز، به منظور تدریس دروس دینی؛ ایجاد زمینه‌های تحقیقات و مطالعات معلمان و مربیان در موضوعات مرتبط؛ بهره‌گیری از طلاب جوان و خوش‌ذوق، جهت تدریس دروس دینی؛ گسترش و حمایت از تشکل‌های خودجوش دانش‌آموزی و انجمن‌های اسلامی؛ ایجاد تقویت و حمایت از نشریات دانش‌آموزی با رویکرد دینی (به شکل نامحسوس)؛ تبیین و تشریح اثرات آخرت‌گرایی بر رشد و پیشرفت علمی، فرهنگی؛ فراهم کردن بسترهای تعامل اولیا و مربیان در مدارس در زمینه بهینه‌سازی فرآیند تربیت دینی و توسعه ارزش‌های اخلاقی از جمله آخرت‌گرایی در بین دانش‌آموزان؛ توجه ویژه به فضای فرهنگی حاکم بر مدارس و نقش مؤثر اولیا و مربیان در ارائه مدل رفتاری نظام‌مند و هماهنگ مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و اسلامی؛ ایجاد ارتباط مناسب و سازنده بین مساجد و مدارس (همجوار)؛ ایجاد مراکز آموزشی و مدارس مختص دختران، به منظور رفع مشکل حفظ حجاب و اقامه شعائر دینی و فعالیت‌های ورزشی و فوق برنامه در این اماکن.

**۱. دانشگاه‌ها؛** به منظور مقابله ریشه‌ای با موانع تقویت باورهای دینی (از جمله آخرت‌گرایی) از طریق دانشگاه‌ها، راهکارهای کلان ذیل پیشنهاد می‌گردد:

توجه ویژه به اصول سوم و سی‌ام قانون اساسی و نیز بند ۱۵ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه؛ همکاری حوزه و دانشگاه به صورت عملیاتی و به دور از شعار زدگی، بر اساس تأکیدات مکرر امام راحل و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب؛ ترجیح رشد کیفی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی با رعایت استانداردهای مورد نظر؛ فراهم آوردن زمینه وحدت حوزه و



دانشگاه به صورت واقعی و بهره‌گیری ضابطه‌مند و اصولی از اساتید باتجربه و آگاه حوزه‌های علمیه به منظور تدوین و ساماندهی متون درسی در رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌ها؛ پرهیز از تبلیغ مستقیم ارزش‌ها و آموزه‌های دینی؛ تأسیس و تقویت تشکل‌های خودجوش دانشجویی و انجمن‌های اسلامی؛ حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی از انجام پژوهش‌های جامع به منظور «مهندسی هدایت دینی» توسط اساتید و محققان دانشگاهی.

**۲. حوزه‌های علمیه؛** به منظور مقابله ریشه‌ای با موانع تقویت باورهای دینی (از جمله آخرت‌گرایی) از طریق حوزه‌های علمیه، راهکارهای کلان ذیل پیشنهاد می‌گردد:

ایجاد تحول در متون درسی حوزه‌های علمیه و پاسخگو نمودن نهاد حوزه و روحانیت در برابر مطالبات و پرسش‌های روزآمد اقشار و طبقات مختلف مردم؛ ابهام‌زدایی و از بین بردن تحریف‌ها، بدعت‌ها و خرافات از دین، به همراه بیان زیبایی‌های دین اسلام؛ مواجهه انتقادی و اصلاح‌گرانه با نقائص و ناکارآمدی‌ها و خودداری از تأیید و توجیه‌های بی‌جا در مورد وضعیت نامطلوب جامعه؛ تمرکز بر استقلال حوزه‌های علمیه از نهادهای حکومتی در عین نظارت و ورود در فرآیند تکاملی نهادهای حکومت؛ ساماندهی نظام مدیریت و آموزشی حوزه.

**ج. رسانه‌ها؛** در این بخش، به بررسی مهم‌ترین رسانه‌های تأثیرگذار در نقش بستن هویت دینی مردم را مورد بررسی قرار داده و شیوه‌های استفاده صحیح و مؤثر از آنها در جهت تقویت باورهای دینی بیان می‌شود.

**۱. صدا و سیما؛** تدوین و ایجاد سیاست‌ها و اصول حاکم بر برنامه‌های صدا و سیما؛ خودداری از بکارگیری شیوه‌های تبلیغی مستقیم در حمایت و دفاع از الگوها، اصول و ارزش‌های دینی؛ بکارگیری مدیران و متصدیان متعهد و معتقد به ارزش‌های دینی در سطوح کارشناسی و مدیریتی؛ ایجاد ارتباط دو سویه و تقویت مشارکت‌های مردمی؛ بهره‌گیری از سخنرانان و کارشناسان متنوع با رویکردهای متفاوت به منظور توسعه و گسترش طیف مخاطبان؛ توجه به توانایی‌ها و واقعیت‌های موجود در القای آرمان‌گرایی به جامعه؛ پرهیز از دفاع تکراری و سطحی از افتخارات ملی و مقدسات دینی؛ داشتن روحیه انتقادپذیری و خودداری از نقد مغرضانه و غیرعالمانه مخالفان فرهنگی و اعتقادی؛ دوری از سطحی‌نگری و عوام‌زدگی در تحلیل و تشریح رویدادها و پدیده‌های مهم دینی فرهنگی؛ افزایش استقلال و اعتبار ملی صدا و سیما با کاهش و حذف عناصر وابسته به گروه‌ها، جناح‌ها و باندهای خاص.

**۲. کتاب؛** رونق بخشیدن به بازار کتاب و گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی به ویژه کتب دینی؛ توجه به نیازها و مطالبات اقشار با سواد جامعه در محتوای کتبی که منتشر می‌شوند؛

توسعه و تجهیز کتابخانه‌های عمومی و حمایت‌های مادی و معنوی از کتابخانه‌های موجود به‌ویژه در مناطق محروم کشور؛ معرفی سریع و صحیح کتب مفید و ارزشمند و نیز نویسندگان و محققان جوان به مردم؛ کاهش رویکرد تجاری و اقتصادی دولتی به مقوله کتاب با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه چاپ و انتشار کتاب‌های مفید و علمی؛ اولویت دادن به توانایی‌های علمی، پژوهشی و مطالعاتی (در مقابل مدرک‌گرایی) در نظام استخدامی کشور و اختصاص امتیازهای ویژه برای کارکنان اهل مطالعه (بعد از استخدام).

**۳. مطبوعات؛** افزایش تصدی‌گری بخش خصوصی در حوزه مطبوعات، به منظور افزایش رقابت، خلاقیت و نوآوری در این عرصه، که منجر به جذب مخاطبان و افزایش نقش هدایت‌گرانه و نظارتی در جامعه می‌شود؛ پرهیز از سیاست‌زدگی؛ تربیت و آموزش افراد متعهد برای عرصه مطبوعات؛ تقویت و گسترش فعالیت‌های مطبوعاتی سالم به منظور انزوای مجموعه‌های سکولار و متحجر.

**۴. سینما؛** سینما یکی از بخش‌های تأثیرگذار و با اهمیت کشور است که برای قرار گرفتن آن در ذیل مجموعه‌های فرهنگی و دینی، و استفاده بهینه از آن در زمینه تقویت باورهای دینی و فرهنگ اسلامی، می‌بایست اهداف آن را با در نظر گرفتن موارد ذیل، قابل دستیابی نماییم:

تدوین و تصویب سیاست‌های کلی سینمایی کشور؛ ضابطه‌مند نمودن و شفاف‌سازی مقررات صدور مجوز برای تولید و اکران فیلم‌های سینمایی، توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ بهره‌گیری از تجربه و تخصص فعالین متعهد و باکفایت در حوزه سینما؛ توجه و حمایت از تولیدکنندگان و فعالان سینمای دینی و ارزشی، به صورت مادی و غیرمادی؛ برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری جدی و ضابطه‌مند جهت تربیت نیروهای متعهد و کارآمد در عرصه سینما؛ ارج نهادن، تکیه و تمرکز بر رقابت، خلاقیت و نوآوری به‌عنوان یک اصل؛ در نظر گرفتن همه نیازها و سلیق، به‌ویژه نسل جوان با رویکرد تقویت سینمای دینی؛ خودداری از حمایت و دفاع از مقدسات دینی به صورت مستقیم و سطحی؛ دوری از هرگونه نگاه سیاست‌زده در حوزه سینما.

**د. ساماندهی نظام تبلیغی کشور:** هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط به همراه تدوین سیاست‌های فرهنگی و تبلیغی از اقدامات مهم در بحث سامان‌دهی نظام تبلیغی کشور می‌باشد. اهم سیاست‌های حاکم بر نظام تبلیغی کشور به شرح زیر پیشنهاد می‌شود: مورد توجه قرار دادن سند چشم‌انداز بیست ساله کشور؛ همسو کردن تبلیغات و نیازهای مخاطبین،

با در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه؛ توجه به جامعیت و ابعاد مختلف دین مبین اسلام؛ پایش جریان‌های فرهنگی و تبلیغی؛ آسیب‌شناسی تبلیغات و شناخت تهدیدها و فرصت‌های تبلیغی؛ در نظر گرفتن مقتضیات زمان و نیز نقد و بررسی دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری با محوریت اصول و ارزش‌های اسلامی؛ توجه به اثر بخشی تبلیغات و بهینه‌سازی آن؛ توجه کافی به گسترش کیفی تبلیغات؛ تمرکز بر ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و همسو نمودن فعالیت‌های تبلیغی با آنها؛ تقویت وجدان کاری و نظم در میان مبلغین فرهنگی؛ احترام به گونه‌های مختلف قومی، زبانی و گویشی و پرهیز از توهین و کوچک شمردن آنان به همراه تأکید بر نقاط مشترک؛ پرهیز از هرگونه غرب‌زدگی و خودباختگی در مقابل تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای بیگانگان؛ خودداری از استفاده ابزاری از افراد.

**۵. احزاب و تشکل‌های سیاسی؛** احزاب به‌عنوان یکی از نهادهای مهم و اثرگذار سیاسی در کشور به شمار می‌آیند که با آفت‌زدایی، ساماندهی و ارتقای سطح آگاهی فرهنگی و سیاسی مردم، می‌توانند زمینه مناسب و مساعدی را در جهت بهبود اوضاع سیاسی، اجتماعی و نیز رشد و توسعه فرهنگ دینی در جامعه فراهم آورند.

**۶. ادارات دولتی؛** نهادهای و سازمان‌های دولتی در جهت تبیین و ترسیم جهت‌گیری‌ها و کارکردهای ویژه متولیان و مدیران کشور، نقش بسیار مهمی را در آموزش و انتقال پیام‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکمیت داشته و دارند. ادارات دولتی در صورت عمل بر طبق اصول و ضوابط قانونی و همچنین رعایت وجدان کاری و انضباط اداری، در نتیجه حل و فصل مشکلات و امور مربوط به مراجعین و تأمین رضایت مردم از ادارات، باعث تأثیرپذیری مثبت، دلگرمی و آرامش در بین آحاد ملت خواهند شد.

بررسی راهکارهای نهادینه‌سازی آخرت‌گرایی در جامعه اسلامی بر اساس دیدگاه روان‌شناسی در ادامه می‌آید. واژه نهادینه‌سازی از لحاظ معنایی با دو واژه فرهنگ‌سازی و درونی‌سازی دارای شباهت معنایی می‌باشد، با این تفاوت که در روان‌شناسی، این مفهوم با واژه درونی‌سازی نشان داده می‌شود.

درونی‌سازی آخرت‌گرایی به همه اقداماتی گفته می‌شود که توسط مربی برای ایجاد و تقویت باور به آخرت و معاد و پیاده شدن آن در رفتار متربی انجام می‌گیرد. درونی‌سازی هنجارهای اخلاقی عبارت است از پذیرش و سازگاری باورها، ارزش‌ها، نگرش و معیارها، به مثابه چیزهایی که به خود فرد تعلق دارد. در این فرآیند، ارزش‌هایی که از راه عوامل بیرونی به فرد داده شده است با افکار و اعمال او یکی شده و جزئی از وجدان شخص می‌شود؛ به

گونه‌ای که نقض آنها به‌طور طبیعی احساس خطا و شرم را در وی برمی‌انگیزاند (سالاری فر و رضوی، ۱۳۹۵).

در فرآیند درونی‌سازی آخرت‌گرایی در جامعه از دیدگاه روان‌شناسی (فرد محور) با رویکرد دینی، روش‌ها و راهبردهای متعددی یافت می‌شود؛ بسیاری از آنها ذیل مباحث جامعه‌شناسی بیان شد؛ به‌عنوان مثال، مکانیزم‌هایی که ذیل نهاد خانواده مطرح شد، و نیز بخشی از آنچه در مورد نهاد رسانه بیان شد، بیشتر در حوزه روان‌شناختی می‌باشند که علاوه بر آنها، به بعضی از نکات مهم دیگر اشاره می‌کنیم:

### ۱. آگاهی بخشی با در نظر گرفتن سبک یادگیری مخاطب: همواره بسیاری از

خطاها و غفلت‌های انسان، به‌خاطر کمبود یا نبود آگاهی می‌باشد، و از این رو، آیات و روایات بسیاری، این امر را مورد توجه قرار داده‌اند و به آن اشاره می‌کنند. به‌عنوان نمونه، خداوند، خطاهایی را که از روی جهالت صورت پذیرفته است، بعد از توبه کردن فرد خطاکار، می‌بخشد (انعام، ۵۴). از دیدگاه رسول خدا ﷺ خیر دنیا و آخرت در علم، و شر دنیا و آخرت، در جهل می‌باشد (مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۷۹، ص ۱۷۰).

در کنار اهمیت آگاهی‌بخشی و زدودن جهل، توجه به سبک یادگیری فرد نیز، از اهمیت وافری برخوردار است. لغت‌نامه، یادگیری را مهارت کسب دانش به‌وسیله آموزش و تغییر در رفتار به‌وسیله تجربه تعریف می‌نماید. در واقع، یادگیری عبارت است از تغییری نسبتاً دائمی در رفتار که نتیجه تجربه‌های مستقیم یا غیرمستقیم باشد (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۴). یادگیری یا ترجیحات یادگیری بسیار گوناگون‌اند. سبک‌های یادگیری همچنین از راهبردهای یادگیری و یادگیری سطحی و عمیق نیز متمایزند. سبک‌های یادگیری به‌عنوان مشخصات فردی که برای یک شخص در موقعیت یکسان ثابت می‌مانند در نظر گرفته شده‌اند. برعکس آن، راهبردهای یادگیری فعالیت‌های آگاهانه‌ای هستند، که می‌توانند یاد گرفته شده و تعدیل شوند. سبک‌های یادگیری را می‌توان به سه دسته «شناختی»<sup>۱</sup>، «عاطفی»<sup>۲</sup> و «فیزیولوژیکی»<sup>۳</sup> تقسیم کرد. سبک‌های یادگیری شناختی به روش‌هایی که شخص موضوع‌ها را ادراک می‌کند، اطلاعات را به‌خاطر می‌سپارد، درباره مطالب می‌اندیشد و مسائل را حل می‌کند، گفته می‌شود. سبک‌های یادگیری عاطفی، در برگیرنده ویژگی‌های

1. Cognitive.

2. Emotional.

3. Physiological.

شخصیتی و هیجانی یادگیرنده، مانند پشتکار، مستقل کار کردن یا با دیگران کار کردن و پذیرش یا رد تقویت‌کننده‌های بیرونی است. سبک‌های یادگیری فیزیولوژیکی، جنبه زیست‌شناختی دارند و در برگیرنده واکنش فرد به محیط فیزیکی مؤثر بر یادگیری او هستند (شفیعی و شریف زاده، ۱۳۹۹).

در پژوهشی که به منظور ارزیابی سبک‌های یادگیری دانشجویان پرستاری و همچنین به منظور شناسایی رابطه بین برخی از ویژگی‌های دانش‌آموزان با سبک‌های یادگیری دیداری، شنیداری و حرکتی مانند جنسیت و سطح علمی آنها انجام شد مشخص گردید که، به‌طور کلی، اکثر دانشجویان، سبک یادگیری بصری را ترجیح می‌دهند (که شاید به‌خاطر سهولت بیشتر و جذابیت آن باشد). در حالی که (۳۰٪، ۵٪) دانش‌آموزان، سبک حرکتی و سبک شنیداری توسط (۲۹٪، ۵٪) دانش‌آموزان ترجیح داده شد (ابراهیم و حسین، ۲۰۱۶). طبق مطالعه فرانکل (۲۰۰۹)، سبک یادگیری دیداری، شنیداری و حرکتی به ترتیب (۵۴٪)، (۲۶٪، ۹٪) و (۱۹٪، ۱٪) می‌باشند. براساس مطالعه رشری<sup>۱</sup> (۲۰۱۳)، بر روی دانش‌آموزان دبیرستان، سبک یادگیری دیداری، شنیداری و حرکتی به ترتیب (۳۳٪، ۵٪)، (۲۸٪، ۵٪) و (۳۸٪) مشاهده شد (ابراهیم و حسین، ۲۰۱۶). این تفاوت در سبک‌های یادگیری، نشان‌دهنده اهمیت و تأثیر آن در جریان یادگیری و درونی‌سازی می‌باشد که لحاظ آن در فرآیند درونی‌سازی، بسیار اهمیت می‌یابد.

**۲. تغییر نگرش فرد، مبتنی بر شرطی‌سازی:** نگرش عبارت است از ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی که شخص را پیشاپیش، آماده می‌کند تا به دیگران، اشیا و گروه‌های مختلف به شیوه مثبت یا منفی نگاه کند. نگرش‌ها ارزیابی از اشیا را خلاصه می‌کنند و در نتیجه، پیش‌بینی یا هدایت اعمال یا رفتارهای آینده را بر عهده می‌گیرند (گنجی، ۱۳۹۰). نگرش دارای مؤلفه‌های شناختی (مانند باورها، افکار و ویژگی‌هایی که ما به هر موضوعی نسبت می‌دهیم)، عاطفی (احساسات یا عواطفی که نسبت به یک موضوع داریم) و رفتاری (که به رفتارهای گذشته و همچنین تجربیات شخص در مورد یک موضوع مرتبط است) می‌باشد. تأثیر نگرش‌های ما بر یکدیگر و بر رفتارمان، غیرقابل انکار است. در روان‌شناسی اجتماعی، گروهی بر این باورند که نگرش‌ها علاوه بر امکان تغییر، آموخته نیز می‌شوند. و شرطی‌سازی یکی از مهم‌ترین روش‌های آن است. در شرطی‌سازی کنشگر، رفتار با یک

محرك پس‌آیند، کنترل، تقویت یا طرد می‌شود. بر اساس این نظریه، اگر پیامد یک رفتار (مانند تحسین کلامی، نگاه محبت‌آمیز، بوسیدن و در آغوش گرفتن، هدیه) برای فرد مطلوب باشد (فرد تقویت دریافت کند)، رابطه محرك و پاسخ نیرومند می‌شود و رفتار ادامه می‌یابد (سالاری فر و رضوی، ۱۳۹۵). در اینجا، تشویق‌هایی که بعد از رفتارهای آخرت‌گرایانه اتفاق می‌افتد موجب می‌شوند که فرد، رفتار مطلوب را تکرار کند و بدین وسیله در طول زمان، یادگیری و تغییر نگرش، صورت خواهد پذیرفت.

**۳. یادگیری مشاهده‌ای مبتنی بر ارائه الگو:** الگو در لغت به معنای مدل، سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال و نمونه است؛ اما در اصطلاح به شخصیتی گفته می‌شود که به دلیل داشتن برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است. شیوه الگویی، عبارت است از «انتخاب برخی الگوهای رفتار بدنی و کلامی مشهود برای تقلید» (حسین‌زاده، ۱۳۸۹). شیوه الگویی از جمله مؤثرترین روش‌ها، برای تربیت اجتماعی می‌باشد. در اهمیت این روش، همین بس که خداوند در قرآن کریم، از این شیوه استفاده کرده است و پیامبر را به عنوان اسوه حسنه، معرفی می‌کند (احزاب، ۲۱).

در این میان، نکته حائز اهمیت این است که در کنار معرفی معصومین علیهم‌السلام به عنوان اسوه حسنه، به معرفی الگوهایی که برای افراد، دست‌یافتنی‌تر به نظر می‌رسند نیز پرداخته شود. البته نباید فراموش کرد که آخرت‌گرایی زمام‌داران و مسئولین در نظام مقدس جمهوری اسلامی و نمود آن در جامعه، می‌تواند تأثیر بسزایی در میان افراد جامعه داشته باشد. شیوه الگویی بر نظریه یادگیری اجتماعی بندورا<sup>۱</sup> مبتنی است که اساس آن، یادگیری مشاهده‌ای می‌باشد. طبق این نظریه، فرآیند یادگیری از طریق نگاه کردن به دیگران، حفظ اطلاعات و سپس تکرار رفتارهای مشاهده شده می‌باشد.

**۴. تشویق و تنبیه:** تشویق در لغت به معنای برانگیختن (فیومی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۷۰) و تهییج کردن (ابن منظور، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۹۲) می‌باشد. و همچنین تنبیه، از ماده «لَبَّه» است که در لغت به معنای بیدار شدن و آگاه کردن (ابن منظور، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۴۶) بیان شده است.

اساساً نفس انسان تمایل دارد به سوی گناه سوق پیدا کند (واسطی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۴۱) و همین امر موجب شده است تا دین الهی، به منظور هدایت انسان‌ها، از مقوله

1. bandura.

تشویق و تنبیه استفاده نماید، کما اینکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «تأثیر پاک‌کنندگی حدی که در زمین بر پا شود، از شصت سال عبادت بیشتر است» (نوری، ۱۳۹۵، ج ۱۸، ص ۹). انسان دائماً شوق دارد که به سمت لذت‌ها رفته و از دردها و ضررها دوری کند، و همین امر باعث شده است که تلاش کند از دردها دوری کرده و لذت‌ها را جلب کند. در همین راستا، امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ می‌فرماید: «کیفر حتمی، موجب می‌شود که انسان جز کار نیک انجام ندهد» (آمدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۲۹). قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین کتاب هدایت و تربیت انسان‌ها از بهشت و جهنم، تبشیر و انذار پیامبران (بقره، ۲۱۳)، پاداش و کیفر اعمال (انعام، ۴۸)، به‌عنوان جلوه‌هایی از تشویق و تنبیه، برای هدایت و راهنمایی انسان‌ها بهره‌جسته است. در مورد تشویق باید به نکاتی همچون «به موقع و متناسب بودن تشویق با نوع رفتار»، «به اندازه و معقول بودن» و «تبدیل به هدف نشدن»، «منطبق با استحقاق شخص بودن»، «در حضور جمع صورت گرفتن»، «بیان دلیل تشویق» و «کلی‌گویی نکردن» توجه کرد. و همچنین در مورد تنبیه، می‌توان مواردی از قبیل «تغییر چهره»، «استفاده از کنایه»، «تذکر مستقیم و غیرعلنی»، «تهدید به محروم‌سازی»، «محروم‌سازی»، «توبیخ و سرزنش»، و «تنبیه بدنی» و «تنبیه جانیشینی» (تنبیه شدن به وسیله مشاهده تنبیه دیگری) را به‌کار برد (سالاری‌فر و رضوی، ۱۳۹۵).

**۵. کاهش تعارض آخرت‌گرایی و دنیاخواهی:** نظریه ناهماهنگی شناختی فستینگر<sup>۱</sup> (۱۹۵۷) بیان می‌کند که وجود تعارض شناختی، شخص را به کاهش ناهماهنگی تحریک می‌کند و منجر به اجتناب از اطلاعاتی می‌شود که ناسازگاری را افزایش می‌دهند. هرچه اندازه ناهماهنگی بیشتر باشد، فشار برای کاهش آن نیز بیشتر خواهد بود، و همین امر موجب می‌شود که فرد، به کاهش اهمیت شناخت‌های ناهماهنگ یا افزایش اهمیت شناخت‌های همخوان روی آورد (هارمون-جونز و میلز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹).

انسان معاصر متأثر از فرهنگ حاکم، خواهان زندگی آرام مادی است و می‌خواهد از لذات و مواهب طبیعت حداکثر استفاده را ببرد. از این رو، یکی از اهداف راهبردی و بنیادی دولت‌ها، دستیابی به «توسعه ملی» است. این توسعه بیشتر در «توسعه اقتصادی» تجلی پیدا کرده است و دولت‌ها در یک رقابت شدید و فشرده به سوی آن در حرکت‌اند. نظریه پردازان معتقدند برای دستیابی به توسعه، باید میزان «تولید» را بالا برد و سرانه تولید

1. Festinger.

2. Harmon-Jones and Mills.

ملی افزایش یابد، و برای رشد تولید، باید «مصرف» افزایش پیدا کند. در نتیجه، مردم باید بیشتر و متنوع‌تر مصرف کنند و به همین ترتیب، تولیدکنندگان داخلی و خارجی بیشتر تولید خواهند کرد و چرخه اقتصاد به گردش در می‌آید و توسعه حاصل می‌شود (نوید، ۱۳۷۶). در کنار این واقعیت، مسئله آخرت‌گرایی و توصیه‌های دین به ساده زیستی، عدم تعلق به دنیا، توجه به زندگی زودگذر و یاد مرگ، باعث شده است یک نوع ناهماهنگی شناختی بین واقعیتی اجتماعی و این واقعیت دینی صورت پذیرد؛ در نتیجه، عدم حل این تعارض به خاطر ملموس بودن دنیاگرایی و لذت آنی، موجب می‌شود واقعیت دینی کم‌رنگ‌تر شود. از این رو به نظر می‌رسد توجه به این مطلب و تلاش برای حل این ناهماهنگی شناختی، می‌تواند در آخرت‌گرایی فرد و تعمیق آن تأثیر بسزایی داشته باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

«اعتقاد به آخرت» به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول ادیان آسمانی و بهترین ابزار تربیتی و وسایل نیل به کمال انسانی می‌باشد که افراد می‌توانند در پرتو آن، به رشد و بالندگی برسند و حیات جاودان در بهشت برین را برای خود رقم زنند. مسئله معاد از حیث اهمیت، بعد از مسئله توحید، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل دینی و اسلامی به شمار می‌رود. پیامبران الهی با این هدف به سوی انسان‌ها ارسال گردیدند که مردم را به دو حقیقت، مؤمن و معتقد سازند؛ یکی به خدا و دیگری به قیامت. با توجه به تأثیر عمده آخرت‌گرایی بر تربیت و کمال انسان، و نیز کاهش مشهود در کم‌رنگ شدن این باور در میان توده مردم، این سؤال اساسی که راهکارهای نهادینه کردن آخرت‌گرایی در جامعه اسلامی چیست و چگونه می‌توان این مفهوم را در میان همه مردم تعمیم و تعمیق بخشید، بیش از پیش برجسته می‌گردد.

در این پژوهش سعی شد با بررسی متون اسلامی و روان‌شناسی به منظور نهادینه کردن و درونی‌سازی مفهوم آخرت‌گرایی در جامعه اسلامی از دو دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به این مقوله نگاه شود و با مخاطب قرار دادن فرد و گروه در جامعه، فرآیند نهادینه‌سازی را در سه مرحله آگاهی بخشی، هنجاری‌سازی و اجرای مکانیزم قانونی پیاده کنیم. در این پروسه، بکارگیری راهبردهای «آگاهی بخشی با در نظر گرفتن سبک یادگیری مخاطب»، «تغییر نگرش فرد مبتنی بر شرطی‌سازی»، «یادگیری مشاهده‌ای مبتنی بر ارائه الگو»، «تشویق و تنبیه»، «کاهش تعارض آخرت‌گرایی و دنیاخواهی»، به تسریع این فرآیند کمک کرده و موجب تکمیل فرآیند نهادینه‌سازی آخرت‌گرایی می‌شود.



## منابع

### • قرآن کریم.

- آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ راشدی، سعید و راشدی، لطیف (۱۳۹۰). *غررالحکم و درر الکلم*، قم: پیام علمدار.
- ابن منظور (۱۳۷۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ایمانی، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، *عیار پژوهش در علوم انسانی*، سال دوم، شماره ۱۵.
- باقری، فریبرز (۱۳۹۳)، «مفهوم‌شناسی و کارکردهای هنجار»، *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، شماره ۳، ص ۵۱-۱.
- حسین زاده، علی (۱۳۸۹)، «ادب برابر خدا؛ روش الگویی پیامبران اولوا العزم به هنگام دعا»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال دوم، شماره ۶۳.
- خان محمدی، هادی؛ اصلی‌پور، حسین؛ خان محمدی، مجید و شمس، لیلا (۱۳۹۷)، «طراحی الگوی نهادینه‌سازی ارزش‌ها مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، شماره ۴۶، ص ۹-۳۴.
- خلجی، حسن (۱۳۹۰)، «شیوه‌های مؤثر نهادینه کردن حجاب در کودکان و نوجوانان»، *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، شماره ۸، ص ۱۵۰-۱.
- دهقان، محمد (۱۳۹۸)، *راهبردهای نهادینه‌سازی فرهنگ انقلابی دانشجویان با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف اسلامی.
- رحمتی، محمد (۱۳۹۳)، *تأثیر چند رسانه‌ای آموزش مفاهیم علوم در یادگیری، یادداری و انتقال یادگیری دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهرستان خنداب در سال تحصیلی ۹۲-۹۳*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- رضی، محمد بن حسین (۱۳۸۷)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، ج ۱، قم: الهادی.
- سالاری‌فر، محمدرضا و رضوی، سید جمال‌الدین (۱۳۹۵)، «روش‌های درونی‌سازی عفاف بر اساس متون اسلامی»، *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، شماره ۲، ص ۵۱-۷۴.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۳)، *معاد انسان و جهان*، قم: دفتر مجله مکتب اسلام.
- شایگان، فریبا و سهرابی، حیدر (۱۳۹۶)، «روش‌های نهادینه‌سازی رفتار از دیدگاه اسلام»، *نشریه تحقیقات*.
- شایگان، فریبا و مصطفی‌نژاد، حسن (۱۳۹۵)، «نهادینه‌سازی انضباط اجتماعی (نظریه‌ها و روش‌ها)»، *بنیادین علوم انسانی*، شماره ۳، ص ۷۳-۹۳.

- شریعتی، محمد باقر (۱۳۸۰)، *معاد در نگاه وحی و فلسفه*، قم: بوستان کتاب.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۷)، *نهج‌البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم: الهادی.
- شریفی، حسین و داودی، محمد (۱۳۹۵)، «روش‌های نهادینه کردن معاد در تربیت دینی»، *پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی*.
- شریفی، عنایت‌الله؛ جعفری‌نسب، سید حسین (۱۳۹۵)، «روش‌های قرآن در نهادینه‌سازی اخلاق در جامعه»، *پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، شماره ۲۳، ص ۵۹-۸۴.
- شفیعی، صابر و شریف‌زاده، میلاد (۱۳۹۹)، «بررسی سبک‌های یادگیری دانش آموزان»، *پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات*، شماره ۱۳، ص ۳۵-۴۴.
- صبحی لکی، بهروز (۱۳۹۴)، «مدیریت اسلامی با تأکید بر مدیریت آخرت‌گرا از دیدگاه امام علی (ع)»، *دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع*.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۳۸۱)، *سیری در جهان پس از مرگ*، قم: جامعه‌المدرسین بقم المشرفه، مؤسسه النشر الاسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸)، *تفسیر المیزان*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، سید محمد حسین و خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۱)، *انسان از آغاز تا انجام*، قم: بوستان کتاب.
- علی بن‌الحسین (ع)، *صحیفه سجادیه*، حسین انصاریان (۱۳۸۹)، ج ۱، تهران: پیام آزادی.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۳۹۶)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم: طلبعه نور.
- کریم‌زاده، صادق (۱۳۸۹)، «سازوکارهای روان‌شناختی فرآیند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی»، *روان‌شناسی و دین*، شماره ۲، ص ۵.
- کوهن، بروس (۱۳۸۸)، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: توتیا.
- گلابی، سیاوش (۱۳۷۶)، *اصول و مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: میترا.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۷)، *عیون‌الحکم و المواعظ*، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۷)، *بحار الانوار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مشایخی، شهاب‌الدین (۱۳۸۶)، «اصول تربیت از دیدگاه امام علی (ع)»، *مجله حوزه و دانشگاه*، شماره ۲۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۸)، *معاد*، تهران: صدرا.
- مقیمی، سید محمد (۱۳۹۴)، *اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام*، تهران: راه‌دان.
- منتظرالمهدی، مرضیه (۱۳۹۲)، *شناسایی سازوکارهای نهادینه‌سازی رفتار از طریق وسایل ارتباط جمعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی.

- موسوی نسب، سید محمدصادق؛ رزاقی، هادی و خطیبی، حسین (۱۳۹۱)، «نقش اسلامی‌سازی محتوای آموزشی در درونی شدن ارزش‌های اسلامی»، *معرفت*، شماره ۸، ص ۱-۱۵.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶)، *معاد و جهان پس از مرگ*، قم: سرور.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میریان، فردوس و صمدانیان، محسن (۱۳۸۸)، «هنجارهای اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه»، *علوم قرآن و حدیث*، شماره ۸۲، ص ۱-۱۲۷.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۴)، «مرگ خود و مردن دیگری: روایت دو فرهنگ عرفی/ عقیدتی- معنوی (کاوشی در نظریه اجتماعی، نهج البلاغه، مثنوی معنوی)»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۱، ص ۹۷-۱۳۱.
- نوری، حسین بن محمدتقی و رحمتی اراکی، رحمت الله (۱۳۹۵)، *خاتمه مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نولن هکسما، سوزان؛ فردریکسون، باربارا؛ لافتس، جفری؛ وگنار، ویلم و هکسما، سوزان نولن (۱۳۹۰)، *زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد*، ترجمه مهدی گنجی، تهران: ساوالان.
- نوید، مهدی (۱۳۷۶)، «اعتقاد به معاد و موانع گسترش آن»، *پاسدار اسلام*، ص ۱۸۸.
- وهاب، آریان (۱۳۹۳)، *تربیت فرزند بر اساس اصول و مفاهیم تربیت دینی*، <http://pmb.o.ir>.
- هج، مری جو و کانلیف، آن ال (۱۳۹۵)، *نظریه سازمان: مدرن، نمادین-تفسیری و پست مدرن*، ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- یوسفیان، نعمت الله (۱۳۹۱)، *آخرت‌گرایی*، قم: زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه السلام.
- Harmon-Jones, E. , & Mills, J. (2019). An introduction to cognitive dissonance theory and an overview of current perspectives on the theory.
- Ibrahim, R. H. , & Hussein, D. A. (2016). Assessment of visual, auditory, and kineesthetic learning style among undergraduate nursing students. *Int J Adv Nurs Stud*, 5(1), 1-4.
- Rajshree S. , (2013). learning style and academic achievement of secondary school students, *voice of research*, Vol. 1 Issue 4, p: 2.
- Frankel, A. , (2009). Nurses' learning styles: promoting better integration of theory into practice. *Nursing Times journal*; 105: 2, pp: 27-24.

# Contents

<b>Pattern of assertiveness based on Islamic sources.....</b>	<b>7</b>
Mohammad Reza Ramezani Chaleshtari / Mohammad Reza Jahangirzadeh / Ramin Tabaraei	
<b>Development of a fairness education package to reduce marital conflicts based on Islamic sources.....</b>	<b>31</b>
Mohammad Reza Salarifar / Hamid Rafiei Honar / Hamidreza golverdi Yazdi	
<b>Fundamentals of family therapy based on Islamic sources.....</b>	<b>55</b>
Morteza Azizi / Mohammad Reza Ahmadi / Mohammad Reza Salarifar	
<b>Spirituality: Definition, Area and its functions in psychology and its comparison with the Islamic approach .....</b>	<b>79</b>
Majid Rajabi / Rahim Naroui Nosrati / Mohammad Reza Jahangirzadeh	
<b>Mothers' employment and its impact on parenting up to three years old.....</b>	<b>103</b>
Mojtaba Farhoush/ Hamidreza habibollahi / Zeinab assar	
<b>Strategies for institutionalizing heresy in Islamic society .....</b>	<b>119</b>
Mohammad Kaviani / Ghasem Mahdavi Asl	

**In the Name of Allah**

**Islam & Psychological Research**

Two Quarterly Journal of Psychology

**Vol.6, No. 14**

**Autumn & Winter 2020\_2021**

**Proprietor:** Akhlaq & Tarbiat High Education Institute

**Managing director:** Dr. Mohammad Javad Zarean

**Editor in Chief:** Dr. Mohammad Reza Ahmadi

**Executive Secretary:** Hadi Ershad Hosseini

**Editorial Board**

**Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad:** *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

**Hujjat uL-Islam Dr. Mohammad Javad Zarean:** *Academic Institute for Ethics And Education*

**Hujjat uL-Islam Dr. Mohammad Kaviani:** *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

**Hujjat uL-Islam Dr. Rahim Narouei:** *IKI*

**Hujjat uL-Islam Dr. Mahmood Nozari:** *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

**Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Baqiyatallah University*

**Dr. Hadi Bahrami Ehsan:** *Tehran University*

**Hujjat uL-Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *IKI*

---

ADDRESS:

**The High Institute of Ethics and Education**

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +982532918444

Fax: +982523922239

[www.ipr.ueae.ir](http://www.ipr.ueae.ir)

[pajoohesh.ueae@gmail.com](mailto:pajoohesh.ueae@gmail.com)

## فرم اشتراک دو فصلنامه

### مشخصات متقاضی حقیقی

نام خانوادگی: ..... نام: .....  
میزان تحصیلات: ..... رشته تحصیلی: .....  
مبلغ واریز شده: ..... تاریخ و شماره فیش بانکی: .....  
آدرس و کد پستی: .....  
صندوق پستی: ..... تلفن: .....

امضای متقاضی

### مشخصات متقاضی حقوقی

نام مؤسسه: ..... واحد درخواست کننده: .....  
مبلغ واریز شده: ..... تاریخ و شماره فیش بانکی: .....  
آدرس: .....  
کد پستی: ..... صندوق پستی: .....  
تلفن: ..... دورنگار: .....

امضای مسئول و مهر مؤسسه

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود پس از تکمیل فرم اشتراک، هزینه مربوطه را به شماره حساب ۱۰۳۵۷۰۴۰۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه صدوقی، به نام «مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» واریز نموده و اصل یا تصویر فرم اشتراک و فیش بانکی را به وسیله پست، دورنگار یا ایمیل به دفتر فصلنامه ارسال نمایند.

حق اشتراک سالانه برای دانشجویان: ۲۰۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۱۰۰.۰۰۰ ریال  
حق اشتراک سالانه برای عموم: ۲۴۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۱۲۰.۰۰۰ ریال